


کارگران جهان متحد شوید!

۳۴ صفحه

۱۰۳

سازمان ییکار در راه آزادی طبقه کارگر

مهراسم اول
ماه مه را
هر چه باشکوهتر برگزار کنیم!



سال دوم - دوشنبه ۷ اردیبهشت ۱۳۶۰ بهار ۳۰ روال

**پاسداران جمهوری اسلامی با پرچم نارنجک
دو گمونیست پیکارگر را شهادت رساندند!**

صفحه ۲۸-۲۹

پیام کمیته مرکزی سازمان
پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
به مناسبت اول ماه مه به
طبقه کارگر قهرمان ایران

جنرورودنگر حسن اول ماه مه فرا
سرحد و ما سن عظیم قدر با اتحاد و
همسنگی طبقه کارگر، سرمایه‌بسم،
بر ما ساداری و هم‌رزیم‌های ارسا عسی
را خواهد لرزاند. کارگران ارکاز با نه‌ها
سروان خواهد ساخت، کمرهای اررر
با ریح حمیده، خود را راست خواهد زد و
با سبهای گره‌گرفته ما بودی بر ما نه -
داری را بر ما خواهد درد، فوج موج
کارگران ارسوله‌های سارنگ و سمور
خود سروان خواهد آند و سوره‌های روسی
سویا لبم که ما انقلاب بر حسان بسا
خواهد شد، متحد خواهد درد.
صفحه در صفحه ۲

**اول اردیبهشت امسال
هم توسط مزدوران
رژیم جمهوری اسلامی
در خون تپید**


در سالروز اول اردیبهشت، روز
مقاومت با دشمنان و مردم آگاه و
انقلابی، سپه‌مان در برابر نوطه‌سند
انقلابی سطلی دانستگاه‌ها، مداخلات
فرهنگی سار دنگره "سمر" شب و حرکت
کوچک اعراس آسزی را در روزی گرامی
نه‌ها جمع‌های سرگندندل نمود، مزدوران
ارساج و با نفول روری با نه‌های
ررسم جمهوری اسلامی "حوانان سلمان"
به مقاومت و حسان نه‌ها نظا هرات مومعی
گروهی اردادس آوزان و دانسجوسان
خواه‌دار سارمان، به‌سظور سرگردان‌ت اس
رور حد اقل، دور مسو گمونیست را نه‌ید و
دهها سررا رخی و محروح کردند، خون
باک رضای نه‌ید اسج سزای و آدر مهر علیان
صفحه در صفحه ۱۱



رفیق آذ، مهرعلیان / رفیق ایرج نرابی

کارگران جهان متحد شوید!

فجسته باد اول ماه مه روز هشتگی جهانی کارگران!



**خطاب به رفقا،
اعضاء و هواداران
سازمان!**

صفحه ۱۳

کارگران و زحمتکشان!

با شرکت در راهپیمایی روز جمعه
اردیبهشت (اول ماه مه) روز
همسنگی جهانی کارگران راه‌چله
باشکوهتر برگزار کنیم.

مکان: میدان جمهوری
زمان شروع راهپیمایی: جمعه
۱۱ اردیبهشت ساعت ۱۰ صبح

سازمان ییکار در راه آزادی طبقه کارگر
سازمان چهرکهای فدائی خلق ایران

**چهارم
میلیون تومانی
از دسترنج
زحمتکشان**

صفحه ۷

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ سرمقاله

آنها شی که کار میکنند و با کارشان بر ثروت سرمایه داران می افزایند و خود فقیرتر و رنجورتر میشوند، آنها که همه چیز را در جهل و بیباکانه، اما نمایی جز فقر و بیچارگی، کشتار و سرکوب و زندان و کار طاقت فرسای روزانه ندارند، در این روزها زوبان زوی یکدیگر حلقه خواهند کرد، مشتتای خود را رویه سرمایه داران میگیرند و قدرت آنها را طبقاً تیشان را مٹا هده میکنند و آننگاه فریادی سرا سر جهان را در می - نوردند: کارگران جهان متحد شوید! شعارها و فریادها مرزهای ملی را درهم میکنند، بیسرگنونه های رژیم! رسانی که سینه نظا هر کسندگان انقلابی اول ماهه را نشانده رفته است به بیروز میشود و وطنین "زنده باد سوسیالیسم" مرگ بسیر امپریالیسم "چون طوفانی میبرد و جهان برای سرمایه داران تیره و تار میشود.

در این روز مثل همیشه، روی بیونیستها، این خائنین به طبقه کارگران و این عمال بورژوازی که درون جنبش طبقه نفوذ کرده اند، سعی میکنند که جهت مبارزات عدا میریالیستی - ضد ارتجاعی کارگران را منحرف نموده و آنرا به درخواستهای منفی و جزئی محدود سازند. روی بیونیستها سعی میکنند، بورژوازی را از زیر حملات گسترده و نا بود کننده کارگران خارج نموده و نجات بخشد، اما کمونیستهای واقعی در این روز، کارگران را فرامیخوانند تا بر علیه سرمایه داران، متحد و یکپارچه حول شعارهای طبقه تیشان دست به تظا هرات بزنند، تظا هراتی که در بسیاری از رژیم های ارتجاعی بخسبون کشیده خواهد شد.

رفقا و دوستان کارگرا!

اکنون، در آستانه سومین اول ماه مه پس از قیام ۲۵ گروهبان ۵۷، جا سعه ما در وضعیت حساس قرار دارد. رژیم جمهوری اسلامی که با پا بمسال کردن خون هزاران شهید و پس از ماش سنگین نمایندگان (با زرگان، بهشتی، رفسنجانی) با امپریالیسم آمریکا (از طریق مذاکرات با ژنرال هوپسزر آمریکا) با قدرت رسید. از همان آغا ز حکومتش به عنوان نگهبان سرمایه داری وابسته و در جهت حفظ منافع امپریالیستها و سرمایه داران، به سرکوب و وحشیانه انقلاب دمگرا تیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران پرداخته است. کارگران و زحمتکشان ایران که با سرمایه های دلاورانه شان در مبارزه علیه رژیم شاه مزدور، انقلاب ایران را در دریا شی از خون بهترین فرزندان شان به پیش میبردند، اینک پس از نزدیک به ۲۷ ماه حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی، نمایی جز فقر و فلاکت، کشتار و سرکوب، گزاش و بیچارگی نبرده اند و این در حالی است که طبق آمار مطبوعات وابسته به خود رژیم، تنها

تجاوزاً از اردیبهشت ۱۲۰ میلیارد تومان سود برده اند، آری برای حفظ منافع سرمایه داران و امپریالیستها، رژیم جمهوری اسلامی رورسور و بیشتر و بیشتر سرمایه کشیده است. در کردستان و ترکمن صحرا، گیلان و حوزستان و... هر جا که سنا نه ای از انقلاب دیده است به تیرباران و شکنجه و زندان و در یک کلام سسه سرکوب و کشتار رسانه آورده است. اجتماعات کارگری را در سراسر ایران، از کفش ملی گرفته تا صنعت نفت و زمین و حرم مدرسه زحمان گرفته تا جنبش سیکاری و... با سجون کشیده و سساکارگران مبارزان به زندان انداخته و با اخراج کرده است. حبس و مقاومت خلق کرد را که برای خواست سر حق خود یعنی حق تعیین سرنوشت می رزمند، وحشیانه با سساران شهرها، سوران و روستاها، تیرباران حوانان و تظا و زبانه سنان و دختران کرد و محاربه افتما دی و... با سسک گفته است جنبش دهقانی را در سراسر ایران سرکوب کرده و بدفاع از مالکینی که اراضیشان توسط دهقانان مصادره انقلابی شده بود سرحاق است. کشتار و وحشیانه در هیران شورا های دهقانی ترکمن صحرا و سرکوب و وحشیانه زحمتکشان آن دیار، مشتت از خروار جانیات رژیم بوده است. رژیم که به شدت از آگای توده ها میترسد، در طول این دو سال، شمار وسیعی از کمونیستها و دیگر انقلابیون را به حرم عشق به توده ها و تلاش برای آگاه کردن آنها به خو غه های اعدام سیرد دهها نفر در سراسر ایران ترور شدند، هرو سندگان نشریات انقلابی و پیشگامان اعلامیه های سازمانهای انقلابی، به سسته در خطر دستگیری و ترور بوده اند. زندانها اینک پر از زده ها کمونیست و مجاهدات که تنها بجرم افتادن بذرا آگای در میان توده ها در سساجا لهای رژیم شکنجه میشوند و به سسهای طویل المدت محکوم می - گردند. دانشگاه های سسگرا زادی، تحت سسانه به اصطلاح انقلاب فرهنگی سسته شده و در جریان همین توطئه در اول اردیبهشت ۵۹، سسسار ۳۰ تن در دانشگاه های سراسر ایران توسط پاداران سرمایه سسها دت رسیدند. همین چند روز پیش سسره ریبی تظا هرات سازمان دانشجویان و دانش آموزان سسکار که به سسنا سست بزرگداشت سالروز مقاومت انقلابی دانشجویان و توده های آگاه و مقابله ضد انقلاب فرهنگی رژیم بزرگزار شده بود، مزدوران رژیم، سسسان دانشجویان و افراد شرکت کننده در تظا هرات نارنجک برتاب کردند که در نتیجه آن رفقای کمونیست سسکار و گرو ابرج ترا سسوا در مهر علیان به سسها دت رسیدند و دهها نفر زخمی شدند. همچنین در روزهای اخیر در شهرهای قاش شهر، آمل، سا ل و...، تظا هرات مردم و نیروهای انقلابی مورد سسورش پاداران و دیگر مزدوران رژیم قرار گرفت که تعدادی شهید و عده زیادی محروم سسای گذاشت. در طول اسر

دو سال، مطبوعات انقلابی توسط رژیم جمهوری اسلامی توقیف و اجاعات سسروهای انقلابی در سراسر ایران سسجون کشیده شد. شورا های واقعی کارگران تعداداً مورد سسورش ارتجاعی سسسار - گرمنه و سسفا سلا شورا های فکالی و سسار روده - های انحصار اسلامی برای جلوگیری از مبارزات طبقه کارگر و سرکوب آن سسسج شده اند. سسلاوه رژیم جمهوری اسلامی، توده های سسعدیده گسور ما را در گسرجگی ارتجاعی که جز فلاکت و بد سسختی برای توده های هردو کشور ایران و عراق در سسر نداشت، کرده است. جنگ کمونی میان دولتهای سرمایه داری ایران و عراق، سسش از پیش توده - های زحمتکش اس دو کشور را دچار سسیره روزی ساخته است هم اکنون دو میلیون از زحمتکشان مناطق جنگ زده آواره شده زیر فشار سسبسات و سرکوب رژیم قرار دارند. گزاش، سسکاری، سسورم، کمبود مواد غذایی و سسوت و... که خود سساشی از بحران سرمایه داری وابسته است، در جسد ما هه اخیر سسش از پیش افزایش یافته است. بحران اقتصادی گسوی زحمتکشان ما را سسفا رد و کاش قدرت خرید توده ها، اخرج کارگران ار کارخانه - ها از پیش سساعات کار و سسشما سسسیر سسگرده آنها سسگمی میکند. سسسرت سسحان اقتصادی سرمایه داری وابسته و در سسرق سسسره های رژیم وطنی سسلیک ژ-۳ پاداران و ارتش و فقه و جفا قیام داران، رورسور و سسش توده ها سسفا د و سسمرتی محدود میگرد. اجتماعات کارگری، جنبش مقاومت خلق کرد، جنبش انقلابی آوارگان جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان و او گسوی مبارزات زحمتکشان سس سسک، کشیده شدن سسش از پیش توده ها از رژیم، سسسار رات سسرضی توده ها را در اکثر سسفا ط اسران در سسسی آورده است. جنبش در حال اعتلا توده ها رورسره روز با سسگسرتده تری سسبا بدو با او گسگری خویش شکاف میان بالاشها را عمیق تر میکند و آنها را بحان همی اندارد. حرب جمهوری اسلامی و سسسار لها هریک میگو سسند سسگری را سسسب انواع تا سسما مان کمونی طو هدهند. اسن صد انقلابیون که در سرکوب خلق متحد و سسار هسسد اکنون سسسار سسکه کدا سسک سسشترین سسج از قدرت را داشته باشند، سسحان هم سساده و سسی - حوا هده شده ها را "سردان ترقی" خویش سسارند آنها که متحداً کردستان و دانشگاه را بخسبون کشیده و کمونیستها را سسساران کرده اند، هریک با ادعای در سسده قریب توده ها است. سسسرب جمهوری با حسج لهای دروغین عدا میریالیستی بکدوران کوشیدتا با واقع گروگانگیری توده ها را سسرفسید. و در مبارزه سس جناح رفیق، موا سسب کلسدی قدرت را به جنگ آورد. ما را با کاری آنها دیری نپا سسید و گروگانها نه تنها آزاد شدند، بلکه حضرات ۲۱ میلیارد دلار سسسنوان سساج بقیه در صفحه ۱۷

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!

جنبش کارگری



حمایت کارگران جنرال استیل از نمایندگان مشیت محکمی بردهان ارتجاع

در جریان مبارزات کارگران کارخانه جنرال استیل که فصل از عسکرای دریافت حق سولند، عیدی ویاداش، انجام گرفت حکم اخراج چندین از نمایندگان مبارز را که از خواستهای حق کارگران حمایت کرده بودند، به همراه یک کارگر مبارز در یک سوخت "بنداد مستعفا" صادر شد. اما کارگران با پیشانی خود مانع اخراج رفا بنیان مستوفد، ما اسکندر روز ۱۵/۱/۶۰ بنیاد محمدا کارگران مذکور را احضار کرده و به آنها تذکر میدهند که شما بحرم "اخلالگری و رسان درازی اخراج بوده و حق کار کردن ندارید!"

ظهر همین روز کارگران با اطلاع از واقعه بعنوان اعتراض دست از کار کشیدند و در مقابل دهن کارخانه اجتماع میکنند. آنها با صدگان سواد و مدد سرا مل زان در دفتر بگهاند نشدند و اعلام میکنند که ما تا رگت شما صدگان نشان از بنیاد حق خروج نداریم. این اقدام کارگران نشانگر رشد آگاهی آنها و بی بودنشان به ما هیت ضد کارگری رژیم، که قصد دستگیری و زندانی کردن ما صدگان مبارزتان را داشت، میباشد. کارگران ما شعار "شورا را بیدار کرده، مدد سرا مل بنیاد کارگران بنیادند، هشاری و همبستگی خود را به ما بیاورند." با لاجرم مدد سرا مل سلمی حریان را با "سبباً" در میان میکنند. و آنها هم تحت فشار کارگران محسوسه را در کردن کارگران ما رژیم مستوفد ولی به آنها اخطار میکنند که به کارخانه نروند. ولی ما صدگان ما رژیم جمع کارگران در کارخانه مستوفد و حریان را برای کارگران موصح میدهد. و بدین ترتیب کارگران ما نشان دادن گوشه‌ای از اتحادشان، مشیت محکمی بردهان عوامل رژیم مستوفد، لازم به توضیح است که کارگران مدد سرا ما است که ما متکلی صدوقی، حقوق ما صدگان اخراجی شان را می بردارند. و بدین ترتیب نشان میدهند که در راه مبارزاتشان برای بستن ساسی از مفسدای مبارزتان، ما صریح هرگونه فداکاری میباشند.

پیاد کارگران قهرمان "جهان چیت"



اه و جباله حنم فرور * حسن سکوکار * علی کارگر

از توده در جاج روحوت مسی خرد و روزواشی و غیر برولسری جرگی رده بودند. آسان که طبقه کارگر را با دست آمده بدین آکا هی سوسالسی می نمایند جدا آرا آنها و ما عملکردهای مفرد هر چند افلاسی و دلاوری است. سراه خود مستوفد. راه و روسی که سردک به دهال برجی کمو سسی مین ما حاکمیت دانت و هر هینای حریان تا بدین آرا و ارد کرد طبقه کارگران ما را ما بنا شک و رهبری کنند ما محسوسه ما خب. در دهمن سال لگود دلاوری کارگران "جهان چیت" ما گرامی است ما دو ما شهیدان کارگر جهان چیت ما آورس ارد رسیای حش کمو سسی و کارگری و ما مدهای اسوار در راه سگیل و آکا هی طبقه کارگر، و ما حاکمیت رهبری کننده اس حزب طرا روس طبقه کارگر، حزب کمو سسی، در راه انقلاب و سوسالسی سس روس! گرامی ما دعا طره کارگران شهید جهان چیت!

هشتم اردیبهشت سال ۱۳۵۰، جگمه یونسان رژیم مردور شاه مقوف مشرفه کارگران قهرمان کارخانه "جهان چیت" کرج را که در اعتراض به شرایط طاقت فرمای اسما رتبان و برای کسب باریه ای از حقوق عادلانه خود سوسی به بران را هیماشی سکودند، در کاروان سراسنگی (نیمه) های جاده کرج - سهران) به مسلسل بستند و بیکر حونس چند کارگر حشکتی را به خاک و خون کشیدند. دهها کارگر شهید و رومی گردیدند و لسی ارنجاج که ما سر سیره و سرکوب، ما صدگان هیای تسلیم ساسی را کسرل منگودند. ارا نشان و حریان اس جادنه و مستوفد بنیادان سجون حشکتی آن جلوگیری عمل آورد. کارگران حشکتی کارخانه "جهان چیت" که اردت ماسح سرما به در جوج آتام (که سوسط رفقای بنیادی در سال ۵۳ اقدام افلاسی شد) به سنگ آمده بود سراسی حشکتی حتی ارجوست - هابیان دست به اعتراض زدند و به ما ساسی آرا ما بردا حشدا ما ما سرکوب حونس دژ حشمان محمدر ما ما هی مواحه بندند و چند کارگر حشکتی از جمله شهیدان کارگر، علی کارگر، و حشمالک - حنم فرور و حش سکوکار سجون حوش حشمد، کارگران قهرمان جهان چیت در شرایطی دست به مبارزه زده بودند که حشکتی کارگری ار سطح آکا هی با شمس سر خورد و سواد روس حشکتی کمو سسی ساسی سمنگسری سوی کارگران و تلاتی برای بسوندادن آکا هی سوسالسی ما حشکتی خود بخودی کارگران دست به مبارزه جدا

توطئه اخراج کارگران مجتمع صنایع فولاد اهواز!

سوطه های صد کارگر سس گذاشت و رسمه را برای اقدامات بعدی فراهم نمود. ما شروع جنگ، رژیم ارتطبی سسج و اساساداری اعلام کرد که کارگری را که غیبت کند اخراج خواهد کرد و گوشه دار اس طریبی بعدادی ار کارگران را اخراج کند. در اسفند ما دوس اسفرا حمد راده سوسط صاسج فولاد سفته در صفحه ۶

رژیم جمهوری اسلامی از مدتها قبل محمدا شد، مجتمع صنایع فولاد را تعطیل و کارگران آن را اخراج کند، اما هر بار مفاومت و مبارزه محمدا به کارگران، رژیم را بقصد رانده و او را در اجرای سفته سلسش با کامی نمود. رژیم که را اقدامات خود سسجه ای نگرفته بود سرکوب شورا های واقعی و اخراج نمایندگان مبارز کارگران را در دستور فراردا دوبا اجرای آن کامی می در اجرا

تشکیل مجمع کارکنان جنگنده صنعت نفت در شیراز

بدسال سورش و حشبان ارتجاع به زحمتکنان آواره حور ساسی در شیراز، دست اندر کاران رژیم مدخلی جمهوری اسلامی در اس شهر علامه های رنگارنگی سسی سوسنوعت تشکیل اجتماع ما در سسند. علمبر غما سن دستور العملیهای

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



از شروع جنگ تاکنون در کارخانجات چه میگذرد؟

۱- رشته خوراک و داروسازی

کارخانه مسو. گروه صنایع نارس (مسو) در حدود ۱۰۰ کارگر و کارمندان در بولند آن مواد غذایی (نکلات، سوجا، ری، سسکوت، و غیره) آدامس و غیره) تولید می‌کند و آراسی است. کارخانه صاحب کارخانه حاج علی حسرونی هم سرمایه دار سرریک است، که در حرمان ساززه شهر ما با سه کارگر در سر سرد و سوز و گروگانگیری حسرونی هم در سال ۵۸، وی دستگاه کارخانه را به مسو. کارخانه در حال حاضر توسط هیئت مدرسه به سر قری که از طرف وزارت صنایع و معادن تعیین شده است، اداره می‌گردد. نورای کارخانه به علت عملکردهای سازگارانه است در حرمان اعصاب سال ۵۸ توسط کارگران محل شد و اکنون شورای دیگری اس کارخانه تشکیل شده است.

روره‌های اول بعد از جنگ سرمایه داران صاحبان صنایع حسرونی و سایر کارگری یکی از صاحبان محلی، هیئت مدرسه کارخانه که تحت فشار کارگران دستگیر و مردودان حسرونی را اخراج کرده بود توسط وزارت صنایع سرکنار شده و به مدرسه دولتی کارخانه منتقل شد. مدرسان جدید بلافاصله شروع به تهدید کارگران می‌کنند و یکی از آنها در مجمع عمومی می‌گوید: "هرکسی حزب برود او را به طحالی بچوبل مدهم، ما به بولند می‌کنیم شرایط جنگی در کارخانه برقرار است و طبق قوانین جنگ ما شما را می‌کشود." اس مردود سعی می‌کنند اس ارجح کارگران و از مسو. با ردا ست و جو خفمان در کارخانه برقرار می‌کند.

اسن مجمع سرکنگ کند، دیگری گفت "سورابلور انقلاب است و احتیاج نیست که کسی احساسات را تشکیل خورا و سربانی احساسات را دهد. ما آنرا بریا می‌کنیم". قرار بود در اس جلسه هفتی جهت اعزام ما به شهر برای آزادی ما باشد دستگیر شده، اسن عا ب بود ما به سرگناهه ای خطاب به کارگران و رحمنگنان اسران در باره دستگیری ما باشد کارگران حکرده، نوشته شود، اسن علت آنکه تعدادی از کارکنان صورت است، تصمیم گیری در اسن رسنه ها به همه معتمد و کول گردید و کارکنان در حالیکه وجودشان معلوم نیست به بیاداران و شهرهایی می‌ها بود، محل ما نگاه را ترک کرده.

کارکنان حکرده شرکت نعت با تشکیل مجمع خود در مقابل جشن سرگوبگران رژیم، نشان دادند که از آنها هر اس بدل بدارند، آنها می‌کشند از طریق سربانی اسن مجمع و حفظ شورای خود، معوف خود را تشکیل سرمایه داران سازا می‌گیرند اسن ان خواننده های خود را از ظرف رژیم بیرون کشند، آنها نشان دادند که ما اطلاع های ارجحی رژیم و قومی نمی‌دهد و علم بر عمل نشانی روسا به رژیم، مسئول و کبار چه ما را ب خود داده می‌دهند.

ارتجاعی، در روز سه شنبه ۶۰/۱/۲۰، کارکنان جنگ زده صنعت نفت دعوت شورای خود، تصمیم به تشکیل مجمع عمومی می‌گیرند. با بداران و با سایرهای شهرانی با استقرار در مقابل محل مجمع (با نگاه نعت - محل ستاد کارکنان حکرده) و عنوان کردن دستور مسو. احتیاجات از سوی اسنادار، کوشیدند کارگران و کارمندان را که برای شرکت در مجمع آمده بودند، با برگه‌ها سد چون موفق نشدند، دست به توطئه زده و سردرود گفتند که مجمع امروز تشکیل نمی‌شود و بدین ترتیب با فریب عده ای از کارکنان را باغسه با زگرداندند، ما اینهمه ما بندگان خوراسا حضور خود ۱۲۰ نفر از کارکنان جلسرا تشکیل دادند.

نماینده گان به حضور پناه بداران و شهرانی - چها اعتراض کرده و دست به افشگری زدند یکی از آنها گفت "سربانی مجمع حق مسلم ما است از شما کارکنان میخواهیم که همه عهده فعالان در

مبارزات کارکنان صنعت نفت اهواز و عقب نشینی رژیم

ادامه داده و روز دوشنبه ۶۰/۱/۲۲ رژیم را به نسل به هفته کار - دو هفته استراحت وادار کرده. کارکنان ما در صنعت نفت جهت تحقیق خواست دو هفته کار - دو هفته استراحت همچنان به ساززه خود داده می‌دهند. کارکنان ما روزه‌ها در اوقات مسابستی سایر اوقات خود را همگ کرده و در اوقات سایر بکنگ با تشکیل تورا های واقعی، خواسته های خود را بیگری می‌کند.

در پی شدت گرفتن حملات نوبختانه و موشک - اندازهای رژیم ضد خلقی عراق بر شهر اهواز، کارکنان اهواز مرکزی صنعت نفت، با تکیه، ادارات دولتی و آموزش و پرورش اهواز که به اجبار سرکار خود را فرستادند، خواهش‌ها را تعطیلی ادارات در شرایط جنگ گردیده و در اسن رابطه دست به اعتراض و در مواردی اعتصاب زدند. عمال رژیم و حشترده را اسن اعتراضات در مد شهید کارکنان ادارات برآوردند. از جمله "ستاد امنیت شهر اهواز" اطلاعیه ای صادر کرده و کارکنان را متهم به "اخلال نمود" ما کارکنان ادارات بی توجه به تهدیدات رژیم به اعتراضات خود ادامه دادند، بطوریکه کارکنان اداره مرکزی صنعت نفت در روز ۶۰/۱/۱۹ رژیم را به عقب - نشینی واداشه و توانسته طرح چهار هفته کار - یک هفته استراحت را به هفته کار - یک هفته کار - هفت دهند. پس از اسن تضر کارکنان صنعت نفت سرخواست دو هفته کار - دو هفته استراحت پای بردند. و برای بیگری خواست قون مسابستی از میان خود سرگزیدند. علم بر علم لحن پراکسی و سنگ اندازی های روسیونیستهای خاشین اکثریت و شده ای و کوشش روسای صنعت نفت جهت متوقف ساختن این حرکت اعتراضی و به تسلیم کشیدن کارکنان ما در صنعت نفت، کارکنان تمام قسمتهای صنعت نفت با انتخاب نمایندگان خود بطور مستقل ما را اوقات خود را



فان، مسکن، آزادی



توطئه ۳ توطئه...

به جنوب و سازد او از مجتمع، رژیم تصمیم گرفت تا توطئه خود را بطور کامل اجرا کند. بنا بر این با استفاده از تعطیلات عیدویی از آن اعلام نمود که کارخانه را برای باسپلاخ "سرنام ریزی و تهیه طرح برای راه اندازی مجتمع فولاد" تعطیل خواهند نمود. واضح است که کارگران در مسائل اساسی توطئه فدکا رگری ساکت نمی نشیند و به مبارزه بر علیه آن سرخواهند خواست. اما این مبارزه واضح است که همچنان که نهر به دو سال مبارزه کارگران منابع فولاد و همه کارگران نشان داده است، این مبارزه بدون اتحاد و تشکیل کارگران بدون وجود یک رهبری آگاهانه و مبارزه جوانان به نتیجه نخواهد رسید.

کارگران منابع فولاد می بایست برای رسیدن به خواسته های سرحق خود یعنی "خلو گیری از اخراج کارگران تحت هر عنوان" و "پرداخت کامل دستمزد در صورت تعطیل کارخانه به هر بهانه"، به اتحاد و مبارزه و به آگاهی و تشکیل خودمستکی باشند و همچون گذشته رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و عطای آن نداشته باشد کارگران میبایست با تشکیل شورایی مستحکم از آگاهترین و مبارزترین کارگران و با فشرده کردن صفوف خود در پشت سر این شورا، مبارزه خود را برای دستیابی به خواسته های خود به پیش ببرند.

آخرین خیرحالی از آنست که رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی با لاجرم مصوب کرده است که کلبه کارگران فولاد هوا را بصورت باز خرید اجاری اخراج نماید.

رژیم قتل در مورد گشت و صنعت ایران "نسر دست به جنبش اقدامی رده سوده ویس" را "تعطیل موقت" آن، اعلام نموده سوده کارگران سی - با است نا آخر سرمایه داری سوده حساب مراجه کنند.

رژیم، همچنین قصد دارد تا همبسی توطئه فدکا رگری را در سر و کارها را من نسر با اجرا بگذارد و ویس از آنکه جها را به زبرد خب دستمزد کارگران این سر و کارها خودداری نمود، اخرا اعلام کرده است که میخواهد کارگران را با پرداخت سابقه کار و آمان اخراج کند.

خبرهای فوق نشان میدهد که رژیم با است واحدی را در مقابل کارگران در پیش گرفته است و روشن است که این سیاست واحدی است فقط با اتحاد و مبارزه در یک کارخانه بلکه با اتحاد و مبارزه همه کارگران مسوا و با است پاسخ گفت.

کارگران!

سیاست های مکارگری رژیم جمهوری اسلامی را با اتحاد سراسری و طبقاتی خود درهم بکنیم
علیه تعطیل کارخانجات و اخراج کارگران متحده است که مبارزه سراسری رژیم

توطئه اخراج ۸ تن از کارگران مبارز پوپلین و همبستگی کارگران!

هیئت پاکسازی بنام است، این مزدور سخنان خود و قضا نه اعلام میکنند که: "ما شما را ده تا ده تا با کسری میکسیم ویس از آن شما مشغول کار میشود." مدین ترتیب مزدوران رژیم خودداری قرار میکنند که هدفنا از باسپلاخ با کسری چیزی نیست جز اخراج کارگران مبارز و انقلابی برای خفه کردن مبارزات حق طلبانه کارگران، مدین لحاظ صورت مبارزه متحدانه و یکپارچه کارگران بر علیه توطئه اخراج نه تنها در هر کارخانه و هر منطقه مطرح میشود، بلکه این مبارزه ای است که طبقه کارگر مسابست بر علیه توطئه گسترده طبقه سرمایه داری رژیم ما میشکند برای بگا ر کردن کارگران و انتقال هر چه بیشتر فشار بحران اقتصادی بردوشان انجام میگردد، به پیش برد و ای امر ممکن نخواهد شد مگر آنکه کارگران در مشکلات واقعی خود مستحکم شده و سرآگاهی طبقاتیشان را بیفزایند.

با تمام قوا از مبارزات کارگران اخراجی حمایت کنیم!

بدینال سیاست فدکا، گری رژیم مدنی سر اخراج کارگران و سوبزه اخراج کارگران مبارز و انقلابی، روز ۲۲/۱/۶۵ هیئت باسپلاخ پاکسازی به هشت تن از کارگران مبارز کارخانه ایران - پوپلین کیلان (که ۴ نفر از آنها ساندگان شورا بودند) اعلام میکنند که از فردا حق ورود به کارخانه را ندارند. ولی کارگران مسابست اخراجی بی اعتنا به ما و هوشیای این هیئت ضد انقلابی، فردای آن روز به کارخانه میروند. ما بر کارگران بلایا طلبه دست از کار کشیده و به استقبال با ران انقلابیها میروند. ما لانزها و سایر نوکران سرمایه که از این حرکت کارگران و روحیه همبستگی ما بسن آنها به وحشت آمده بودند، از سپاه با داران کمک میخواهند که در نتیجه ۴ ماشین پرا زبا سدا ریه کارخانه سورش برده و یکی از کارگران مبارز اخراجی را دستگیر می نمایند.

فردای آن روز با سداران سرمایه داری و رود کارگران به کارخانه میشوند. تا اینکه آنها را وادار به گوش دادن به سخنرانی آخوند

شبه از صفحه ۴ از شروع...

این مزدوران حمانستان را از خود حوا بر رگی چون حرونا هی، با بکار ما رگردد بدن به سردور او و پیردا حت ۱۱ هزار تومان به آنها مسوا ن سه ماه سکا ری، بسو صوح نشان میدهند، آنها همچنین شورای شرکت خوراک را که مطابق ملسنا سوده منحل کرده و سی را اعتراض و اعتصاب کارکنان اس شرکت ۱۸ نفر از کسان را اخراج میکنند اما مدنی نمیکند که ما رزات کارگران آن آنچنان منت محکمی برده ان اس سردوران سزنده که دولت را محصور و سرکساری مدیران خود و حتی اعلام میکند سلطت ایجاد خلال تحت تعقیب فرا گرفته اند، میکند!

بطور کلی مبارزه کارگران کارخانه مسوده دوره جنگ اینجای است و چیزهای سیری رونه بالا داشته است، و این امر را بگرف در نتیجه نگمن روحه نوسبسی ای که در اتحاد و جنگ در کارگران ایجاد شده بود، و از طرف دیگر با قطع مزا با ارحله حق تولید و ... و دیگر فشارهای سیاسی و اقتصادی روز افزون که بر دوش کارگران سنگینی میکند میباید. همچنین او حکبری حکم قدرت ما - بسن حنا جهای رژیم رنحای بی اعتنای کارگران راست به رژیم جمهوری اسلامی تسریع میکند. همین فشارهای اقتصادی و سیاسی است که زمینه مساعدی را برای پیش کشیدن همان حواسه های قتل از جنگ سرای کارگران فراهم کرده است. حواسه های کارگران میشود در حال حاضر ما مل موارد زیر است:

- ۱- پرداخت ۸۵۰ تومان ما به بالتفاوت مزا ما.
- ۲- پرداخت با دای حق تولید که قطع شده است.
- ۳- ایجاد شورا های واقعی در سطح کارخانه.

هیئت مدیره ارتحای نیز ما سدا رمان خود با سحی در مقابل خواسته های سرحق کارگران ندارد. در رابطه با خواسته های سالانه ۵۹ کارگران قسمت بک و دارو سازی و لوازم آرایش دست نیک را همبسی می در مسو طه کارخانه زده و ما شعار "شورای واقعی تشکیل با بد کرده"، "۸۵۰ تومان پرداخت ما بد کرده" "با پیوستن تعدادی از کارگران قسمتهای دیگر در مقابل دفتر هیئت مدیره اجتماع میکنند. اما بدلیل ضعف رهبری سدا شن بک شورای واقعی کارگری، عدم تشکیل با آگاهی بخشی از کارگران و توطئه و مسابستی های حاشی ا کثرت، و علیرغم اینکه قسمتهای دیگر بسز منشج بوده و آما دگی بسوسن به ما بر کارگران را داشته اند، ما به صف تظا هرکنندگان ملحق شده و این حرکت انقلابی به نتیجه میرسد.

در حال حاضر کارگران مبارز کارخانه مینو مسابست برای بسز در دیگر حواسه ها نشان در اس مرحله دست به تشکیل شورای واقعی کارگری رده و سعی نشانند کارگران مبارز آگاه و مدافع سابع خود را بدون شورا ها میفرستند.

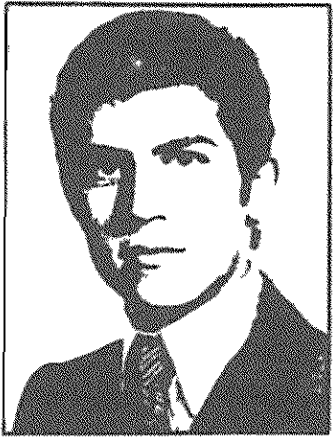
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

چپاول ۴۰۰ میلیون تومانی از دسترنج زحمتکشان!

کارگران و زحمتکشان شهرورستانها با ابداع استثنای دستخیز، با هر سینه‌های خاستن- بر انداز رنگ ارجاعی را بدوش بکشند، بلکه محو بر دستگیری اخلاص و حیا و صلوات جدم- صد میلیونی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی را سرختم بکنند.

سوزاندن سبوی سخنگوی مرتجع دولت "مکتبی" در مصاحبه مطبوعاتی خودناچار رندا اعتراض کنند که در جریان خرید سلطه ۵۶۰ میلیون دلار ایران (سردیکه ۲۰۰ میلیون تومان به ارزش دولتی) در مراسم "سخت" رسماً است! سردمداران رژیم جمهوری اسلامی که در طول بیش از ۲ ماه حاکم ارجاعی و فلاکت نارحی بگزار رسماً اعلام کرده اند که اگر چاقو و چکمه سلطه بخرند و نتوان پس از امانی چپاول و لنگان اردیسترخ زحمتکشان (طبر مروج ارز ۲۰۰۰ میلیونی توسط هاشمی - رفسحانی) اعتراض کرده اند که از "جاهاش" سلطه بخرند، این بار رژیم محو بر نشاندن و قیمتی را که ارجحان نیز زمین نوده های مردم بینان ساخته بود، سبزیزد، البته چون همیشه که تنها به "چیزی را از مردم بینان کرده"! "نبوی حاشی عمداً فراموش کرد تو صبح دهکده ای بیول را چه کسی با لا کشیده اند؟ اگر کام ترکت و کدام کشور قرار

پنجمین سالگرد شهادت کهنونیت دلاور رفیق هادی فرجاد پزشک



بودا سلطه خریداری خود رژیم جمهوری اسلامی که رسوده های آگاه خلق سپهرا دهه های مسائل رایونیده نگاه سداره، رژیم حسن و اس- سود میکند که ما زندگان سلطه که خرا میرا لسنها بیسند، از روی "سردوستی" و "تص صر" سلطه سفروشد، رژیم عمداً اعلام کرده که فرار بودا اس سلطه ها از طریق اسبابا ساه ایران خوبسل گردد، و اصلاً چگنی مستوانداسی حقیقت را فراموش کند که اسبابا ساه ساد سبب سف- سود امیرا لسنم آمریکا بوده و آمریکا در آن کشور با بگا ههای نظامی داسه و از طریق همی کنور سلطه ها و مهملات جنگی خریداری شده توسط رژیم ساه را تحویل میداد، آری رژیم اس- سران ار امیرا لسنم آمریکا سلطه سحر و جرات اعلام آرا سداره، و سپس عوامل رژیم ساه مدستی بوداگران سلطه میلیونها تومان را چپاول مسرود.

کارگران و زحمتکشان!
رژیم جمهوری اسلامی که حواستهای استعاشی شما را بنظر در حواست عدی، ساداش و اما سسه دسمرودیا گلوله و مسلسل و زندان با سح میدهد، با چپاول صدها میلیون تومان اردیسترخ شما، دست به صفا مله های محبیا ساه خرید سلطه مزندو نیها در یک موره ۴۰۰۰ میلیون تومان درهم - دستی با امیرا لسنها توسط مرتجعین با لا کشیده میشود، با اتحا دولتکل اسلامی ح- سود ما رزه بر علیه جسی رژیم را در راه س- سروری انقلاب و گسین زحمتکشان ایستما وجود همه طبقه های ایران تداوم بخشد.
سگ و سفرت رژیم چپا و لگر جمهوری اسلامی!

- * - مولود ۱۳۳۳ در مشهد
- * - دانشجوی دانشکده افتخار دانا سگاه شهران
- * - سرکت در سارزات دانشجوان انقلابی
- * - مارکسیست لسنست
- * - عضویت در بخش سشما را رمان محاهدی خلق در سال ۵۴
- * - فعالیت در ساه سشما رمان و مسئول تشکلاتی آن
- * - شهادت در روز ۱۲ اردیبهشت ۵۵ در درگیری مسلحانه با سراسر مودوران رژیم ساه حلاخ ساداش گرامی و آرمان سرخ سروز!

بیاد سرخ شهیدان خلق

★ بیاد رفیق اسماعیل شریفزاده
روز ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۷، رفیق اسماعیل - شریفزاده، فرزند دلاور خلقی کرد که به مبارزه انقلابی سر علیه رژیم ساه س- سود، در کردستان شهادت رسید. رفیق شریفزاده که همراه گروهی از فرزندان دلاور خلقی کرده ساه را در انقلابی و مسلحانه علیه رژیم ساه س- سود، دست زده بود، دستا بادی ملامطی سارزاسی حاشی دستگرو و تحویل رژیم ساه داده شد و ساه گلوله مودوران امیرا لسنم شهید گردید.
★ یاد ای از رفقای شهید و حیدری،
قراچوللو و گلانتوری
روز ۹ اردیبهشت ۱۳۵۲، مودوران رژیم ساه، به مبارز کمونسست، رفقا محمود و حیدری، س- سود کرد در قراچوللو و محمود کلا ساری از "رزمندگان آزادی طفه کا رگر" را دستگرو کرده و بر سشما س- های و حشیا سگسند، ساه با اعتراض حلاخا واک شهرای معدوم، اس سرزمینی پس از ساداری در روستیکه های ساه واک ساه یک نوطه دز حشمان ساه، در زندان مسموم شده و شهادت رسیدند.

در حکومت بدسند، سلفه پاسبانی سگداره، ایجاد شبات و اسط مدرت سیاسی، سر سشما س- سط سحرانی کمونی، حوا ب و خیالی سس سوا همدود هیچ "قرارداد" و "اطلاعه" و "سپام" و حدنی س میتواند، سر جمعه ملی سروزان اختلافات را گورنما بد.
سحران افتخادی - احتماعی عمیق حاسه او حکمیری ساره ملی وطنی توده ها، روزه و گرایشات سیاسی - طبقه ای مشخص در وقتدورت سیاسی، سمانی عمیق سروزان اختلافات هستند و همین سطق عمیق است که سوسند و فراتر از هر تعادل و حواست دهی نیروهای درگیر، آسان را علیه مودودت درونی خود در برابر انقلاب، به ساری و درگیری میکشاند و سطم دروسی آنها را سبم میسوزد. حجاج های مختلف ساه انقلابی حکومت، در هر دورا درگیری و سحران ح- سود ساگزیرند که در سراسر س- انقلاب، بوسه مسطور حفظ کل نظام سیاسی، گاه به گاه حواستی س- رای سحران درونی خود از طریق فرار دادها و میا ساجی - گری سبردا زسد، و این مقاطع همان لحظاتی هستند که راز درون وحدت طبقه ای همه حشای حکومت را سولاسا سارد، لیکن سطق عمیق ساربه طبقاتی و سیاسی، در پاسبان هراتش سس رفیقان از نفس افتاده را با رده دیگر سار سوزگهای حده سکن کس قدرت سر علیه یکدیگر سوق میدهد.

سقیه ارسنه ۲۲ آشنانه...
امور خارج، که تحت تسلط "حری" ها است متعلق به حاکم، در این سبب سوزارت خارج حمله شدیدی به "حسب خلق"، یکی از موره های اصلی "هیئت خلق کثرتانی طائف، س- سود، در اس- سس میان لیسرا لیا نیز از پای سنشسته و تنها حسم نسلیمانی خود را فروسی بخشیده اند، بطوریکه روزنامه انقلاب اسلامی، مجدداً به صحت تاخت و تاز - های لیسرا لیا سر علیه حجاج "انحصار طلب" تبدیل شده است. سبم سس جلوه ای سها جسم سیاسی و نسلیمانی، اعلام حرم سنی مدر بر علیه رجاتی و نسوی، در موره عقب نشینی حجاج سار دولت در رابطه با گروگانها و به سادادن میلیارد - ها دلار را در امانی های ایران توسط آنها بود. این اعلام حرم اکنون توسط "هیئت س- نقره سسل اختلافات "در دست "حری" میباشد. این اعلام حرم عمل مهمی در اختلافات سردمداران اصلی حکومت، سسنی مدر و حاشی، سبیا سده که اختلافات آنها را به سحرای سحرایی جدید سوق میدهد. سالی تو سشما سشما است که همه سطور که سشما سشما سرفعت و ما در "بیاد سشما سیاسی" شماره ۹۹ سشما سشما طرح کردیم اختلافات دروسی رژیم سروز سروز گسرنی حوا هدیا سست و بر نوه م تمام کسای کسه سگوشند سسودن توجه بر سینه های عمیق و دهنی این سحران و سنا زعات، در سسوی "وحدت" و "برادری"

تظاهرات کمونیستها توسط مزدوران ارتجاع بخون کشیده شد!

عصر دوشنبه ۶۰/۱/۳۱ دانش آموزان و دانشجو - بان هواداران مارسان سنا سنا اعتراض به سینه بودن دانشگاهها و گرامی شدن حاکمان مفاومت اول اردیبهشت ۵۹ دست به تظاهرات موعی زدند. تظاهرات کنندگان که در حدود ۱۰۰۰ نفر بودند از حیا بان آمانول فرانسه در این ساعت ۴/۳۰ دقیقه شروع به راهپیمایی نمودند. شعارهای: "اتحاد مبارزه"، "بیروزی"، "دانشگاهها بس" "شکر آزادی به همت توده ها گشوده با بدگسرد" "اول اردیبهشت لکه ننگ دیگر برداشتن ارتجاع" "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها زنده بساد" بیکار توده ها" و... به حرکت ادا مدها دند در میان راهپیمایان پلاکاردها شای در راه با توطئه ستم دانشگاهها و گشتار اول اردیبهشت ۵۹ نیز به چشم میخورد.

جمعیت بعد از چند دقیقه به جلوی دانشگاه رسید. در همین زمان مزدوران و اوپا سنان جمهوری اسلامی وعده ای از پاداران که به لباس شخصی درآمد بودند، به صفت تظاهرات کنندگان حمله نمودند که با مقاومت آنها روبرو گردیدند. در این میان رژیم جمهوری اسلامی بدست یکی از مزدوران با پرتاب نارنجک قوی به میان جمعیت فاجعه دهشتناکی سبب آورد. در اثر این انفجار حداقل دویز شهید و بیش از پنجاه نفر خمسی و مجروح گردیدند. که بلافاصله توسط جمعیت و سگ کمک مردم به بیمارستان انتقال داده میشوند. جمعیت تظاهرات کننده از این جنایت هولناک به خشم آمده و با مشت های گره گرده فریاد میزدند: "توک بر ارتجاع، توک بر ارتجاع! اوپا ختم بسوی اوپا شان حزب اللهی حمله ور شدند. مزدوران حزب اللهی بعد از انجام جنایت سنگین خرد سرمایه متواری شده و به داخل دانشگاه و چادر "وحدت" رفتند.

بدنبال آن جمعیت با شور انقلابی فراوان و فریاد های کوبنده مجدداً صفوف خود را متشکل کرده و بسوی چهار راه مصدق - انقلاب راهپیمایی نمودند. راهپیمایان که از میزان تلفات و شهادت دور فیهی اطلاع نداشتند، تا چهار راه مصدق راهپیمایی نمودند و شعارهای انقلابی را تکرار میکردند. مردم از راهپیمایی استقبال کرده و با جیره های با زحاکتی از رضایت خاطر از برگزاری این تظاهرات، آتراتاً تشدید کردند. تظاهرات کنندگان بدون آنکه مجدداً در طی راه با مانعی برخورد نمایند، در تقاطع چهار راه مصدق - انقلاب ایستاده و سرود انقلابی "شهیدان" را به نواختن نهادی اول اردیبهشت خواندند و بعد از آن متفرق شده و به افشاکری پرداختند.

بعد از پایان راهپیمایی، پاداران شهرپانی و سایر ارگانهای سرکوب رژیم بلافاصله به محل جنایت رسیدند تا با متفرق کردن مردم جنایت هولناک همیا لگیهای خود را سبوتانند

و از افشاشدن جنایاتی که توسط مزدوران رژیم سوخودآمده بود جلوگیری کنند. اما مردم دست به دست به بحث و گفتگو میبردند و با این جنایت را محکوم میکردند. در مقابل پاداران جهل و سرما به به همراه مزدوران حزب اللهی به صرب و جرح مردم برداشته و هر کسی را که کوچکتر بس اعتراضی مینمودند سگ کمک گرفته و دستگیر مینمودند و میگویند سنا ایجا دوحوا خیسینی ما بع از افشاکری شوند. در همین روزها نفرات عاریس به جرم داشتن کیف و باقیها مظلون!! دستگیر شدند. اوپا شان حزب اللهی با پشتیبانی سنی "پاداران" پاداران به این حملات بسنده کرده با حمله به کتابخانه و شیهای جلوی دانشگاه و با زدن بسیاری از کتب و سرباتی با ردیگر و خشت خود را را آگای سوده هاشان دادند.

غروب دوشنبه: مقابل بیمارستان

بعد از انتقال مجروحین و مصدومین و شهیدان حادثه به بیمارستانهای خمینی، شریعتی و... و روشن شدن میزان زخمیها و شهیدان، حیرت شهادت چند نفر در سطح شهر و بیچید و بند ریج هواداران سی که از خود شهیدان و زخمیهای فراوان با خبر شدند به جلوی بیمارستان خمینی آمدند. پاداران نیز بلافاصله داخل بیمارستان را محاصره کرده و تعداد زیادی از همراهان مجروحین را دستگیر نمودند. وسیله ترمی و فواعت را با ادا حیا رسانند که مسلحانه به اتاق عمل جراحی حمله نمودند. پزشکان و دستیاران که مشغول معالجه مجروحین بودند، به محاصره مسلحانه پاداران اعتراض کردند که در مقابل پاداران چند بسن سفار دستیاران و پزشکهایان را دستگیر نمودند. در جلوی در بیمارستان سیر عده ای از هوادار - ان که گردآمده بودند با شعارهای تطبیع: زحمتگشان بدانید، دانشگاه شهیدان دو... به افشاکری پرداختند.

سه شنبه اول اردیبهشت: جلوی دانشگاه

در این روز نیز مزدوران رژیم وفادار سنان حزب اللهی جلوی دانشگاه را "تفرق" نمودند و همچنان به حمله و ضرب و شتم مردم آگای و نیروهای معترض به جنایت دیروز پرداختند. (در این میان مرتجعین توده ای و اکثریتی نیز مزدوران رژیم را در شنا سانی افراد کمونیست بسیاری میرسانند) دستجات فاشیستی "حزب الله" در گوشه و کنار به تظاهرات هیستریک پرداختند و علیه سازمان ما شعار میدادند. جلوی دانشگاه نیز چند نفر از فعالانها با مطلق بمنظور "جلوگیری از تهاجم نیروهای کمونیست به دانشگاه" گردآمده بودند و مشغول پیگرد و تعقیب و شکسار

اسفلسون بودند. همچنین تعدادی از اوپا شان وفادار سنان به ساط کتا بغرو نیبها و سربات در میدان ولی عصر و بلوار کارگر گساور حمله کرده و پاداران سربا شیرا ساری به حاصبات آسان برداشته و جنس بقرا در ساطع بلوار کارگر - کارگردستگیر نمودند.

جلو بیمارستان خمینی

اصح رود هواداران مارسان و حاصواده زخمیها و عده ای از مردم در آنجا گردآمده و ادا سار سافشاکری برداشته و حاصواتنا رجوی حاصره نهادند. رژیم سبزا سربان مزدوران شهرپانی و گارده محل، ژست "فانوشی" به حدود گرفته و به اصطلاح مراتب اوج سوده!

جمعیت حاضر در جلوی بیمارستان سبب بدون اعصاب و نیروهای مسلح رژیم به افشاکری ادا مدها و وسایعهای کوبنده عوامل سردور رژیم را به عقب شیمی و ادا نشد. حوالی ظهر جمعیت متفرق شده و به بزرگ فاشی رفتند اما در آنجا به بزرگی فاشی مستقل نده بودند تحول بگیرند سنا رفعتی جمعیت با سنان سرما به عوامل حزب اللهی مجدداً حمله نموده و بس از سیران ساری عده ای را دستگیر نمودند. بعد از ظهر نیز که مجدداً جمعیت در جلوی بیمارستان گردآمده با حمله مجدد حزب اللهی ها و سبب گشتند که با پرتاب سگ عمد متفرق کردن جمعیت را داشتند جمعیت با سنا حسین حزب اللهی مفا بله کرده آنها را به عقب راندند و سپس با اسلحه مظارا پاداران کوتاهی به طرف حیا بان آترادی رفتند و در آنجا متفرق شدند و سپس در نقاط مختلف سهره افشاکری پرداختند. آری، مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در سالگرد حماسه مقاومت دانشگاه دست به حاصبات هولناکی زده و سار دیگر ماهیت سنا سفلانی، صد دمکراتیک و هر جماعه خویش را به سنا بش گذاشتند. آنان وحشیده رخصانی که مرکب شده بودند، ما نعام قوا و با کمک زوری نامه های رژیم کوشیدند از یکطرف تظاهرات را "کار عده معدود ۴۰۰ نفری" جلوه دهند و از طرف دیگر مسئولیت پرتاب سار شک را به عهده خود ظاهر کنندگان سیانند. آ! آنها مدعی گشتند که کمونیستها برای مظلوم نما شای دست با سنا گزیده اند! سنگ و نفرت سرد و عیداران رژیم جمهوری اسلامی!

رژیم جمهوری اسلامی از یکطرف کوشید تا چهره خود را در جنایت سنگین روزهای ۳۱ فروردین و اول اردیبهشت پوشیده نگاه دارد و از طرف دیگر با تحریف حقایق توده ها را بفریبند. اما مردم قهرمان مافریب دروغبندانه های رژیم را نفورده و جنایت رژیم را محکوم میکنند. سنگ و نفرت بر رژیم جنایت پیشه جمهوری اسلامی! حادان با دخاله شهیدای کمونیست قهرمان!

اخبار مبارزات توده‌ها



تحصن زحمتکشان شهرک اسلام شهر در جاده ساوه

که برای ساختن سوله‌های به اندازه ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض در آن محوطه‌ها که قبلاً برای کارهای مورد نیاز سازمان مخبرین مسوول می‌شد و به نام محوطه‌های ۱ و ۲ نامیده می‌شد. و در آن زحمتکشان شهرک به تحصن خود در جاده‌ها می‌آمیزد. اما محدودیت در مساحت این محوطه‌ها در حدود ۳۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است. بنابراین از آن جهت که امکان تحصن در آنجا نیست، زحمتکشان شهرک اقدام به خرید زمین در محوطه‌های ۱ و ۲ کردند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

عدم وجود مقرراتی در مورد ساختن سوله‌ها و محوطه‌ها در این شهرک، باعث می‌شود که زحمتکشان شهرک بتوانند در این محوطه‌ها سوله‌ها را بسازند. این سوله‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

شهرک اسلام شهر (را هدی ساس) در جاده ساوه و سرسبز و زیباست. در این شهرک، زحمتکشان شهرک می‌توانند در این محوطه‌ها سوله‌ها را بسازند. این سوله‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

زحمتکشان شهرک اسلام شهر با خرید زمین در محوطه‌های ۱ و ۲ اقدام به ساختن سوله‌ها کردند. این سوله‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

- ها! و آنداسها! جلوگیری کند.
در محوطه‌های ۱ و ۲، زحمتکشان شهرک اقدام به ساختن سوله‌ها کردند. این سوله‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

"حاسمی" حلاله، رئیس سابق دبیران همان شب در پیوسته‌ها در محوطه‌های ۱ و ۲ اقدام به ساختن سوله‌ها کردند. این سوله‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

در شیراز چه می‌گذرد؟

شیرازی‌ها "به جنگزدگان حمله می‌کنند"

گردیده و حدس می‌زنند که در این شهرک، زحمتکشان شهرک می‌توانند در این محوطه‌ها سوله‌ها را بسازند. این سوله‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

در اطراف ساوه، زحمتکشان شهرک می‌توانند در این محوطه‌ها سوله‌ها را بسازند. این سوله‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

زحمتکشان شهرک می‌توانند در این محوطه‌ها سوله‌ها را بسازند. این سوله‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند. این زمین‌ها در حدود ۱۰۰ متر طول و ۱۰ متر عرض است و در آنجا محوطه‌های ۱ و ۲ را می‌توانند بسازند.

به استقبال جنبش او جگیرنده توده‌ها بشتابیم

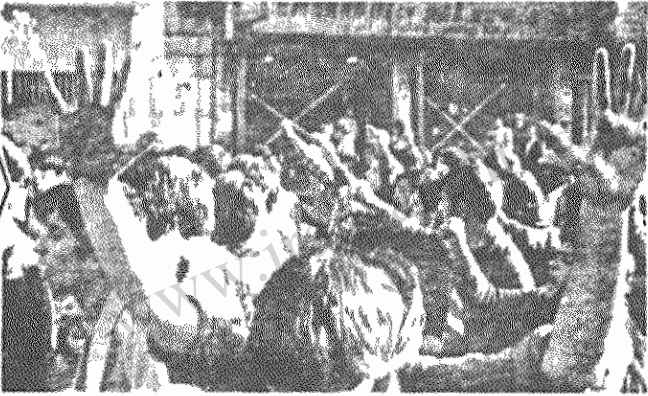
نصفه اول صفحه ۱

اول اردیبهشت امسال هم توسط مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در خون تپید

ساعت ۹ صبح، در دروازه گذشته، حجابهای اطراف دانشگاه، سمارستانها، و ووری نامه های رژیم عرصه ها و بنا را از لشکر خراج و سربازان سرمانه بود. مزدوران ارتجاع تنها به آن کفایت نکرده اند که سارنجی را در میان جمعیت ظاهر کرده اند. سارنجی ها در ۲ کمپوست انقلابی را سر زمین بر سر دوده کشیری را محروم نموده اند. بلکه پس از آن نیز با حمله به سمارستان ها و

ساعت ۹ صبح، مردم آگاه ما با لرزیدن در عین حال به تعطیلی ارتجاعی دانشگاه اس سنگر آگاهی و آزادی را گرامی دانستند، و رژیم جمهوری اسلامی، با سرور و شیطانی دانشگاهی را که خود را "دارالصلح" (۱) می نامند، روز اول اردیبهشت را از سوی و سزگی سرخوردار است که بطور روس و سرخسای صف - سدی انقلاب و مداخلات را سرخوردار و دمکراسی به نمایش میگذارد. طرفداران دمکراسی انقلابی

با سواران جاسوسان را
ایضا یک سارنج موی
رغزای مارا بخون کشیدند
ویک زمین در حالیکه
دستان خویش را بخون
شهبان بیگانه گرا نشسته
کرده حجابت رژیم حاکم
را در سز خلق امضا میکنند
مرگ بر حلالان مرتدان
طبقه کارگر!



سرزمین ریخت و با پیوستن به حوسا رهسای خوشینی که در سال گذشته در همین روزها خون پاک دانشجویان انقلابی و کمونیست، ساراجان، چهره اس روز - اول اردیبهشت - به مرحلی سبشگر است. سگرا حوادث خوشی اول اردیبهشت در اولین سال گشت آن، سرای همسای روز را به عنوان یک روز تاریخی، در دهم سارجات دانشجویان انقلابی و فرا سارجات مسارات دمکراسیک حلفهای همسایان شت خواهد کرد. اما اس روز نشنا روزی سرگ در مسارات دمکراسیک مردم ما نخواهد بود. اس روز همچنین روزی است که با نام کمونیستها این مداخله طیفه کارگر و بیگانه ترین سارران راه را نشی نوده های خلق ارتعنا میرا لیم و ارتعنا بطور کامل پیوسته خواهد است. هسه اصلی و نسوری محرکه حشش مفاومت دانشجویان در روز اول اردیبهشت، در سار سرجوم ارتعنا را کمونیستها تشکیل میدادند. و آنها بودند که تاسستد سده کشوری از سوده های آگاه مردم را در اس روز به اعتراض علیه توطئه و سیاست ارتجاعی هشتت جاگم بکتاسد. و جنبش مقاومت را در اس روز سازمان دهد. حتی سشترسی مرات سوسزه حاسی را در اس روز کمونیستها تحمل کردند. اکنون در اولین سال بزرگداشت این روز و بختنه شدن خون پاک رفقای کمونیست شهید سرزمینی اس پیوسته سار سیش ازین سستحکمتر میازد. ههها نگوته که روز ۱۶ آذر، در تاریخ سسا جنایات رژیم سفور شاه خاش گره خورده است. روز اول اردیبهشت سبش حجابت رژیم جمهوری اسلامی را سرای همیشه در سینه تاریخ و حلفهای زحمتکش ما شت خواهد کرد. روز اول اردیبهشت، همواره با آدرکشته و سعرت تدید رژیم جمهوری اسلامی ارهه مظاهر آگاهی و آزادی اندیشه انقلابی، و فدیست عمیق آن ههه حله های دمکراسی انقلابی حششهای دمکراسیک مردم سارران خوا هسود رژیم جمهوری اسلامی با دست خوشش این روز را به دهن سار سبیره و اس منطق هشتگی ارتعنا در ههه اعمار تاریخ سوده است از اس روز اول اردیبهشت جا بگاه سس و الاشی در مسارات دمکراسیک مردم سارران اجرا خواهد کرد.

دستگیری محروم و گمائی که سار طرح اسال محروم در آنجا گرد آمده بودند، با گسل دسته جاب ساسای و سرورستی حوس، تحت عنوان "حرب الله" برای سرکوب مردم معترض و هوادار - ران سارمان ما در گوشه و کنار شهر و در جلوی سمارستان، با شیطنت و شامائی و دستگیری کمونیستها، انقلابیون و سوزده هواداران سارمان عا در شهر سار سگارتها، و سالاخره سارا با دحوس سرور و حقان در عرمان سوسن شکل خود در جلوی دانشگاه، در روز اول اردیبهشت اس اقدامات را تکمیل کردند. هرگس که روز اول اردیبهشت از جلوی دانشگاه گذشته است، و حرکات فاشیستی و جنون آمیزانه های جهل و سرکوب را که روزی - نامه های رژیم، آن را "مردم" و "وبا" - مردم مسلمان و آگاه "مجاوبه، مینا هه کرده است سس شرد سوسا خود آگاه ساس دسه های فاشیستی "سراهن قهوه ای های" آلمان هبتلری مافند

اریکسو، و طرفداران جهالت و سار سیکو و سرکوب و حقان و سرمد عسان دروغس دمکراسی اسوی دیگر، و بیژگی اول اردیبهشت در اس سوده ما هشت فخر انقلابی و همحس دروسا به پیوسته آزادی خواهی و دمکراسی طرفداران دروغس دمکراسی - سسی لیسرالیا - را سبیره عسان سر ملان سوسا، ارتعنا دحوسا ح حکومت در اس روز سر سبطی دانشگاه، و سشترسی معروف سس مدر که سس اس سرکوب مفاومت دانشجویان، اس روز را روز "سغارا حاکمیت دولت" نامند، در واقع سشتری سوده سوسه اس دمکراسی کا ذرا ار هم در سوسوی سس لیسرالیم سمان سوسده لیسرالیا را در ههها سارا کرده است.

روزی اول اردیبهشت، اس حش روزی است! حادته ۳۱ سرور دس و اول اردیبهشت اسال آسهای سوده چهره کره و رشت سدا انقلاب فرهنگی رژیم سار سس ار گذشته در جلوی حشمان سمان ما حت. ساعرا سدن حش روزی، ارتعنا لکر جهل و سرکوب و سرب خوشی را سارمان داد ساسه "اس سغال" محدد حش روزی سرود و کوحکرسس حرکس را سرای سجد حه طره ارتعنا و مفاومت ساسو - سان و مردم آگاه در سال گذشته، سس سرکوب

(۱) - روزنامه آزادگان ارگان ارتعنا سوسو - آس، در سار سالا روز ۳۱ اردیبهشت خود، دانشگاه را "دارالجهل" (حانه جهل) خطاب کرد!

علاوه بر آن در پی حادثه انفجار نارنجک و بی آمده های آن، دستگا و تسلیمات گویلیزی رژیم بکار افتاد. آنها با هیا هوو حمال گوشیدند تا با تحریک و اضیعات و وارونه کردن حقایق، ماهیت واقعی حادثه ۳۱ فروردین را بیوشانند. اما روزنا مه لیسرا لهای غاشن چه کردند؟ آنها نیز علیرغم همه هیا هوو جارجونجال هسای فرییکا را نه شان پیرا مون "زادی" و "آزادیخواهی" با سکوت فدا نقلایی خویش در سرا برواقمیت حادثه و تحریف آن، مشابه همیا لگیهای "حیی" شان چهره واقعی خود را عریان ساختند. آنها نگفتند کسه نارنجک را چه کسی سیمان جمعیت انداخت. آنها با ندهای ترور و سرکوب را "مردم" اطلاق کردند و با درج اطلاعیه فاشیستی "دادگا ه رسیدگی به جرائم زمان جنگ" بر آن مهرتا شه گذاردند. در واقع از آنها جز این هم انتظار نرسرفت. چرا که در حادثه اول اردیبهشت، لیسرا لهای غاشن به زعامت سنی مدرست در دست جناح دیگسر حکومت، فدا لانه در سرکوب و کشتار و دانشجویان انقلابی نقش ایفا کردند. پس چگونه میتوانند واقعیتی را بیان کنند که خود رسوا گر چهره کریم و فدا نقلایی آنان است!

اما مهمترین جنبه حادثه فوجیع ۳۱ فروردین استفاده از فاشیستی ترین شیوه های سرکوب و کشتار، از جانب رژیم جمهوری اسلامی است. شیوه ای که ستردیج میبرد تا به یک تاکتیک رایج رژیم صدام نقلایی حاکم تبدیل گردد. تشکیل باندهای ترور و سرکوب، واقعا مبه وحشیا نه ترین اشکال کشتار و سرکوب، پدید آمده نوظهوری نیست. در سرا رتا ریخ پرخیانت و نکمیت سرما به داری بسیاری از رژیم های ارتجاعی، در لحظات بحرانی و اوچگیری جنبش، و در شرایط استحمال، در کنار ابزارهای اصلی سرکوب خود، به چنین شیوه های زوروش هاشی دست بازیده اند. در روسیه "باندهای سیاه"، در آلمان هینلری، دسته های "پیرا هسن قهوه ای"، در ایستالیا دسته های "پیرا هن متکی" در آمریکا "گولکس کلانها" در ترکیه، گروههای دست راستی افراطی ناسیونالیست و..... نمونه هاشی از این شیوه فدا نقلایی در سرکوب جنبش های انقلابی است. گردانندگان واقعی همه این باندهای تروریستی، سرما یسه - داران و زمینداران و حکومتهای ارتجاعی آن کشور است. اکنون رژیم جمهوری اسلامی، میبرد تا در کنار ابزارهای اصلی سرکوبش (چون ارتش سیاه، کمیته ها و...) با تکامل دسته های فاشیستی خود، به سازمانهای مخفی یا نیمه مخفی ترور - یستی، این شیوه سرکوب را، به یک پدیده رایج در سیاست خود تبدیل کند. کار این باندهای سیاه فدا نقلایی، چیزی جز ترور و انقلابیون و کمونیستها، دستگیری و شکنجه آنها در مکانهای مخفی و احیاناً سربیه نیست کردن آنها، مقابله با حرکات اعتراض آمیز و فدا نقلاییون از طریق حمله مسلحانه با انواع سلاحها به مجامع و اجتماعات و تظاهرات (از قبیل همین بمب

اندازی به درون جمعیت نظامی هر کتنده)، و ایجاد فضای رعب و وحشت در جامعه منظور به عقب نشاندن بحران انقلابی و سرکوب کردن مردم و انقلابیون، تمیبات، سرخ های تمام ایس دسته های فاشیستی، گداگنون در لباس "مذهب" و "مکتب" ظاهر شده اند، و شعار "حرب فقط حزب الله ره مقطر روح الله" را در سر لوحه اسنا به خود نسرار داده اند. به محافل مختلف حکومتی، سوبزه حرب جمهوری اسلامی و مل میشود. هر چه رژیم حاکم و سوبزه "حزب جمهوری اسلامی"، میسر در سرا نیب انفرادی در مسقطد، این شیوه ها سیر ستر را بیج میگرد. انفجار نارنجک در ۳۱ فروردین در تهران و تکرار همین حادثه شوم در فاشی شهر، در روز اول اردیبهشت که محر به شهادت ۴ نفرار انقلابیون گردید، آخرین مطا هراس شیوه های سرکوب رژیم میباش.

سکوب و سرکوب و حاشیای ناکی دست سآرد. او نه با رای نتسب نامه های حکومت خویش را خواهد داشت و نه تواناشی سرکوب جیش او حکمیتوده ها را. انگذا رما زهم زوره بگشود و حرکات و حشیا نه خود را نشاندند کند. این نشیا تسریع گامهای انقلاب را نوید میدهد.

با این حال سبیدا رشووع و رواج ایس شیوه های فدا نقلایی و سندنده ساست سرکوب و حشیا نه رژیم، سادگی گذشت سبیدا بین حشیا سات و حشیا نه رژیم بطیرا و سسما سوردا سنا قرار داد و برای خشی سمدن آن سبیدا سر مروری اندیشید شیوه های جدید سرکوب و کشتار سبیدا های سبسا جمهوری اسلامی، در کسار رشووع های عمومی، خطری است که همه سبروهای انقلابی، همه مردم آگاه و حشیا ی سسما ن را مور د شهید در ارسده سس. برای مقابله با آن، حرک و فعا لیت دسته جمعی

شده های انقلابی
با قدرت تمام
کسه و سقرت خود
را سب سدر رژیم
حاکم سر جمهوری
انقلابی سسما نش
سکدارید!



همه سبروهای انقلابی و کمونیست از اهمیت ساسی سر خوردار است. خشی کردن این شیوه ها زدرجه اول از طریق افشاگری وسیع پیرا مون ماهیت آنها و ارتساکشان سار رژیم جمهوری اسلامی، و بدین ترتیب تسخ خودهای حول مبارزه با این شیوه ها، سسر ستر سارزه عمومی انقلابی آنها، امکان سبیدا است. ما وظیفه همه انقلابیون - کمونیست، سبروهای انقلابی، همه مردم آگاه و انقلابی میدانیم که ساعشای وسیع این جنایتها و شیوه های هینلری سرکوب و کشتار، چهره رژیم را بیس از پیش رسوا سبیدا و آن را به ستری برای افزاش آگاهی توده ها نسبت به ماهیت کل نظام ساسی حاکم و شیوه انقلابی سارزه سبیدا، تبدیل نما یسد. سسر ستر را بس حشیا عمومی افشای وسیع این حشیا سات، همچنین میتواند، در خشی کردن سوطه های احتمالی رژیم جمهوری در سبالگرد اول ما همه، سوشروا فغ خود سبیدا سبیدا دزمینه های ذهنی مطلوب در سمان مردم نسبت به این حشیا سات و اقدامات صدام نقلایی، سربیه احتمال چنین حوادثی را کمتر نما یسد. هر سبروشی که این وظیفه را بنوعی بیست با سبیدا ارد، جز تزلزلش در سرا برا انقلاب جز بدگیری را سسما نش نمیگذارد.

در کنار این شیوه های وحشیا نه سرکوب غیر رسمی! شیوه های رسمی سرکوب نیز شدت گرفته است. در ستر در زمان سر رژیم فدا نقلایی حاکم مزورانه، فرمان "سخت آزاد" را صادر می کند، به موازات آن حشیا ن سبش از پیش بر فضای جامعه سنگینی میکند، دستگیری و شکنجه شدت میگرد تسقیب و مراقبت، سشکل سسما شکی از جانب پاسداران و کمیته سسما، سکار گرفته می شود، وزندا نها، آرا نقلاییون انشاشته میگرد. و ایضا هم در کنار سرکوب صدام و خلق کرد، و تکرار قتل و عام های دسته جمعی در روسا های کردستان و خراب کردن سربسا ه زحمتکشان سسر شان در تنوا حی خارج از محدوده شهرها، سرکوب هر نوع نارضا یستی و حرکات اعتراض آمیز زحمتکشان، تسشیده حشیا سات تسلیما تی و در روزها مه ها و راه سونلو بزیسون رژیم، همه و همه، سنا ن میده که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، به موازات تسشیده فاشی و سسلاکت نوده ها، سبسا لاکر فتن بحران انقلابی، و غلطیدن در سرا شبا انفراد، هر چه بیشتر به شیوه های عزیمات ترور سرکوب نده تروری سبیدا ورد که سشکل سبیدا سبیدا های سرور، نمونه سرحشیا سات از آن است.



اما سبیدا رژیم صدام انقلابی حاکم، سبیدا آخرین و سبیل سرکوش سیر دست سبیدا زد. این سبیدا کی از قدرت او، بلکه ساشی از ضعف و اسشمال او در سراسر رشدروزا فزون جیش نوده ها و توسعه و گشیش صوف سبروهای انقلابی و کمونیست است. رژیم دیوانه و اروا ز سر وحشت و هراس به درود سوار سسر

خطاب به رفقا، اعضاء و هواداران سازمان!

از رهبری در تظاهرات، امر تقویت رهبری را که برای پیشبرد موفقیت آمیز عمل، ضروری است تا مبنی می‌کند، بنا بر این رفقا باید از همنمودن ها و دستورات رهبری که توسط انتظامات (فقط انتظامات) مطرح میشوند تبعیت نموده، بسا حفظ انضباط، تشکیل و یکپارچگی تظاهرات نظم و انضباط کمونیستی را به نمایش بگذارند. از حرکات فردی پرهیز نموده و به انجام عملیات و یکپارچگی حرکت یاری رسانند.

ب- حفظ روحیه تعرضی، شرط وفاداری به تاکتیک تعرضی سرعلیه رژیم حاکم و شرکت فعال در مبارزه، حفظ روحیه تعرضی در این قبیل اعمال نیز هست. باید برای ادا مأموریت تظاهرات، فداکارانه مقاومت نمود برای انبساط اعتقاد به مضامین انقلابی ایده‌های سازمان در قبال روزا و ماه مه برای نشان دادن درک عمیق از موضع تنها همی در قبال رژیم ارتجاعی حاکم، باید نشان بدهیم که "مبارزه واقعی است" "ما برای این تا زمانی که از جانب رهبری تظاهرات فرمان پراکنده شدن داده نشده است با یکدوش نمودن تظاهرات بصورت متشکل به حرکت خود ادامه دهد.

ج- مقاومت هنگامی که تظاهرات از جانب نیروهای ضد انقلابی، عناصر فاشیست یا سازمان و نوکران بورژوازی نظیر حزب توده و فاشیست اکثریت موردتهاجم قرار میگیرد. مقاومت برای حفظ تشکل تظاهرات ضرورت جدی دارد.

مقاومت و تنها جم علیه نیروهای ضد انقلابی و دستجات فاشیست تحت رهبری و هدایت رهبری تظاهرات بوده و در اینجا نیز تبعیت از رهبری و پرهیز از سرخوردنهای خود بخودی و فردی تجسم انضباط کمونیستی است.

د- پیش از اعلامیه و فروش نشریه تظاهرات، یکپارچگی انقلاب همچنان در حین تظاهرات نیز میبایست توده‌ها را از منابع آگاهی و بیامی انقلابی خود سیراب نماید. تمام مسی تظاهرات میبایست از ورقه‌های افشاگرانه، توضیحی و تبلیغی پوشیده شود.

ه- شیوه اختتام تظاهرات: اینکه چه موقع میبایست تظاهرات خاتمه یابد به عهده

طبقا تی پرولتاریا علیه نظام سرمایه داری اتخاذ نموده و به پیش میبریم. تظاهرات یک نقطه فشرده تبلیغی، تهنیتی و توده‌ای است که در روند عمومی کار سیاسی - تبلیغی و توده‌ای ما قرار دارد و تا بی از ملزومات آنست.

۱- وظایف قبل از تظاهرات (تدارک):

وظایفی که در مرحله تدارک پیش روی رفقا است بدین صورت محور بندی میشود:
الف: تبلیغ سیاسی حول مسئله تظاهرات به میان توده‌ها به اشکال مختلف و وسیع آنان برای شرکت در مراسم روزا و ماه مه برای پیشبرد این وظیفه رفقا میبایست از شیوه‌های مختلفی استفاده کنند:

- تبلیغ شفاهی بصورت بحث، سخنرانی - های کوتاه تبلیغی، اجرای نمایشنامه، وغیره در مناطق کارگری و اجتماعات نشین شهرها، روستاها، قصبات و روستاها، درون کارخانجات و محله عموری و کارگران.

- بخش اعلامیه‌ها و تراکت‌های سازمان که میبایست روزا و ماه مه منتشر شود، نوشتن شعارهای تعیین شده در دیوارها

- تبلیغ با اشکال مختلف در درون سندیکا - ها و اتحادیه‌های کارگری و توضیح مواضع سازمان در قبال روزا و ماه مه و ضرورت شرکت کارگران در تظاهرات.

ب- بودن ارگان مرکزی سازمان (نشریه بیکار) به مناطق فوق الذکر و توضیح مضامین ایده‌های سازمان برای توده‌های وسیع کارگران و زمینگنان که ضرورت این مسئله همواره بطور جدی مطرح است لیکن از موقعیت فعلی که ما استقبال یک روزه‌های میرویم - ما باید استفاده نموده و ضمن تبلیغ مواضع سازمان حول مسائل سیاسی، آرمان کمونیسم را برای توده‌های هر چه وسیعتر کارگران مطرح کنیم.

۲- وظایف حین تظاهرات:

قبل از توضیح این وظایف، ضروریست به نکته مهمی توجه کنیم و آن اینکه عمل ما محکم و حلوه بوده‌های ما است، در تظاهرات میبایست جزء اعمالی که انجام میگرداند ایده‌های کمونیستی ما را محکم نموده و ثابت کند که کمونیستها چگونه ما چه میگویند در عمل وفا دارند. ما باید همچنین در این اعمال، وحدت اراده و عمل را به نمایش بگذاریم. وظایفی که در حین تظاهرات سرعده رفقا قرار دارد شرح زیر است:

الف- تبعیت از رهبری تظاهرات: تبعیت

روزا و ماه مه، فرامیرسد. این روز، روز قدرت نمایی طبقه کارگر در مقابل رژیمهای سرمایه داری در تمام جهان است. روزی است که طبقه کارگر به همراه توده‌های رحمتکش خلق و در بینا پیش آنها، شعارهای انقلابی خود را مطرح نموده و ضرورت نظام سرمایه داری را فریاد میکند.

کارگران سراسر جهان و از جمله طبقه کارگر ایران در این روز تاریخی اساسی ترین در - حواستهای سیاسی خود را مطرح نموده و با برپا نمودن جشن اول ماه مه همبستگی و اتحاد جهانی خویش را در سراسر سرمایه داران، امیربالیستها و رژیمهای ارتجاعی و وابسته به آن به نمایش می گذارند. برپا نمودن جشن اول ماه مه در شرایط امروز میهن ما برای طبقه کارگر بلحاظ کمک به رشد آگاهی طبقه کارگر و همبستگی و اتحاد وی از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است.

ما در مقالات متعددی اهمیت روزا و ماه مه و ضرورت برگزاری مراسم این روز را مورد بحث قرار داده، بر مضمون سیاسی - انقلابی این روز و بر درک طبقاتی از مضمون این روز تکبیه نموده‌ایم. برپا به همین درک از اهمیت و ارزش این روز تاریخی و برپا به ضرورتهای سیاسی - عملی امروز جنبش توده‌های میهنمان و در ارتباط با زمینه‌هایی که جنبش توده‌ای برای گسترش و بسط هر چه بیشتر و پایه انقلاب فراهم نموده است؛ اولاً: معتقدیم که ما بدرنده ترین حرکت ممکن را به لحاظ تاریخی و به لحاظ ضرورت - های عینی و ذهنی این مرحله از رشد جنبش توده‌ای و ضرورت تعمیق و گسترش آن، به انجام برسانیم.

ثانیاً: برای انجام موفقیت آمیز هرگونه حرکت سیاسی، هر ساکتیک عملی... بدون شک بر ما مه، نقشه و مواضع مهمی لازم است که بدون آن، حرکات خود بخودی، گنج و حساب نداشته بسیاری را بدنیال خود خواهد کشید و نمرات نامطلوبی سار خواهد آورد. بسا سراسر سرفنظرا ضرورت - های استولوزیک سیاسی و تاکتیکی مراسم روزا و ماه مه - که در حای دیگری بدان برده ختم و بعداً سرحوا هم برداخت - در دستور زبرد نظر رفقا را به ضرورتهای عملی و ملزومات یک حرکت با نرنا به سازمان یافته و منضبط جلب می کنیم.

رفقا!
در سربانی با شکوه اول ماه مه در تشکل تظاهرات خیابانی سه دسته وظیفه پیش روی ما قرار داده که عدم توجه به هر کدام او با احسرای ناقص هر یک از آنها به تمامیت و موفقیت همه جامعه حرکت توده‌ای ما منتهی خواهد شد و از دست دادن تاثیرات آن خواهد گدست. قبل از توضیح این وظایف تذکر یک نکته ضروری است: تظاهرات از لحاظ مضمون تبلیغی و سربوچ وجه از لحاظ مضمون تاکتیکی ای که در خود دارد، نقطه ای جدا از حرکت تاکتیکی ما بوده بلکه حزبی است ارکلی حرکت و تاکتیک عمومی ای که ما در مبارزه

«ب» - سازمان کارگران به سرعت ترین جلادان تزاری نشان دادند که مبارزه شان واقعی است (لنین - تظاهرات اول ماه مه پرولتاریا سیاسی انقلابی)



رهبری نظرات است بدین لحاظ مادام که از جانب رهبری مصممی در باره پراکنده شدن نظرات هرکندگان اتحاد شده است، مابین منفرق شد، هنگامی که خصم نظرات اسلام میشود باید بطور متشکل و منظم پراکنده شده، بصورت دستجات افتخاری و تحت درمسان توده های شرکت کننده در نظرات و نماز گران، نظرات را بایان داد، در این حالت باید در میان توده ها به توضیح مواضع سازمان، مضمون اول مباحث و افتخاری هیات حاکمه پرداخت.

و - هنگام پراکنده شدن باید به کمک افرادی که موردتهاجم سازمان در روز و دیگر نهاد انقلابیون قرار گرفته اند نسبتاً متدوآن را بحالت داد.

ر - برهیزا بر سر خورد فردی و غیر مسئولانه به نارسائی ها، طبیعی است که اجرای مراسم دارای کاستی ها و نارسائی ها خواهد بود و این به مجموعه امکانات ما، تصفیاتی که ارتجاع برایمان فراهم میکند، بروریک سری مسائل پیش بینی شده و... مربوط میشود. ضرورت برخورد فعال، سه صدر انقلابی و مناسب کمونیستی ایجاد میکنند که در تحت تا تیر این اشکالات قرار نگرفته و با حفظ اصنای و تنظیم کمونیستی از دستور رهبری نظرات تعینت نموده و از برخورد سهفلاسه به مسائل ویا حرکات خود سرانه پرهیز نمایند. طبعاً طرح اشتقادات و طبقه هر فرد انقلابی و نایستد یک برخورد اصولی است، اما ما امکان طرح این اشتقادات را بدستی شخصی داده و در جهت حفظ انسجام و یکپارچگی نظرات گوش نمود، رهفا موفقتند سرازختتام نظرات اشتقادات و نظرات خود را مطرح کنند.

۳- بعد از نظرات:

درستور پیش گفتیم که نظرات فقط مرحله ای از حرکت تسلیمی و توده ای است و سایر این امری نیست که ما بایان یا نفس آن کارمان را بایان یافته نطقی کنیم اما سه انقلابی این حرکت مستلزم حمصدی، تحکیم دستاوردها و دفاع فعال از آن، تبلیغ وسیع

بوده ای حول نقاط مثبت آن، کار سنگیانی... و طایفه هستند که موفقیت کامل نظرات در گرو انجام آنهاست.

الف - حمصدی: درک عمیق از مفهوم کار سیاسی توده ای و تبدیل هر فرد به سکوی برسی برای قدم بعدی یعنی حمصدی همه جا سه از یک حرکت نقیبت و تعمیق نقاط مثبت آن و مبارزه با صفت ها و اجراءات آن، بدین لحاظ ضروری است که رهفا بعد از نظرات در رسمه حمصدی به وظایف بر عمل مباد:

- جمع بندی از نظرات انجام شده، تمیسی دقیق نقاط صفت و قوت آن (چه در مرحله تدارک و چه حین نظرات اربشه های علل سرور و طهور ضعف ها جهت سر خورد اشتقادی و مبارزه بدشو - لوزیک علیه آنها و تصحیح و تبدیل آنان سه نقاط قوت برای قدمهای بعدی حرکت.

- حمصدی از دستاوردها، اشکالات آن در میان توده ها، قضاوت توده ای سازمان اثر - گذاری بر توده ها وسیع گمیری سالی - تنگیلانی از آن.

ب - تحکیم تسلیم سیاسی: درستور پیش گفتیم که تحکیم و دفاع انقلابی از دستاوردهای نظرات یکی از وظایف ما است، این امر به سر نمیشود مگر با تبلیغ سیاسی سمدار نظرات به حول این دستاوردها و مواضع انقلابی سازمان تا بزرایی باشد تسلیم سیاسی حول این مسئله را سازمان داده، سوبزه در سیری که نظرات انجام گرفته است مواضع سازمان را وسیع به میان توده ها بسرم.

همچنین تهیه گزارش از اشکالات نظرات و مواضع سازمان در میان توده کارگران و رحمتگان، گزارش از وضع تبلیغ و نکات سر - حمصدی که مسوا سمد در حاطه ها باقی مباد، ... و ارسال آنها برای سازمان، و طبقه دیگری است که سر عهد رهفا قرار میگردد. در همین رابطه رهفا با دگوشش کنند که نظرات توده های کارگر و رحمتگانی را که در معرض این کار بوده ای قرار گرفته اند بطور کمی گرفته و برای سازمان ارسال کنند.

به امید سرور

یکسال ...

غیبه از صفحه ۲۵
دا سگا دا هوا رنیز موردها جم او با نان سه سرگردگی حنی حاکم شرع و عموصلی "شورای نگهبان" قرار گرفت، رفیق ما توانست جسان سالم بدرسرد، اما روز بعد مردوران جمهوری اسلامی که رفیق احمد را امیلا موردشتنا شمس قرار داده بودند، او را در یکی از خیابانهای اهواز دستگیر و پس از چند روز شکنجه های جسمی و روحی با حکم حنی مرتجع در روز جمعه ۱۲ اردیبهشت ۶۰، همراه رفیق کمونیست مسعود - داسالی، شیرازان کرده، رفیق بیکارگرما، بادلسی آکنده از کینه طبقاتی نسبت به ارتجاع و کلبه دشمنان طبعه کارگر، کوه دلانه به دفاع از عقاید کمونیستی خود برخاست و وفاداریش را به ما رکسبم - لنینیسم، انقلاب و سوسیالیسم اثبات نمود. رفیق احدما شناخت دقیق از نوظئه ارتجاع در نامه خویمی که از رفیق شما مانده است، سه خانواده اش می نویسند که "مرا بجرم اعتقاد استم محاکمه میکنند و چه بر عظمت است از اعضا ذات خود دفاع کردن و به مسافع مردم حیات نکردن آری! کمونیست ها در لحظه های آزمایش سربلند و پرافتخار با زهم فریاد میکنند: زنده باد کمونیسم! آنها به کمونیسم عشق میورزند چرا که راههای مبارزات رهائی سخن رحمتگان است عشق آنها به رحمتگان سه در حرف و فریادهای سی سخوی، بلکه در میدان سرخ مبارزه سنجیده شده و پیروز مند و سربلند همچنان ایستاده اند! رفیق بیکارگرما احد در همان نامه سه خواهرش می نویسد:

"... ایسان برای خودش زندگی نمیکنند، مهم این است که زندگی با مرکز چه نقضی در زندگی دیگران دارد.

..... فقط عشق و کینه طبقاتی را تبلیغ کنی!....."

کمونیست ها در لحظه ای که ما مرگ بکتسدم سیش ما صلح میدارند، عشق و کینه طبقاتی را فراموش نمیکند و رفیق فهیمان ما احد مو، ذن بیکارگری که کمونیست ها شی چون کارگر سیر فهیمان رفیق مالک عباسی از اونا شیر فراوان گرفته و به بیکار در راه سرخ انقلاب و سوسیالیسم پیوستند، چنین کمونیستی بود، نامش را در هر ساره سادما و رسم و راهش را می بولیم!

را میکنند اما فعلا نصف خوشبهای مرد که سیرا خوشبهای مگر است سه و پیرداخت شود ناقابل یک ایسان محسوب تودونه یک سیمسه ایسان، در حین صورتی است که ولی رن مقبول مستواند نصا ص کند.

پاسخ این "چرا"ها را سجد درختان و مشروخی ما رکسبم - لنینیسم را شه کرده است و مسادر اشعا چکنده ای اراس پاسخ را که در کتایهای متعددی از سرگان ما رکسبم - لنینیسم آمده است، مبادورم.

ادامه دارد.

آشکاره مقام والای رن صفا منحصر به اس دو ماده ویا کل لایحه نمیشود بلکه بسپا همه جلوه کوچکی است از تلتلی اسلام نسبت به زن. اما چرا اسطور است؟ چرا رن درخواستی برده داری، فتودالی و حتی سوزوئی از حقوق کمتری نسبت به مرد سر خوردار است؟ و چرا رن نمنا سه یک موجود در چه دو مباحث مباد؟

"مرد مسلمان می عمدا زن مسلمان را میکنند اما تصدیه مرد سه قابل برداخت تودنا و لیلی مقبول (زن) حق خاص داشته باشد. یعنی اسکه "دمه" (خوشبهای) زن سراسر است با نصف خون - سهای مرد، سرازین ساری با نصف مرد است. سراسر "وقتی مرد مسلمان عمدا رن مسلمان

زن ...

اما "هرگاه زن مسلمانی عمدا مرد مسلمان را به قتل رساند فقط محکوم به قصاص است و ساید حیری سه اولیا دم بپردازد" سه این معنی که در اشعا یک سمه ایسان (زن) بگ ایسان کاسل (مرد) را کشته است "و محکوم به قصاص است" (ماز جای شکرش باقی است که سمه ایسان قابل (رن) مجبور نیست بجرایش (که جان یک سمه ایسان است) خوشبهای یک سمه ایسان دیگر را سه "ولی دم" صاحب خون - بپردازد. (از منس لایحه) از این سهر و آشکارا سوسودرن را نحییر کرد و یک موجود نیست، یک سیمه ایسان و یک اسکل حساب آورد، البسه اس محدودیت، این سوهین

هیئت بررسی "شایعه شکنجه" پس از ۳۰ روز بررسی شایعه شکنجه را تکذیب کرد !!

شکنجه از دید جمهوری اسلامی؟!!

امروز - زندانیان و حکام جمهوری اسلامی :

دیروز - دژخیمان محمد رضا شاه :

■ خلخال: "اگر مقصود (از شکنجه) تعزیر و حد شرعی است ما آنرا قبول داریم."

انقلاب اسلامی ۸ آذر ۵۹
■ ری شهری "حاکم شرع دادگاه انقلاب ارتش: "اسلام بر هر گناهی یک تعزیر و تنبیه قرار داده است که مقدارش بنظر حاکم شرع است. اگر مقصود این است که ما متکبران نیستیم و سربها آنرا قبول داریم."

انقلاب اسلامی ۳ آذر ۵۹
■ نماینده دادستان عمومی تهران در هیئت بررسی شایعه شکنجه: ".... کلیه موارد، تعزیر و تنبیه و یا حکم شرعی بود. . . . جمهوری اسلامی ۳۰ مردردین ۶۰
■ سرحدی زاده از اعضای شورای سرپرستی زندانها: "گاهی ممکن است بر حکم حاکم شرع تعزیر کنند." انقلاب اسلامی ۸ آذر ۵۹

شکنجه دیدگاه مادران در آرداه ۱۴۰۱

مادر آلود پوشها از شکنجه فرزندش صحبت میکند

اطلاعات

مات انهدام

۶۰/۱/۲۰

انام در دیدار
با چند تن از
مسئولان
دادگاههای
انقلاب اسلامی

شما گرفتار جمعیتی هستید که خودشان را داعی می کنند تا گرفتار شما بگردند

کسانی شکنجه میشوند، خائنانه سکوت کردند. آنها بیشتر از شکنجه ما چاقبازان مواد مخدر دم سردند و گاهی سوزنهای سوزنهای ما را فرودمان بدین، از شکنجه زندانیان ما هستند محبت میکردند. اما ما می از کموست ها که شاعران، محبت - تریب شکنجه ها را تحمل می - کردند، در میان نبودن می - شواست هم باشد، لیسر الهاد شیمان اصلی و آشتی نایذ بر خود را میباشند. منظور آنها نه طرح شکنجه کموسیتها و اسفاسون، بلکه باری ساسی و سوء استفاده از ارباب "سوزه" تسلیم نسی برای کسب قدرت بیشتر در حاکمیت و دام زدن بیشتره نو هم نموده ها بست به خود بود. و دستم که این خائسان لیسرال چگونه بی از دها لست است الله حمسی در مورد احاطات دوحاح، در استورود سز "حقان گرفتند" و دیگر مدیسات که محسی ارتکنجه در نیلسفات آنها نیست چرا که تعاونی سان آنها و "حزی" - ها در سکوب انقلاب و سروز - های کموسیت و انقلابی آنها

و خودندارد و فقط در مورد شیوه های سرکوت است که ما نکند گرا خلات سلسله حزبی ادا رسد. هفت بررسی سکنجه اعلام کرده که فقط ار رندا بهای سپران دهن کرده اما "جمهوری اسلامی" تا سردرشت در صحنه اول شماره روز ۶۰/۱/۲۰ میبوسد: توسط هشت بررسی، تا سعه شکنجه در رندا نهایی کنورنگذشت "متصل معروسی است که دروغ هر قدر سرگ باشد، با ور کردنش آسانتر است. البته مسئله ای که از پیش روشن است چرا در مورد هشت فوق الذکر زحمت سفره شهرت باها را بخود دهد؟ در نتیجه که تا سزی خواهد داشت!

سارسی خاش میگوید: "با توجه به اصل ۳۸ قانون اساسی در مورد شکنجه سربها سکنجه هرگونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است، میتوان گفت که حتی یک مورد هم شکنجه در زندانهای ما دیده نشده و فقط تعداد معدودی ایذا و آزارها که حتمه شخصی داشت دیده شده."

خود اسن خاش ما واگی میدانده و مسود شکنجه در زندانها، آسفر روشن است که نمیتوان انکارش کرد لذا برایش "کلاه شرعی" پیدا میکنند و پنجه در صفحه ۲۳

هفت یک مرتب و سربگ جدید سست و نتیجه "بررسی" های آرا ار همان آغا زمین سسی کردم (سکا ۸۶ اول دی ماه ۵۹) و امروز صحت گفته های ما یک بار دیگر تائید میشود. قرار بود که عمای هیئت به "حرب و گروه و دستهای خاص" و اسبها شد اما محمد سنط سری ار موسس "حرب جمهوری اسلامی" سموان سمانده حمسی و سارنی همکار ما واک (سکا ر شماره ۲۷) و ازوا سکنگان حرب جمهوری اسلامی سمانده "قوه مقننه" در این هفت بود و همس مسئله خود سنا بگردیدگاه آیت الله حمسی در مورد "عدم وانسگی" و "سطرفی" و "حسی طن" و سمانده. تشکیل این هفت که بد سسال سرو سسندای لیسرالها و اعلام وجود "رندان" و شکنجه در رندا بهای از طرف سسی صدر انقلاب اسلامی ۲۹ آبان ۵۹ و در جها رجوب جنگ قدر در سالا و سسرای مرتب نموده ها صورت گرفت توسط سنا حنه نده ای بود و ار همان آغا سربلاند، لیسرالهای خاشی برای گرفتن ایشاراب سسنترد قدرت ساسی و سوء استفاده و مسخر با ختن احسانا بوده ها شروع سباله نویسی و سحرانی در مورد شکنجه در رندا بها کردند. سسپی در استورود که حسه

سنا از ۲ سال است که کموسیتها و انقلابیون ایران در سرب شکنجه های جمهوری اسلامی فریاد مداوم سرداده اند. سوسه های شکنجه رندان و سربدان، دسهران و سبران کموسیت و انقلابی آسفر رندا بوده و هشت که سنا وجود شکنجه را در رندا بهای جمهوری اسلامی سسرمسکن سبازد. اما سرای سردمداران رژیم کوسوسی، هیچ کاری مشکل سست حسی اگر اینکار کسستن دروغهای شاحدار سمانده.

تا اخره هشت بررسی "شایعه شکنجه" پس از ۱۳۰ روز اعلام کرد که در رندا بها شکنجه وجود ندارد (۱) برای کموسیتها و انقلابیون از اولین روز تشکیل اسن "هشت" مثل روز روشن بود که این هیئت وجود شکنجه را در رندا بها نکند سنا خواهد کرد. ار همان روز که اعلامند:

"ما مد سوز دادند که هسنی سرای رسدگی به وضع رندا بها تشکیل شود، اما م سزمودند افراد هشت به سسوجه سنا سده حزب و گروه و دستهای خاص و اسبها شد و دو فاسخ را بدون هیچ اعناسی سابد سبان دارد."

(انقلاب اسلامی ۱۹ آذر ۵۹ - تاکید از سناست) ما سنادای رسا اعلام کردیم که تشکیل اسن

آوارگان: مصادره انقلابی آپارتمانهای خالی رژیم ضد خلقی: سرکوب هر چه شدیدتر

شیراز - روز سه شنبه و چهارشنبه ۱۲۵۱
فروردین، حیسان فلسطین، به راه فلسطینی
(با فضاها سابق) نا هدرگیری ورد و در سبب
آوارگان بی مسکن خورستانی از یک طرف، از
شبه‌راهی سرکوب رژیم متشکل از باسداران و
امراء شهرستانی از طرف دیگر بود. جریان آزایی
تقارار است که روز سه شنبه ۱۲/۱۱/۶۰ عده‌ای از جنگنان
خورستانی که در اثر جنگ ارتجاعی، خانه‌ها و
کاشانه خود را از دست داده‌اند، برای پیدا کردن
سربینه‌ها، اقدام به مصادره آپارتمانهای خالی
که قبلاً خواجگان و سیرستان داشتگان بوده‌اند،
می‌نمایند. طبق معمول طولی نمی‌کشند و
کله‌با سداران و ما مورین شهرستانی جدا می‌شوند
ایس حامیان سرما به درآند سعی میکنند تا با
فریب و وسوسه و گفتمانی اینکه "بهرت است، آوارگان"
های فاشونی وارد شوند و با "آب، خوراک، مسکن"
فقط در اختیار رسانند و همان است و ".... مسکن"
از این اقدام انقلابی آوارگان گرفته بودند.
جنگنان آواره که به سربینه‌های آنها بی‌بهره
و دیگر فریب دغلیک ریهای آنها را می‌دیدند، در
پاسخ آنها شعار میدادند: "یا سدار، یا سدار، یا سدار"
سرما سدار، "مرگ سرزمینکار رود جنگار".

آن روز جنگنان موفق به تعلق با اجتماع
نمی‌شوند و تصمیم میگیرند فردا دریا، در شهر
خواجگان جمع شوند. روز ۱۲/۱۱/۶۰ آوارگان سرما
عده‌ای از مردم جمع شده برای اعضای مسکنهای
رژیم خائن، وسط حیسان نشسته و مباح حرکت
انوسیلها می‌شوند. با سداران سرما که در صبح
را چنین می‌بینند شروع به شیار سدار و بی‌ربان
گازاتک آرومی نمایند. جنگنان آوارگان در
میان گازاتک آروم و تلیک گلوله فریاد می‌زدند:
"مسکن، مسکن، حق مسلم ما است." "حواب حریف
مردم گلوله و جاق است" و...

چون آن روز مصادف با سالروز تأسیس
جمهوری اسلامی - جمهوری سرکوب و خفقان و
جمهوری فقر و فلاکت بود، امام جمعه مرتجع شیراز
خطاب به عده‌ای که در راه هییمانی شرکت کرده
بودند میگوید که "کمونیستها در حال انحصار
آپارتمانها هستند، به ساری سداران با سدار
بشتا سید". "آلایزها بی اردیافت این دستور
با چوب و چماق و سنگ به محل مزبور شاصه و هر
که را می‌باید مورد ضرب و شتم قرار میدهند. سار
انتر حمله مزدوران رژیم تعدادی از مردم که به
حمایت از جنگزدگان سرحا شده بودند به همراه

اخبار جنگ

عده‌ای از جنگ زدگان، محروم و تعدادی نیز
دستگیر میشوند، و با لاجرم رژیم موفق به عقب
را شدن رنجنگنان و سرکوب آنان میگردد. اما
آنچه که مسلم است این است که با این آخوس حرکت
تعرفی رنجنگنان مبارز رژیم در سرحا ارتجاعی
جمهوری اسلامی نخواهد بود. و آنان هم همان
به مبارزه خود برای ما، مسکن و آزادی ادا شده
خواهند داد. دورست رورینگکار رگساران و
رنجنگنان حوزستانی به همراه کارگساران و
رنجنگنان سراسری سراط نسکن رژیم
جمهوری اسلامی را در هم می‌پسختند و سدا به همه ظلم
و ستم و در سدری حانند دهد.



حزب "توده" دشمن طبقاتی زحمتکشان و آوارگان جنگ ارتجاعی

روزی نامه "سردم" مفتحای از صحنات
نتگن خود را در ما رسج A فروردین اختصاص
به درجس آوارگان داده است. این مزدوران
سوسال امیرالسمروس و آستان سوسالان
سرما سداران حاکم... اسار نیز با نه
گزارش اروع آوارگان و فلم برائی رسورد
"کمکهای فراوان دولت؟" آند جنگزدگان، کسه و
شیر خود را به آوارگان مبارز ارتکب سرف، و
جا بلوسی و سرگرمی خود سبب به رژیم را از
طرف دیگر به معنی سمان گدا شده‌اند. حریفکار
مردم فروش اس حرب و سحا به سوسبند:

"عسکر کمکیهای فراوان دولت وارگانهای
انقلابی... فدا انقلاب ما زمانه بدهی و سوسی
میگوشد از این کمبودها و از نیروی عظیم جنگ -
زدگان علیه سفلاب استفاده کند." اسگدها سدا
دولت کمکیهای فراوانی کرده است با سده،
و آنها سدا سجان با سخی می‌دهند که خود حریفکار
مزدور سسوا سدا سها را مسکن نکنند. در صفحه ۴
این شماره (شماره ۴۷۳) از مولک سگا و سروس
آناداسی جس میخوانیم "لفظ گویندای حیره
- سدی را به ما میدهند و دیگر هر چه را سیم خود ما
خریده ایم و دولت کمکی نکرده است. اگر کمکی
میگردد که حالا س سگا رسر و ستم، کنگ حلی
کم است. به ۱۱ نفر، آنها تنها س سندا داده‌اند. ما
اسی س سورا حکا رکنیم؟" و اما مسئله صد
انقلاب، احتراسا روزی ما به "مردم" دروا نسج
سما سی آوارگان ما شهر، سراز، امهسان
(ملک شهر) و سرحه و حلامه هر کجا گدا و آراهی برای
گرفتن حق مسلم خود است به امرا سزده است را
"مدا سفلاب" خطاب میکند. آری این سکه سفلام
سرما سداران حاکم است و حزب توده هم که سوسگر
و غلام طبقه بگوش امیرالسنهای روسی است،
"طبقه‌ای" جز سکارا لحن پراکنی های سرب
جمهوری ندارد. ۱۰۰۰۰ سوسکاران سرما به هیچ
اسطاری حزمات اسرما سداران سسوان
و سدا سدا.

توطئه رژیم از ساختن شهرک با استفاده از نیروی کار جنگزدگان

جدی بش سر مسلم معاون و رارت کشور و
مشول امور جنگزدگان طی سفری به حوزستان
در اوار صس گفتگوشی با حریفکاری بار با عظام
سکنده که تا استفاده رسروی خود جنگزدگان
برای نامس مسکن و مسکن آما ده کشور و
معالج درآ سده سربک در را سطا با حتمان
شهرکها افهام خواهند. "شهره کسسا مطهسان
ما زمان ما، "سدا آواره" سده از این سوطسه
رژیم علیه آوارگان رنجنگان رسبندارد:
"حیک جدید رژیم ضد حلی و سرما سداران
امحا شهرک با اسعداده رسروی کار رنجنگدان
است. رژیم سدا سسله سوطسدا سحاب شده
سر علیه کارگران و رنجنگنان دنمال میکند،
سعی سعوا سدا رسروی کار رازان جنگزدگان
بهره کشی وحشا س سکنه، در حال سنی گه سکار و
کراس سدا سکنه و در حال سنی گه آوارگان
برای مسکن دست به مصادره انقلابی آپارتمانهای

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده‌های ایران و عراق

تظاهرات خیابانی، قانونمند یها و درکهای انحرافی نسبت به آن

تظاهرات خیابانی، بعنوان شکلی از مبارزه طبقاتی و بعنوان یک تاکتیک مهم نقش برجسته‌ای در جنبش توده‌ها ایفا میکنند. از بنبر و شناخت قانونمندیها و انحرافات روبزینویی و آثار و شیئی در سرخوردن برای پرولتاریای آگاه ما حائز اهمیت بسیار است.

همانطور که میدانیم تظاهرات شکلی از مبارزه طبقاتی است و از بنبر و حزبی از تاکتیک محسوب میشود. چرا که "سروکار تاکتیک با اشکال مبارزه و اشکال تشکیلات پرولتاریا و تفیسرو هم‌آهنگی آنهاست." (استالین راجع به اصول لنینیسم) اما تظاهرات شکل خاصی از مبارزه طبقاتی است. شکلی تعرضی و بمناب یکی از اشکال عالی مبارزه طبقاتی که خاص دوران اعتلا است. تظاهرات خیابانی از یکسوقنقش تبلیغی ایفا میکنند و بقول رفیق استالین: "اهمیت تظاهرات خیابانی در این است که این تظاهرات بطور وسیع توده‌های مردم را بسوی جنبش جلب میکنند و آنها را فوراً با خواستهای ما آشنا می‌سازد و وسیع مساعی فراهم می‌آورد که در آن ما بتوانیم مسورا نه تخم بدهیم. های سوبالیستی و آرادای سیاسی را بکار می‌بندیم. تظاهرات خیابانی سبب آزیستایون خیابانی میگردد." (استالین حزب سوبال دموکرات روس و وظایف آن) (آزوشی دیگر تظاهرات خیابانی، ما نوسبای و نمایش قدرت توده‌های حول دفاع از منافع یک طبقه خاص است. علاوه بر این تظاهرات داننده هر تاکتیک دیگر پرولتاریا، وظیفه آموزش توده‌ها را حصول تحریکات سیاسی شان دارد. تاکتیک باید به گونه‌ای انتخاب شود که توده‌های وسیع را بسوی خط مشی سازمان کمونیستی و انقلاب جلب نماید.

رفیق استالین در رهبری تاکتیکیک به همین مسئله اشاره میکنند و میگویند در درجه اول بایستی از آن اشکال مبارزاتی سود جست که: "بیش از همه با شرایط فعلی حزب و مذهبست متناسب بوده و استعداد آنرا داشته باشد که رساندن توده‌ها را به مواضع انقلابی و مسوق توده‌های سبلسونی را بطرف حبه انقلاب واجب نمودن آنان را در حبه تسهیل و تامل نماید. مطلب بر سر این نیست که قسمت پیش‌آهنگ عدم امکان بقای رژیم کهنه و انقراض حتمی آن را فهمیده باشد بلکه مطلب بر سر اینست که توده‌ها سبلسونیها توده مردم به این ضرورت پی بوند و برای تقویت پیش‌آهنگ حاضر شوند ما توده‌ها اینرا فقط از روی تجربه شخصی خود میتوانستیم فهمند، موضوع بر سر اینست که به سبلسونیها توده

مردم امکان داده شود تا از روی تجربه شخصی خود ضرورت و لزوم انقراض حکومت قدیم را بفهمند و چنان اشکال مبارزه و چنان اشکال تشکیلاتی انتخاب شود که توده‌ها بتوانند از روی تجربه به سهولت محبت شعارهای انقلابی را در با بسند، اینست وظیفه " (همانجا) (تاکتیک زمانه است)

امیبانی اتخاذ تاکتیک تظاهرات کدامند؟

الف - تظاهرات و سطح جنبش توده‌ای از آنجا که کمونیستها همواره در انقلاب را در مدنظر دارند، مهمترین مسئله‌ای که در ابتدا باید اتخاذ تاکتیک آنها را تشکیل میدهد، سطح جنبش توده‌ای است. بررسی وضعیت آرایش نوای طبقات درون جامعه و نمایندگان سیاسی آنها طبقه کارگر، خرده سوزواری و... شرایط عینی و ذهنی جنبش آنها را اتخاذ تاکتیک دارای اهمیت ویژه است. حزرا مد جنبش آنها را بسوی تعرض یا عقب نشینی سوق میدهد. شعارهای منطقی و اشکال مبارزاتی ملاسترو، ویژگی دورانیهای افنت و شعارهای سیاسی و اشکال مبارزاتی تعرضی، ویژگی دوران اعطالت و تظاهرات اساسا ساختار نمایش را دیکار لزوم جنبش و حرکت تعرضی توده‌ها، تاکتیکیک مناسب برای دوران اعتلا است. البته ذکر یک نکته در اینجا ضروری است و آن اینکه استفاده از تظاهرات تنها بعنوان شکلی از تبلیغ و آنهم تظاهرات موضعی میتواند در زمانی که اعتلا جنبش نیز وجود ندارد، مورد استفاده قرار گیرد. اما استفاده از تظاهرات بعنوان یکی از مسور مبارزه انقلابی و مسایشات سیاسی همراه مابیح توده‌های، خاص در دوران اعتلا است. استالین میگوید: "در دوره سالهای ۱۹۰۳ الی ۱۹۰۵ تاکتیک حزب تاکتیک تعرضی بود، زیرا هنگام مد انقلاب و اوج گرفتن نهضت بطرف بالا بود، لذا تاکتیک هم می بایستی با این حقیقت منطبق میشد. طبق این وضعیت مسور مبارزه نیز انقلابی و متناسب با مقتضیات مد انقلاب بود. اشکال مبارزه که در این دوره یکی جای دیگری را می‌گرفت، عبارت بود از اعتصابات سیاسی محلی، نمایشات سیاسی، اعتصاب عمومی سیاسی، تحریم دوما، قیام" (همانجا)

ب - تظاهرات از اشکال عالی و تعرضی مبارزه طبقاتی و عمدتا مربوط به دوران اعتلا است.

ب - رابطه تظاهرات و آرایش قوای دشمن با هر چه بالاتر رفت، جنبش و توده‌ای سر شدن تظاهرات، اتخاذ تاکتیک بر سیاسی مسران

توانا شیهای دشمن اهمیت بیش از پیش میباشد. اراسن رویا بستی این تاکتیک بگونه‌ای انتخاب شود که بیشترین ضرر را به دشمن وارد کرده، کمترین خسارت را برای صفوف انقلاب در برداشته باشد. عدم رزنا سی از وضعیت مسوف دشمن در زمان و مکان تظاهرات موجب میشود که تاکتیک ما به موفقیت نیا نجامد. توجه به این مسئله را در فسخ تظاهرات ۹ ژوش ۱۹۱۷ آزوشی سبلسونیکها تا فهمیدن، لنین در این مورد میگوید:

"نهم ژوشن حزب کارگران انقلابی با حزب سبلسونیکها در پروگرام در کار رتدارک تظاهرات بود که نمودار و تشکیلی از ناخرسندی روز افزون و سراسر شدنی بوده‌ها باشد. مسران این - ار و منشویک که رزنا سی با سوزواری سردرگم شده و پای سبلسونیکها است امیرا بستی تعرضی گردیده بودند، وقتی احساس کردند نفوذ خود را بسبب توده‌ها از دست میدهند، هراسناک شدند. زوزواری همگانی سرفدتظاهرات رخاست و این بار دیگر کادتها ی فدا انقلابی نبراس - ارها و منشویکها یکی شده بودند، تحت رهبری آنها و در نتیجه سیاست سازشکاری آنها با سرمایه داران، جرخش توده‌ای خرده سوزواری برای اتحاد سبلسونیکها و سوزواری فدا انقلابی کاملا مشخص گردید. ... سبلسونیکها تصمیم بر این داشتند تظاهرات را فسخ کردند، زیرا بهیچوجه نمی خواستند در جنبش لحظه‌ای کارگران را علیه سبلسونیکها متحده گاندها، اسارها و منشویکها به سردی ما بسوزانند - بکشانند." (لنین - درسهای انقلاب)

در کنار دو عامل اساسی فوق برای اتخاذ تاکتیک تظاهرات بایستی از عوامل کم اهمیت - تری ما بشد وجود عدم وجود دموکراسی که طعنا سربمیزان حد روبا روشی طبقات متخام می افرا بد و منجمن سوجه روحیات توده‌ها که حساسیت بیشتری نسبت به برخی مسائل نشان میدهد و برای تظاهرات حول آنها بیشتر سبج میشوند و... نیز باید کرد.

۲- عناصر اساسی تظاهرات

هر تظاهرات بر مبنای عناصر اساسی زیر تشکیل می یابند:

الف - شعارها - شعارهای تظاهرات از عناصر مهم تظاهرات هستند، انطباق این شعارها با احساسات و روحیات توده‌ها و سطح جنبش توده‌ای و نیز با اساسی ترین سازه‌های توده‌ها میتواند این تظاهرات را به تظاهراتی موفق بدل سازد.

ب - سازماندهی تظاهرات - سازماندهی منظم

عمده مبارزه، یعنی تظاهرات خیابانی، به شرایط مشخص برای اتخاذ این تاکتیک توجه نکرده و وضعیت ویژه قوای طبقاتی و آرد آن مقطع و محل و مکان، مبنای حرکت خود قرار ندهد. برای بررسی قوای طبقاتی با وضعیت رژیم (دموکراسی و سرکوب، استیمال، تعرض) وضعیت نیروهای غیرپرولتری، واقع نیروهای پرولتری، سنت و فرهنگ توده‌ها و خاصیت آنها و... را در نظر گرفت.

ب: این دیدگاه خلعت تبلیغی - تعرضی توده‌ای این تاکتیک را ندیده بلکه به تظاهرات خیابانی بستایه تنگلی از مبارزه برای درگیری و تعرض نمی‌شود به رژیم نگرسته و برخورددهای زودرس و ما جرای خوبانه را به نمایش میگذارد. این دیدگاه به تظاهرات خیابانی و تعرضی که در این شکل از مبارزه نهفته است، از راه غیرتوده‌ای و آنرا رشیستی نگاه میکند.

پس تظاهرات خیابانی با توجه به وضعیت قوای طبقاتی در جامعه، سطح جنبش توده‌ای و... بعنوان یکی از اشکال عالی مبارزات مردم، خلعت تبلیغی، تعرضی و سیاسی داشته و باید توجه به عوامل یاد شده، برای سازماندهی و رشد آگاهی طبقه کارگر توده‌ها بکار گرفته شود. به ویژه این شکل از مبارزه برای برگزاری جشن اول ماه مه، نقش اساسی را ایفا کرده و کمونیستها و انقلابیون با بدحی الامکان از این تاکتیک مبارزات به بهترین وجهی استفاده نمایند.

آیت الله خمینی: انقلاب نکردیم که نظام بهم بخورد!!

زحمتکشان ما سالها مبارزه کرده‌اند تا رژیم سرمایه‌داری وابسته‌شان را سرنگون سازند و با آنها مسبب اصلی نابرابری‌ها و فقر و فلاکت‌شان، نظامی نوپا فریبند. اما انقلاب پیروز نشد چرا که طبقه کارگر قهرمان، رهبری آن را در دست نداشت.

اما آیت الله خمینی در دیدار با "گروهی از خلبانان" (۲۵ فروردین ۶۰) خطاب به آنان میگوید: "همچو کمان نکتند که حالا که ما انقلاب کردیم با بد نظام هم بهم بخورد، نه اینطور نیاید. انقلاب کردید لیکن این نظام از اول در اسلام بوده است و حالا هم باید باشد که با نظام مورانجا می‌کورد."

(جمهوری اسلامی - ۲۶ فروردین ۶۰)
آری انقلاب از درجه دید آیت الله خمینی و رژیم جمهوری اسلامی، بالاتر است که مورد نظر خلقهای زحمتکش ایران بود (و می‌باشد) زمین تا آسمان تفاوت دارد. زحمتکشان میباید ما خواهان در هم شکستن نظام استعمارگر باشد و هستند، اما "انقلاب" مورد نظر آیت الله خمینی نه تغییر سیستم و درهم شکستن آن بلکه فقط به حاجی‌ها در "بالا" - نشستگان و ادامه نظم سابق با روشی دیگر محدود میشود

با شنیدن صدای تازیانه‌ها فرار نمیکنند، برعکس آنها نزدیکتری آیند و تازیانه دیگری - "ناظرین گنجا" و "شورنگران" فرقی قائل نمیشود... بدین وسیله ضربات تازیانه خدمت بزرگی به ما میکند، چون در اثر ضربات شلاق و تازیانه، گرایش به انقلاب در "ناظرین گنجا" تسریع میگردد. (همانجا) بدین ترتیب تظاهرات موفق میشود توده‌های بیشتری را به سوی انقلاب جلب نماید. به همین خاطر است که رفیق بوگدان کوشونیا نتواند در گزارشی کمیته با کوبه‌کنگره دوم حزب سوسیال دموکرات روسیه

تظاهرات خیابانی با توجه به وضعیت قوای طبقاتی در جامعه، سطح جنبش توده‌ای و... بعنوان یکی از اشکال عالی مبارزات مردم، خلعت تبلیغی، تعرضی و سیاسی داشته و باید توجه به عوامل یاد شده، برای سازماندهی و رشد آگاهی طبقه کارگر توده‌ها بکار گرفته شود.

میگوید که پس از تظاهرات تیراژ نشریه مرکزی حزب بطرز چشمگیری افزایش می‌یابد و توده‌های بیشتری از حزب استقبال میکنند. بدین ترتیب توجه به چهار عنصر فوق، تظاهرات را از نظر جلب توده‌ها بسوی انقلاب موفق مینماید.

دیدگاه‌های انحرافی

درقبال تظاهرات خیابانی

- ۱- دیدگاه راستروانه:
این دیدگاه با توجه به کم‌بهاشی (عدم بها) به پتانسیل جنبش توده‌ها و برخوردیکجا نبه و ایده‌آلیستی به توهم توده‌ها، تاکتیکی را اتخاذ میکند که میتواند نده اشکال زیرشا رزیا بد: الف - با توجه به تقلیل سطح جنبش توده‌ای، اعتیاد انقلابی و مبارزات سیاسی توده‌ها را نفی کرده و بجای استفاده از اشکال سیاسی و عملی مبارزات توده‌ها (تظاهرات خیابانی) و شعارهای هماهنگ با آن، اشکال عقب مانده و منطقی - اقتصادی را عمده میکند و دیدگاه لیبرالیستی و انحلال طلبانه را نسبت به جنبش توده‌ها و انقلاب به نمایش میگذارد. ب - این دیدگاه با توجه به برخوردیکجا نبه و ایده‌آلیستی به نقش ذهنیت توده‌ها (عوامل توهیم) به شرایط مادی مبارزه بها نمیدهد و با دنباله‌روی از توهم توده‌ها، مبنای تاکتیک خود را بر اساس توهم توده‌ها آغاز کرده، سبب انفعال و پاسیویته در مبارزه میشود و در نتیجه شکل عالی و سیاسی مبارزات مردم (تظاهرات خیابانی) را نفی میکند.
- ۲- دیدگاه چپروانه

این دیدگاه با عدم توجه به آرایش قوای طبقاتی در جامعه، ذهنیت خود را بجای آن در نظر گرفته و تاکتیکهای خود را جدا از شرایط مادی جامعه و وضعیت قوای طبقاتی اتخاذ میکند. این دیدگاه نمیتواند اشکال زیرسر تازیانه بد: الف - با درکی ذهنی و گمراهی نسبت به شکل

و با انضباط تظاهرات، گذشته از آنکه از میزان آسیب پذیری آن میگذارد، در اثر یک آنترناتیو انقلابی، مورد تکیه توده‌ها نیز نقش تبلیغی ایفا میکند. توده‌ها با دیدن تظاهرات منظمی که در مقابل بورژوازی ارتجاع نیز انجام خود را حفظ میکند، بیش از پیش به آنترناتیو انقلابی و تشکیلات سازماندهی انقلابی گرایش می‌یابند. ج - شرکت کنندگان در تظاهرات با این عنصر تظاهرات بسیار مهم است. مشاهده حائز تازیانه و دلوری تظاهرات هرکنندگان در مقابل بورژوازی

عظمت و استواری آرمان تظاهرات هرکنندگان را به توده‌ها نشان میدهد. مردم با تجربه سیاسی خود می‌بینند که چگونه کمونیستها با طرح‌ها و نشان بخون می‌غلطند. استواری شرکت کنندگان در تظاهرات، تبه توده‌ها اعتماد به ما زمانه‌های انقلابی می‌بخشد و رعب هرگونه انفصال، توده‌ها را نسبت به ایمان تظاهرات هرکنندگان برآه توده‌هایی اعتماد مینماید. بقول رفیق استالین: "کافی است فردی در طول یک تظاهرات به خیابان برود تا مبارزین شجاع را مشاهده کند و بفهمد آنها به خاطر چه می‌جنگند، فریادهای آزادی طلبانه را بشنود که از همه میخواهند به مبارزه بپیوندند و به سرودهای هجان آورگوش فراداده که سیستم موجود را محکوم کرده و تپا هی های احتمالی ما را افشا مینماید." (حزب سوسیال - دموکرات روس و وظایف آن) بدین ترتیب استواری خود تظاهرات هرکنندگان عاملی بسبب موفقیت تظاهرات است.

د - ناظرین گنجا و بجز توده‌های شرکت کننده در تظاهرات، عمده تازیانه نیز به قصد آشناشی با شعارها و ما هیت تظاهرات هرکنندگان در اطراف تظاهرات گرد می‌آیند. (نمونه ۲۳ دی، نمونه خوبی است) تظاهرات موفق میتواند، با ناظرین گنجا و راه تظاهرات هرکنندگان آینه بدل سازد بقول استالین:

"مروزه در هر شهر بزرگ، دهها هزار از این قبیل ناظرین گنجا وجود دارد... روز آنها به صحنه اغتشاش و شورش هجوم ور میگردند... گنجا وی نشان میدهند. آنها مشتاقانه میخواهند بفهمند چرا این اغتشاشات و بی نظمیها با وقوع می‌پیوندند چرا این همه مردم خود را در معرض ضربات تازیانه قرار میدهند. تحت این شرایط، دیگر ناظرین گنجا و به صدای ضربات شلاق و شمشیر، سیاسی تفتوتی و به اعتناشی گوش فرامیدهند. "ناظرین گنجا و" مشاهده میکنند که تظاهرات هرکنندگان جهت بیسان خواستها و تقاضاهای خود، در خیابانها احتیاج کرده‌اند دولت با ضرب و حرج و سرکوب بیرحمانه با آنها مقابله میکند. "ناظرین گنجا و" دیگر

بحران اقتصادی کشور و راه رفع آن

■ در حالیکه بنابه اعتراف سردمداران رژیم، بودجه دارای کسری معادل ۱۲۵۰ میلیارد میبایست، دود ناشی از بحران اقتصادی و هزینه های سرسام آور جنگ برجسته چه کسانی جز زحمتکشان می رود ؟

رژیم حاکم به بخش خصوصی فقط در قسمت تجارت اجازه داده است که در سال ۵۹، ۱۲۰۰ میلیارد ریال سود ببرد. آیا این سود جزا زد سترنج زحمتکشان و از درآمد ناچیز توده های مزد بگیر تامين شده است ؟

— حورچون اونست، توده های زحمتکش مادر اسدومال حاکمیت جمهوری اسلامی بدون برخورد — داری ارحق مسکن و بهداشت و حتی اولیه ترین نیازهای رفاهی در میان گرده خاک و زیر چادر وحشی و در بدترین شرایط بسر برده و میسرند و ستاره های سمرال پیشنهاد میکنند "طرحهای اعتبارات عمرانی و رفاهی کاهشی باشد!" اما آیا برای رفع بحران موجود هیچ راه حلی وجود ندارد؟ جواب مثبت است.

همانطور که در آلمان نازی، علت اصلی و اساسی وجود این بحرانها حاکمیت سرمایه داری و استعمار رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی است. تنها راه حل بحران های اقتصادی، درگرو انقلاب بوده های زحمتکش میباید.

فقط با انقلاب دمکراتیک — فدائیمیراستی به رهبری طبقه کارگر و سربازان سوسیالیست که شما متاسفانه با سببهای اجتماعی و از جمله بحرانهای کمترکن اقتصاد از زمین خواهد رفت فقط تا سود شدن سرمایه داری و بسته و از بین رفتن اقلیت شما رگ سرمایه داری و روبرواری حاکمیت طبقه کارگر است که به طور قطع رفاه برای زحمتکشان فراهم خواهد آمد. هر حرفی جز این بوج و فریب است.

مروری سوده و فقط در اشرا کمیت سرمایه داری و استعمار رژیم ارتجاعی و فدمردمی کسوفی است که سودگران به ورود آنها میبردند. برای نمونه گذشته زکالاهای تجملی و الکتریکی گران که تنها ثروتمندان امکان استفاده از آنها را دارند (نظیر یخچالهای ۱۰-۱۲ هزار تومانی) در میان کالاهای وارداتی، "بدرخیا"، "ماون توالنت"، "پلنورفرت"، "حاکشیر" و... که از هلند آلمان و پاکستان وارد میشوند نیز چشم میخورند اینها دوسه نمونه کوچک از واردات کمترکنی است که به "یمن" حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی حافظ سرمایه داری و استعمارگران ورودی است. اندوخته وجود چنین رژیمی، اس کالاهای نامیمت — های جدیدی بر بدهست مصرف کننده میرسد و منافع حاصل از این جیا ول به حجب همبالیگهای مهندسی نظامی سوا زیر میشود.

سحای اعتراض میکنند که "سال گذشته ۱۱ میلیارد دلار اعتبارات بخش خصوصی داده شده است و بخش تجارت جبری در حدود ۱۲۰۰ میلیارد ریال در سال ۵۹ سود کرده است." ولی این ۱۱ میلیارد دلار چه رژیمی و از شرکت حاکمیت گدا میستم به بخش خصوصی یعنی سرمایه داران، اعتبار داده است در واقع این رژیم جمهوری اسلامی است که به بخش خصوصی و فقط قسمت تجارت اجازه داده است که در سال ۵۹، ۱۲۰۰ میلیارد ریال سود ببرد آیا چه کسی جز سرمایه داری و رژیم حافظان اجازه چنین جیا ولی را به سرمایه داران و "تجار محترم" داده است ؟ آیا این سود جزا زد سترنج زحمتکشان و از درآمد ناچیز توده های مزد بگیر تامين شده است؟ البته به نسبت به راه علاجی که مهندس سحایی مرتجع برای مقابله با کسری بودجه و وضع وخیم اقتصادی میدهد توجه کنیم. او علاوه بر پیشنهاد "دولتی کردن جنگا لاجون آهن آلات، پارچه کاغذ و..." از جمله پیشنهاد میکند که "طرحهای اعتبارات عمرانی و رفاهی کاهشی باشد" و اضافه میکند "ما باید به سراغ کارهای ماندنی برویم که تولیدی است. ساختن مدرسه که معلم آن معلوم نیست یا حمام ساختن برای روستاها کار خوبی است اما چه بهتر که جها دسا زندگی کوشش خود را صرف کارهای تولیدی بکند"

در جلسه روز ۱۷ فروردین مجلس شورای اسلامی در بحث در مورد "بودجه دولت"، مهندس سحایی لیسرال در یک سخنرانی ضمن اشاره به نابسامانی های اقتصادی و وضع وخیم و بحرانهای آن، راه — طلبانی نیز را شهادت با مروری کوتاه در این سخنرانی که مقدمه کوشش بسیار با چیزا واقع اقتصادی رژیم جمهوری اسلامی اعتراف شده به راه حل های این لیسرال خاش نیز نظر — سری میباید رژیم (متن سخنرانی در انقلاب اسلامی ۱۸ فروردین ۶۰ به چاپ رسیده است)

سحایی میگوید "بحران اقتصادی ارشبه ای است که از رژیم سابق برای دولت بعد از انقلاب بجای مانده است" ولی او بعد نمیگوید که آن "بحران اقتصادی" از آسمان نازل نشده بود بلکه بحران بود از شیده سیستم سرمایه داری و سحای طرحا کمیت بورژوازی در طول سالهای طولانی و در ارتباط مستقیم با بحرانهای اقتصادی کشورهای امپریال — لیستی تداوم و شدت یافته بود. او بنا به منافع طبقه ای ارتجاعی نمیخواهد و نمیخواهد که سیستم که پس از سقوط رژیم وابسته تا به جلد، علمبرگم ضربات کوبنده و آسیب فراوانی که توده های زحمتکش و انقلابی سرمایه داری وابسته ایران وارد آوردند ولی با حاکمیت جمهوری اسلامی سیستم پیشین کا ملاحظ شود سرمایه داران رژیم جدید با سرعت فراوان به ما زسی، سرمایه و حفظ و توسعه آن پرداختند و در نتیجه نه تنها بحران اقتصادی کمترکن حاکمیت از زمین نرفت بلکه شدت هم یافت. مهندس سحایی با اشاره به جنگ و قطع و نا مرتب شدن مدور نرفت میگوید:

"... ما در حقیقت بدون احتساب درآمد نفت کسری بودجه ای ۱۲۵۰ میلیارد ریال داشته ایم و این خیلی نا جمع است. ما ۱۰۰ میلیارد کسری بودجه در حالی است که هزاران کارگر و کارمند زکار خانه ها، ادارات و موسسات دولتی اخراج شده اند، حقوق دهها هزار آوار جنگ قطع شده است.

اما اگر دستمزد کارگران و حقوق کارمندان قطع شده و عرض سرمایه داران و سران رژیم به جیا ول خود داده می دهند و جنگ ارتجاعی برپا شده که رژیم جمهوری اسلامی یکی از بنیانهای میباید شود و سحای طرحا این جنگ میباید تومانی هزینه صرف شده است، فقط یک قلم ز طریق ها شمسی رفتنانی مرتجع ۲۰۰ میلیون تومان برای خرید اسلحه از خارج شده است و...

به اعتراف سحایی، هزینه واردات ۳۰ درصد افزایش یافته است. ما در شماره های پیشین نشان دادیم که طبق آما خود رژیم جمهوری اسلامی واردات از کشورهای امپریالیستی و بورژوا — رویونیستی بمیزان زیادی افزایش یافته که هزینه واردات را با بدبختی آن افزود و اینهم از نتایج اولیه ادامه و حفظ سرمایه داری وابسته است که کشور در تمام زمینه ها نیاز به خرید از کشورهای امپریالیستی و سرمایه داری دارد. نیازی که در حال افزایش میباشند است. نگاهی به فهرست کالاهای وارداتی (کیهان ۲۸ اسفند ۵۹) نشان میدهد که اکثر آنها کالاهای وارداتی غیر

تصحیح و پوزش

در پیکار ۹۸ صفحه ۱۶ در "بیامگان مستقل" مطلبی تهران به مسلمان جنگزده "متاسفانه سحای اصطلاح "حک مصیبت سار" "جنگ ارتجاعی" و سحای "سیاستهای مسئولان امر"، کلمه رژیم آورده شده که بدین وسیله ضمن پوزش، تصحیح میشود.

در اعلامیه های اولیه ما زمان تعداد در فضای شهید در نظرات اخیر ۳ نفر قید گردید در اینجا اعلام میکنیم تا بحال تعداد موشق شهدا و نفر میباشند.

بقیه از صفحه ۲۲ تا چر...
چنانچه امیرالیم شوروی و با رژیمهای وابسته و نزدیک به آن مخالفت میکنند قیقا از زاویه منافع امپریالیستها و بخصوص سحایی غارتگر است.

بدین ترتیب اگر "تاچر" این نما پندیده غارتگران انگلیس از هند دست خالی بر میگردد در عرض با دستانی بر عربستان را ترک میکند!

مقاله آموزشی بحثی پیرامون دموکراسی (۴)

دموکراتیسم بورژوازی در جوامع تحت سلطه امپریالیسم:

حسورا میربا لیم در کشورهای تحت سلطه تا ثرات خود را بر موقعت اقتصادي - اجتماعي این جوامع وصف بندی طبقات در عرصه مبارزه طبقاتي باقی نگذارد. در این محت ما سه چگونگی این تا ثیر در رابطه با طبقه بورژوازی استگونه جوامع می پردازیم.

نقش بورژوازی در استگونه کشورها (و از جمله کشورها) مستقیما به شیوه تولید سلط در جامعه بازمیگردد. در جوامع (نیمه فئودالی - نیمه مستعمره) که در واقع شیوه تولید فئودالی بر اقتصاد جامعه سلط است، بخشی از بورژوازی ملی، سوبزه بخش سمعی آن، از آنجا که خواهان با سودی فئودالیسم میباید، علیه سرمایه زنگاری ذاتی آن که از بیوندهای ناگسنی بورژوازی در سراسر جهان و وحشت بورژوازی از طبقات کارگرو زحمتکش ناشی میگردد، در نرسه بر علیه فئودالیسم دارای تمایلات مترقی میباید و از این رو بورژوازی در این کشورها، با آنکه گاملا آماده توافق و سازش با بورژوازی امپریالیستی بر علیه طبقه کارگرو زحمتکش است، اما قادر مناطمی از مبارزه، در کنار کارگران و زحمت - کشان قرار میگیرد.

در جوامع سرمایه داری وابسته، نظیر کشورها بورژوازی چه نقشی ایفا می کند؟

در (سرمایه داری وابسته) از آنجا که امپریالیسم، به تمامی در اقتصاد کشور ریشه دوانده است و فانون ما فوق سودا میربا لیمنی بر اقتصاد این جوامع حکومت میکند، در نتیجه تولید و با ز تولید سرمایه در جوامع راجوب این فانون اینجا میگیرد. در واقع کل طبقه بورژوازی در چنین اقتصادی، در جوامع راجوب مساسات سرمایه داری به غارت و جیا ول کارگران و کس سود می بردارد. نتجتها تمامی اقتضار مختلف بورژوازی به امپریالیسم وابسته اند. بهمن دلیل است که بهیچ رود چنین جوامعی از سرمایه ملی و بورژوازی ملی و مستقل و ضد امپریالیست بخشی نمیتوانند در میان باند. (۵) حاکمت فاسون ما فوق سودا میربا لیمنی بر اقتصاد این جوامع، احاب بینما بدگسه دیکتا توری خشن و لحام گسیخته تنها رویتهای متنا سب با چنین زیربانی گردد. ما شیسی دولتی (بوروکراتیک - نظامی) ارتجاعی، از ارتحال ستما میربا لیمنی در استگونه جوامع است. بننها در شرایط وجود چنین دیکتا توری است که (سرمایه داری وابسته)

۵- در این زمینه رجوع شود به یگار رنکورسک شماره ۲ (در نغمه مقاله نظام هوا بسته)

مستوانند و اموماء، سدا کند. در حسن شرایطی، مسامع کل طبع بورژوازی در ایران که مشروط به ادا مبروسد استنما در جوامع راجوب مساسات سرمایه داری است، مستقیما با وجود وسفای دیکتا توری بوروکراتیک ارتجاعی وابسته میبوندد. مسامع بورژوازی ایران احاب میکند که اسن مساسات باقی بماند و دعوی مان افشار بورژوازی، در حقیقت حرزاع بر سر (دیکتا توری کل طبقه) و (دیکتا توری بخشی از طبقه) نمی - باند. اسن است و اقمیتی که سیاست بورژوا - لسرالها "را در جامعه ما توضیح میدهد، بررسی احتمالی سیاست بورژوازی لسرال ما در مقطع فعل ارتقا مویس ارتقا مویس، اسن مسئله را گاملا روشن مسازد.

سیاستهای "بورژوا لیبرالها" چه هدفی را دنبال میکند؟

در دوران فعل ارتقا مویس، بورژوازی لسرال ایران که چهره های شناخته شده آن، نظامی - سیاسی ها و سازگان ها بودند، در واقع جز در بی تا صین دمکراسی برای کل طبقه سرمایه دار بود در دسه له چنین خواست و هدفی، "لسرالها" با دیکتا توری باند شاه مخالفت می نمودند.

"لسرالها" چه میگویند و چه میخواهند؟ تا به سده سلطنت کند، به حکومت "اسن نرسب به مخالفت با سلطنت و نه مخالفت با سرمایه داری در میان نبود. بلکه سرگردان سخن لسرالها به زمان اطلی حیری حرا ن نمی شد. ما هم تریکا تشها جبری که آسان سخوانند، اسن بود که اختارات شاه قدری کاهش یابد، بشرطی که اسن اختارات به آسان یعنی بورژوا لسرالها تعلق نگیرد. در بی چنین مساساتی بود که آنها نا آنجا که میتوانستند کوشش میکردند که جرسن انقلاب را در جوامع راجوب فاسون اساسی شاهتهای به سدن کشند و همه ارگسترش امواج انقلاب توده های زحمتکش وحشت داشتند. بورژوا لیبرال - های می هراسیدند که طومان انقلاب کشنی میسده سرمایه داری وابسته را در هم بکنند و تکلیف (سودهای) کلان آسان را هم بگریزند.

اسن ترس و وحشت طبقاتی که املا طبیعی است چرا که: "بورژوازی می نرسد که در مبارزه، دارا شش که او را به نظام موجود (یعنی سرمایه داری) میبوندد، دست برود. منبرسد کارگران در فعالیت انقلابی خویش به انقلاب سوسا لیمتی میل مسانند. منبرسد سنگساره دولتی و بوروکراسی که مسامش با سزاران سدوسده مسامع طبقات دارا متصل است،

گاملا کنار نهاده شود. ... (۴) و با سراسر "بورژوازی کوچکترین اشتباقی به انتقال قدرت دولتی به مردم ندارد. با آنکه سراسری ظاهر سازی شبهه گفتا در سراسر انتقال قدرت به مردم است، اما تشها خواهان تقسیم قدرت است (۵) هنگامی که علیه رژیم ترس و لبر فاسون لسرالها و با وجود نماند دست و پا ردهای اسر حاشین، جنش توده های اوج گرفت و با به های سلطنت وابسته به امپریالیسم را در هم کوبید، بورژوا لسرالها که از مدتتها پیش زمینه سازش با رهبری خرده بورژوازی حشش را فراهم کرد. ه بود. به دست و پا افتادند که تا آنجا که ممکن است مساسات قدیمی را حفظ مسانند و توده های زحمتکش را در هم شکستن ارتکانهای سرگوسر نظام سرمایه داری سرخوردارند اسن بود معنای نغمه های سازشی و تقویت ارتش و گسترش بورکراسی که تمامی دوران پس از تقیام بر زبان بورژوا لیبرالهای ارتجاعی جاری بوده است.

امروز، بورژوا لیبرالها برای چه مبارزه میکنند؟

سبیزکنونی لسرالها با حزب جمهوری اسلامی که امروز نقش اساسی را در هیشت خاکمه دار است جدا رما هت طبقاتی و طرف سزاع نسست و مستوانند است.

بورژوازی لسرال، خواهان آن است که دمکراسی برای کل طبقه بورژوازی ایران تا صین گسردد و با سزبان دیگر دیکتا توری کل طبقه بورژوازی برگردانده شود. زحمتکش بر فزا شود. بهمین دلیل است که وقیحانه از منافع سرمایه داران سزرگ ضراری سز ذفاج میکنند و برای داغان سشدن آسان اشک میریزد.

اما جناح حزب که نماینده گی بخشی از بورژوازی ایران را بعهده دارد، خواهان اعمال سلطه و دیکتا توری (بخش خود) است و در دنمالسه چنین تضادی است که نزاع آغاز شده.

السه بورژوا لسرالهای مکار در این جنگ ضد خلقی، (لسرال لیم) است. بورژوا لیبرالها در پشت نقاب "زاد بخواهی" سبر گرفته اند و سردمدار مبارزه با "انحصار طلبی حزب حاکم" گشته اند (دمکرات مائی)، حربه اساسی لسرالها برای پیروزی بر جناح حزب، در این جنگ قدرت

(۴) در مبارزه حشش مستقل کارگری در پیکار دمکراتیک - لسین مقاله (وظایف دمکراتیک بیولناریای انقلابی)

(۵) بورژوا لسرالهای ما چه میخواهند و چه میکنند - لسین

است. اما فریادهای آزادیخواهی لیبرالها چیزی جز طغیان آوای شوم سرما بهداری نیست که هر چه نه منافع "خود" را طلب میکنند. منافع بیشتر و سودهای سرشارتر، بقیعت خون میلبونها کارگروزمحتش که زیر بار رستم و آستینا سرمابه - داری وابسته کمر خم کرده اند و خوششان در شیشه میشود.

همچنانکه شماره های "فدالیمیرالی" و "فدالیمیرالی لیستی" حزبها، جزا نمکاس فریاد سرمابه - داران سلطه طلبی نیست که میگویند "استعمار" و "دروغ" (مذهب و شرع) بهیچنجه و دیکتاتوری طبقاتی خود را در پیش (حاکمیت مستقیمین) جا بزنند.

معنای آزادیخواهی بورژوا لیبرالها

اندکی وقت در عملکردهای جنس بورژوا لیبرالها در جنگ قدرتی که هم اکنون میان ایشان - های مختلف بورژوازی در هشت جا که عربستان دارد، دروغ و فریب لیبرالسم ندیدیم. کراتیسک بورژوازی را آشکار میسازد.

هم اکنون، در شرایطی که کارگران و زحمتکشان از جنگ ارتجاعی به تنگ آمده اند و روز به روز بیشتر به ما هیت فدا خلقی هیت جا که آگسیا و میگردند، لیبرالهای فاشن که خود را از غبار اقدامات فدمردمی حکومت که ملامت بوده اند با عوام فریبی بیشتر ما نه ای مخالفت خوانی را آغاز کرده اند و با ملاحظه از "درستیز" ما حکومت در آمده اند!

همچنانکه گفتیم یکجا نب این جنگ فسدت ارتجاعی، حزب مرتجع جمهوری اسلامی است که با پنهان شدن در زیر نقاب شرع و مذهب و بسا بدست گرفتن بخش عمده اهرمهای قدرت در صدد پیاپی کردن بر نامه های سرما بهداری را نه خویش است و هر روز با درندگی بیشتری به سرکوبانقلاب میپردازد. حاکم دیکر لیبرالهای ریاکار و مرتجع هستند که در دفاع از منافع کل بورژوازی ایران به مخالفت با سیاستهای بخششی از بورژوازی پرداخته اند و برای حفظ و گسترش منافع ارتجاعی خود برگرد (بسی مدر) این نماینده عاقل و آگاه بورژوازی، این اپوزیسیون "مسئولیتدار" جمع شده اند و به توطئه چینی بسو علیه انقلاب کارگران و زحمتکشان مشغولند.

بورژوا لیبرالهای مکار فریاد میزنند: در راه دموکراسی و مساوات ما تصور برقرار است. متعلق پیش از دستور نمایندگان ما، پیش نشینم بود بهر شمشیر جمهوری تو همین جمله میشود. آزادی از دست رفته است.

لیبرالها شما میبندند: آزادی مقدس است چنان قدری محکوم است.

اما آیا این جمله گران هیچگاه به سرکوب و وحشیانه خلق کرده اعتراض کرده اند؟

آیا آنها هیچگاه به سرکوب و وحشیانه کارگران

زحمتکشان بیگار، دکهداران، میادان، دانش - آموزان و دانشجویان، مسلمین و... اعتراض کرده اند؟

آیا آنها هیچگاه خواهان حق آزادی بیان و اجتماعات برای نیروهای انقلابی شده اند؟

آیا لیبرالها هیچگاه به سرکوب و وحشیانه نیروهای انقلابی و کمونیست، به اعمال خفان آشکار کمونیستها و انقلابیون اعتراض کرده اند؟

آیا لیبرالها هیچگاه از آزادی اجتماعات شخصی لیبرالها در اشراف اعدامها و اکیها و قدرت - مندان رژیم شاه جیب واداد میسازند

لیبرالها را طرف اهدام بناواکی ما و قدرتمندان رژیم شاه جیب واداد برای می اندازند و با این وسیله از منافع برادران طبقاتی خود دفاع می کنند.

اما آیا لیبرالها به اهدام و ترویج گمراه و وحشیانه کمونیستها و انقلابیون هیچ اعتراض نموده اند؟

و بدین وسیله از منافع برادران طبقاتی خود دفاع میکنند.

اما آیا لیبرالها به اهدام و ترویج گمراهی و وحشیانه کمونیستها و انقلابیون هیچ اعتراض نموده اند؟

لیبرالها، و نه اهل میبندند: "به ما در مجلس حق حزب زدن نمیدهند!"

اما آیا آنها هیچگاه ما هیت واقعی مجلس را نزدوده ها افشا نموده اند؟

آیا آنها هیچگاه به مردم گفته اند که چنین مجلسی تفریفات، املاکاران حاکمیت مردم نیست؟

لیبرالها سوز و گدا ز را میاندازند: روزه نیروهای مسلح ارتش را خراب نکنید! فرمانده - هان ارتش را نفی کنید!

اما آیا بورژوا لیبرالهای ما هیچگاه خواهان مسلح نمودن مردم، مسلح نمودن کارگران و زحمتکشان شده اند؟

لیبرالها تبلیغات برای میاندازند: وضع اقتصادی مملکت خراب است. اینها لیاقت ادا راه اقتصاد دارند!

اما آیا لیبرالها هیچگاه به سیستم سرما به - داری که ما در همه بحرانهای اقتصادی و فاسد و فلاکت توده ها است، حمله نموده اند؟

آیا آنها هیچگاه به ریشه های فقر میلبونها کارگرودهقان، میلبونها بیگارینها و آشکار - برداخته اند؟

پاسخ صحیح تمامی این پرسشها منفی است. هر کارگروزمحتش آگاه به این سوالات پاسخ منفی میدهد. بورژوا لیبرالها هیچگاه به این مسائل پاسخ نمیدهند و نمیتوانند بدهند. چرا که لیبرالها و حزب جمهوری اسلامی هر دو در یک هدف با یکدیگر وحدت دارند: سرکوب انقلاب کارگران و زحمتکشان و با زسازی سیستم سرما بهداری، چرا که این انقلاب منافع هر دو آنها را نابود خواهد ساخت. این تنها روش سرکوب است که مسوود

اختلاف آنها است. بورژوا لیبرالها خواهان آن هستند که (با پنهان سر بریده شود) و حزبی ها را سرکوب آشکار و علنی حمایت میکنند. بورژوا لیبرالها از آزادی و نامکراسی سخن میگویند. اما در حقیقت خواهان چیزی جز آزادی تمام می سرما بهداری برای چپاول و غارت بیشتر نیستند. آنها میسرمانه در پشت شعارهای زحمتکشان سنگر گرفته اند تا نقش غالب و اساسی در قدرت سیاسی بسازند. آنان میخواهند به قدرت کامل برسند تا هر چه بهتر و بیشتر توده رنجبران را غارت کنند. مبارزات زحمتکشان را سرکوب نمائند و سیستم سرما بهداری وابسته را با زسازی و احیا کنند.

لیبرالها "آزادیخواه" هستند. بلکه سرکوب

گراشی هستند که نقاب دمکراسی تیزم به چهره زده اند بقول لنین: "یک لیبرال را بخراش تا در زیر پوست آن یک گروهی از پلبس دیونیفرم - سیمنی" (۶)

بورژوا لیبرالها، با زرگانها و بنی صدرها با اعمالشان بارها به ما نشان داده اند که تمام وعده و وعیدها و شعارها ایشان چیزی جز فریب و دروغ هستند. زیرا امروز آن را میگویند و فردا آن را زیر پا میگذارند. همانگونه که با زرگان بورژوا لیبرال در دوران زمام داریش خود به سرکوب آزادیها فرمان میداد و خود ما سندسرا ن ارتجاعی حزب جمهوری، آزادی خواهان واقعی یعنی انقلابیون و کمونیستها را توطئه چین لقب میداد. همانگونه که بنی صدر خود در سرکوب خلق کرد، فعالان شرکت داشت و سرکوب دانشگاه مهرتا شیدر و خلق کرد و دانشجویان انقلابی را بسبب آیت الله خمینی و حزبش "شیا طین" اعدام داد.

بورژوا لیبرالها تا به تیزی دارند. آنها خطر را در هوا سومکشند. هم اکنون تا به طفا تی - شان سوی سهمگین انقلاب توده را حس کرده است. پس، هر چه سریعتر دست بکار شده اند. مخالفت خود را شدت بخشیده اند و علنی تر نموده اند. آنها که تا چند ماه پیش سخن از "وحدت" "سکوت بخاطر ما" میگفتند، اکنون این حرفه را کنار گذاشته اند و آشکارا به حزب حمله میکنند آنها به این طریق میگویند تا توده کارگران و زحمتکشان را که از حزب روی سرگردانده اند بطرف خود بکشند و با ردیگر بر موج انقلاب رنجبران سوار شده و گشتی شکسته و در حال غرق خود را بسا حل نجات برسانند.

لیبرالها تلاش میکنند که دروغهای همچا

(۶) - دوا توپی - لنین

امپریالیسم را رسماً رسماً با سیستم سرمایه‌داری
و ایستاده‌ها بکاها امپریالیسم در کشور ما ست جدا
سست و سست‌ها جدا باشد .
* - کارگران و رحمتگنان ایران در سرده علمه
سیستم سرمایه‌داری و ایستاده‌ها در راه پیروزی
انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی خود ، با
کلیه افشار مختلف بورژوازی رودر رو هستند
هیچگونه منافع مشترکی در این مبارزه ما بیسی
کارگران و رحمتگنان ما هیچ فشری از سرمایه
- داران وجود ندارد . ادا به دارد

به این سوالات پاسخ دهید:

- ۱- دمکراسی بورژوازی را در مراحل مختلف
تاریخی توضیح دهید . (دوران مبارزه بر علیه
شودالیزم دوران رقابت آزاد و استقرار سلطه
سرمایه‌داری ، دوران امپریالیسم)
- ۲- تفاوت جمهوری دمکراتیک بورژوازی را در
عصر رقابت آزاد سرمایه‌داری و عصر امپریالیسم بیان کنید
- ۳- مختصات عمومی دمکراسی بورژوازی "کدام است؟
۲- آنها بورژوازی همواره به شکل "دمکراتیک سلطه
خود را سرمایه‌داری؟ چرا؟
- ۵- توضیح دهید که مختصات دستگاه دولتی
جمهوری اسلامی چیست؟
- ۶- اهداف اساسی سیاسی انقلاب ایران
در جامعه ما کدام است؟
- ۷- جنگ میان جناح‌های حزب جمهوری و لیبرالها
از چه ماهی سرچورد را است مضمون آن چیست؟
- ۸- چرا در کشورهای سرمایه‌داری و ایستاده ،
جمهوری دمکراتیک بورژوازی نمیتواند برقرار
گردد؟ از اس مسئله چه مسیله‌ای در رابطه با
انقلاب امپریالیستی در این جوامع بدست
سازد . (اس مسئله را در ارتباط با فشرشن
بورژوازی در اس کشورهای رابطه میان مبارزات
دمکراتیک و فدا امپریالیستی بحث سازد)

فعالیت مستقل و انقلابی بوده میگرداند . خورا
- ها و احادیده‌ها را به خون میکنند ، کارگران
رحمتگنان و انقلابسور را وحشا نه سرکوب میکنند
و نا ست مسما بند که بورژوازی تا سرحد مرگ از
جنسش توده‌ها میترسد و برای خفه کردن آن بهر
جانی دست میزد و نشان میدهد که :

"حرفه آن رخنه‌های انتهای دیویدپلوشی
دروغ ، نیروی پروریا کاری های جنونانه‌ای که در
شما مسا ست لسرالها دیده میشود از احادیده
آنها مجبورند برای دمکراتیسم رایسته خود کنند
تا توده‌ها را به سوی خود جلب کنند ، و حال آنکه
کا ملاحظه دمکراتیکند و کاملاً با جنسش توده‌ها ، با ابداع
آنها با ایستکانها ... خصومت دارند."

نتیجه‌گیری می‌کنیم:

- * - نبوده سولسدی حاکم بر امتنا دایران سرمایه‌
داری است . کل طبقه بورژوازی کشور ما
در چهار رچوب سیستم سرمایه‌داری و ایستاده
امپریالیسمه استمتنا روگتس بوده میگرداند . بنا
بر این بورژوازی ملی ، منرفی و دمکرات در کشور
ما نمیتوانند وجود داشته باشند .
- * - بر اساس حاکمیت ما قوی بودن نظامی در
امتنا سرمایه‌داری و ایستاده ، دوام سیستم سرمایه
- داری و ایستاده در کشور ما بطور ایجاب سازد
- ی با برقراری دنگنا سوری سورگرا شک اوضاعی
و ایستاده ، در پیوند است .
- * - جنگ میان امتنا سرمایه‌داری
و ایستاده ایران ، جنگی اوضاعی است که سرسر
ایرانی دنگنا توری کل طبقه (و برقراری
دنگنا سوری لانه‌ای ارضیه) مورت میگردد .
- * - مبارزه برای "دمکراسی" را سرمایه‌داری
امپریالیسم که سلطه آن استقرار حین سرمایه
دنگنا سوری و جوهر گونه دمکراسی را از حساب
سازد سرمایه‌داری ، جداست . و مبارزه بر علیه

عمومی که از اوج گیری سرمایه‌داری های مردم از
حکومت بدست آمده است ، کارگران و رحمتگنان را
با استفاده از شعارهای خود آنها تربیت دهند ، تا
انقلاب دمکراتیک و فدا امپریالیستی را به گمراه
سرمایه‌داری و ایستاده‌ها نتوانند دهند .
لب کلام لیبرالها را بی صدق ، بی روسا د
حله گرمیگوید : "هدف من نجات جمهوری است"
آری هدف لیبرالها نجات سیستم سرمایه‌داری
و ایستاده است که هم اکنون جمهوری اسلامی با مدار
آن است و هر جمهوری دیگری سز که لیبرالها
سراسر آن با نندسته جز این نخواهد بود .

لیبرالها و حزب جمهوری در این جنگ قدرت
میگوشد هر یک بیشتر بوده را به طرف خود میکنند
حزب جمهوری چهره "فدا سیماری و ایستاده‌اری"
خود میگیرد و لیبرالها چهره "آزادخواه" را
هر دو ی آنان مسخا همدنوده بر سر قرار آورده‌اند
خود قرار دهند . بهمین دلیل است که آن از سر
فعالیت مستقل انقلابی ، ایستکان را از سر
یعنی کارگران ، دهقانان ، کسبه ، معلمان ، کار -
مندان ، ... استقلال و حثت دارند . حزب جمهوری
و بی صدق ، " حضور مردم در صحنه " حثت میکنند
اما بطور حریصانه حضور مردم در صحنه برای گویند
رغبت است و منظور لیبرالها بر خراس است . بی -
در دستش مسما بنا از مردم دعوت کند تا گوشه‌های
کوچکی به حزب جمهوری بدهند ، اما رشدایستکان
و فعالیت مستقل و انقلابی مردم ، با مسخا کانی
است ! همین که این رتد و فعالیت انقلابی با به
آخبار رسیده که از رچوب منافع آنان بی‌دراثر
گذارد و حاکمیت آنها را نهدند با ندهشکایی که
کار به آنها برسد که توده‌ها نخواهند ایستکان و
سوزی انقلابی خود را در ارگان های انقلابی
خود ، محکم کنند آنکه ، خط سردیک مسود ، آسوت
با هر سله ، با تک سروهای صلح ، به همراه رسخورد
حزب جمهوری اسلامی ، دست در دست نه سرکوب اس

نتیجه‌گیری

سرمایه‌داری و ایستاده‌ها فاسد اساسی اوضاعی حرکتان ،
میگوشد که برای گس اطلاع با "ایستکان" تکلیف
و خودداده‌ها است ، تکلیف های وحشانه‌ای را که
زندانیان و خادده‌ها را شهیدسکارگر میسار
ممنوعی ، محمود صمدی ، فدائی شهید چنانگرفته
سازد و آب ، برنجی بی شهرام و دهها کموسیت و
انقلابی دیگر و رتد آورده‌ها را کشته و دمنسی
طبقانی اس حوک مسما بلکه "آزار شخصی
بوده و ما ندهم " محض نوحی " بوده است که در زندان
فرل حصار گنج ، با ساری ناپوسن مسما
با های تک کارگر که در صف عقب دستگیر شده بود
میگوشد ! " اردید " هشت برسی تا سده یکجه "
سحا و رده دختران انقلابی و حتی سزار کموسیت
و انقلابی که سینه‌های فراوان آزاد در مسورد
ایران کرد و ... در ضارده‌های سسین سزده‌اسم
تکلیف نیست ! محمد مستطری برنج میگوید :
(انقلاب اسلامی ۳۰ فروردین) "در جانی سحا و
به یک جوان را و آتیم مسما اول اس سوره ارتکجه

سرمایه‌داری و ایستاده‌ها فاسد اساسی اوضاعی حرکتان ،
میگوشد که در زندانیان شهیدسکارگر میسار
سینه مسود آنان حرشهای یوج با ادعا های
خلدان رژیمها که میکنند : "ما زندانیان را
تکلیف میدادیم بلکه آنها را سینه میگردیم"
چه صرمی دارد؟ طبق منجمین برهم منطبق است .
نگدا از رتخاع تا مسوا ساری سحات خود دست و پای
سحا صل سزده ، مبارزین انقلابی و کموسیتی که با
عشق آزادی و استقلال ، با ایمان به انقلاب و سوسیالیسم
و در راه سرخ رهائی رحمتگنان و وطنهای ایران گام
سرمیده‌اند ، تکلیف های وحشانه‌ها سازان و
زندانیان جمهوری اسلامی را به هیچ مسما رسد
آنان در مبارزه آتشی با سز خود ، با مقاومت و
با نداری حسا س آفرس خود ، در زندان و سسرون
آن به سرده علمه امپریالیسم و ارتخاع و رژیم
سرمایه‌داری و ایستاده ادا خواهد داد ، توده‌های
انقلابی و آگاه ، هر روز سسار و روز سسار آسما
پشیمانی خواهد کرد و به سبب ولای خود سسار
دستگرد های زندانیها را خواهد گسود ، حین سازد !

یکسال از شهادت سرخ کمونیستهای قهرمان ،

رفقای پیکارگر نجم الدین شیخی و احمد موذن میگذرد



رفیق پیشمرگه، نجم الدین شیخی

رفیق پیشمرگه نجم الدین شیخی در سال ۱۳۳۵، در خا سوادده ای رحمتکش و شهیدست در روستای "مولان آباد" - از توابع سقز - بدنیا آمد و در میان زحمتکشان و با آشنایی بس در ده ها پیشان سرگ شد کاک حمده با وجود وضع بد مالی خا سوادده به مدرسه رفت و در خا لیکه درس میخواند چو پانی سبزی نمود، پس از تحصیلات ابتدائی، برای ادامه تحصیل به شهر سقز رفت، اینست دوره در خا لا بردن شناخت رفیق از مسائل جامعه طبقاتی و جستجو در راه مبارزه با ریشه ها و علل مفرو فلکت زحمتکشان نقش موثری داشت .

در خویان مبارزات پر شکوه شده ها، رفیق نجم الدین در مطا هرات، اعتما بات و نحن ها سر علیه رژیم ارتجاعی شاه شرکت میکرد و دوش - بدوش خلق مهران گردستان، مریا دانقلاب سر مباد . پس از قیام مهمن ۵۷، کاک حمده در مطوف "حمیت طرفدار زحمتکشان سقز" به مبارزه اش ادا مهاد . رفیق در ممالیتهای انقلابی اسحا دبه های دهفانی مطفه سقزیا تلاش انقلابی شرکت مسمود و دهفانا زحمتکش تپله کسوه ، نازه آما دوبا غجه له چهره صمیمی رفیق را هنوز سبادا رند .

پس از یورش وحشا ندر رژیم جمهوری اسلامی به کردستان (۲۸ مرداد ۵۸)، رفیق نجم الدین با اراده ای استوار همچون کوهستانهای سرکش کردستان در کنار مردم زحمتکش سقز از منافع زحمتکشان در ممال سل ارتجاع دعاع کرد، رفیق سمده گرفت، او در روستای "چا پوره ده"، جاشیکه فیلا رفیق شهید "انورما جدی" معلمش بود، بیکار بردا حت . و بقول روستا ثیان "جای خالی کاک

بقیه در صفحه ۲۸

"شعر بر رفیق شهید احمد موذن در زندان اهواز سروده و به رفیق هم زنجیرش کمونیست شهید مسعود انبالی که همراه احمد روز ۵۹/۲/۱۲ شهرباران گردید، تقدیم کرده است ."

شعرا به خط خود رفیق احمد میسر
زیبت بخش پیکار میکنیم :

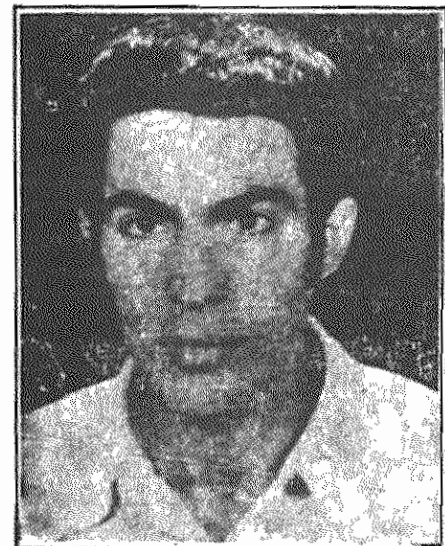
رفیق پیشمرگه، نجم الدین شیخی
رفیق احمد موذن
که شمشیرش سر بر سر آید
و رفته در شرف خیمه های
و شمشیرش سر بر سر آید
و رفته در شرف خیمه های
و شمشیرش سر بر سر آید
و رفته در شرف خیمه های

نقوت یک رفیق

نقوت ما رفیق !
نقوت بگ طیفه است !
که سنگی پتکش مفر میرا لسمرا میکود
وز زحمتکشان رایه گردیر جم خویش متحد میکود
و سفنگش را سوی عالمین سرمایه نشان میگیرد

★ ★ ★

کس ما، سارو سی امان ما است !
در راستی و صداقت به انقلاب !
و نقوت به سیستم فدا خلقی سرمایه داری وابسته !
که ارا سان برده مسازد
تا تعنگ بدست گیرند
تا با ساداری کمد سرما به را
تا دفاع کمندر رفقای ما
از سگر بر افتخار زحمتکشان !
تا با ره شود قلبیان
از سرب داغ این عروسکان سرمایه !
و فریاد دزدانیا تمام نقوت و کین
رسده ما دانقلاب، زنده ما دخلق !



رفیق احمد موذن

رفیق احمد موذن در سال ۱۳۳۲ در خا سوادده ای متوسط در در معل بدیا آمد . در سال ۱۳۵۲ وارد دانشگاه کنا وری اهواز گردید . تا سال ۱۳۵۵ رفیق بعنوان طرفدار دکترونیستی فعالیت داشت اما از آن پس با تاسیر پذیری از محسب آگاهی سخن دانگاه و آشنائی با آثار مارکسی و دان تشویبان کمونیست به روشنائی شرح ما رگیم لتنینیم، اس ساره راهمای انقلاب و سوسا لسمراه امت و در میان دانشجویان انقلابی و سوبزه فعال لرسی سخن آتان حقای گرفت . پس از قیام مهمن ۵۷، رفیق از دانشجویان کمونیستی بود که در گنودن دسودا دانشجویان مبارز طرفدار آزادی طیفه کارگرفتن موثری داشت . احمد بدلیل فعالیت گسترده اش همواره آماج حملات ارتجاع و عوامل بر دوش بود . رفیق احمد، پس از تشکیل سازمان دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان، با عنقی سی - بایان به آلمان رفقای بخش طیفه کارگر، در راه رفقای زحمتکشان به مبارزه سی امان علیه امپریالیسم، ارتجاع و سرمایه داری ادا مهاد و مسئولین تنکلات دانشجویان هوادار شمار میرفت .

خو انا انقلابی و زحمتکشان آگاه در معل چهره جنگی نابدر و مهران او را که روره ای آفره هتا کوله ماری ار "پیکار"، "۱۳ آتان" و شریات دیگر سا زمان و کتا نیهای کمونیستی به میان آتان میرفت فرا موش حوا هند کرد و مهمن سب بود که علیرغم تسلیمات مسموم ارتجاع در شوکش با دا و وساز زواتش را رسده دانستند . در یورش ارتجاع به دانشگاهها که

بقیه در صفحه ۱۴

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

ژنرال

جمهوری اسلامی و سوسیالیسم

(نگاهی به لایحه قضای، پیشنهادی شورای عالی قضایی)

کلید دعای آنکه نظریات آنها (برده داران، فتوادلها، سرماه داران) همدو طرف دیگری رحمکنان، درعواصین منطبق به سنده اول منبع هسانها "حل" شده است. (السناس امر، دردوره برده داری بحوسبارآشکاربروواضح بسسری سید بدوره فتوادلسم بوده و سرماه داران توانستن ظالما به خودراست به فتوادلسم وجود برده داری درپوشش سنشتری فرورسده است. خود اس شمیرات هم غفلت نکامل بیروهای سولند ورنشودآگاهی وسارره بوده های زمینکش حاصل شده است.)

ارما هیت تا سون قضای که ارجای است و آنکه حد ظفانی آراد در راه حکم مسامح ظفانی خود وضع کرده اند صحبت کردیم اکنون صالمان است که اگر همین تا سون را که به ظا هر اعموماً ترا دجا بعدرا تا مل شود و خواهد اجرا کند مسلماً چرای رحمکنان را خواهد گرفت. اس ارهان توانستی است که میگویند "ما سدا رعکوب سها بنه های لاعسر در آن گرفتار می آمد." طفتات استنما رگر که موجب عمل هراران برقرارهرا هم ما ورد طبق اسن توانستن ارجا راب و قضای معاصد و املا ار محازات آنها شخصی میبواند در میان مائدولی اگر دهانی مفلوک و جان آمده ارسرا آگاهی و عدم شنا حد دسین خود (یعنی فتوادل) دهستان دیگررا کتب آسود است که "عدالت طفا سی" حواسار تمام میشود. اس به اصطلاح اجرای "عدالت" تا اس شای استنما رگران را سنی گمردیلگم همچون حمل سرکوب، رحمکنان و ستمدیدگان را محصور به سلیم و اطاعت و خوشترده میکند. اس است محضای ارجای و ستنی سمارسطحی و اسدانی ناظر سرامل قضای و سهمین دلیل است که اصل به اصطلاح عام قضای است که سببش در رابطه ما سالدین گمده میشود. اسین را در معالسه خا سرشان خوا همداد.

اکنون بپردازیم به مطلب دوم، و آن وجه سار بر آسکاری است که سبب حقوی قضایی مردورون در اس دو "ماده" دیده میشود. ماده ۵ میگوید: "هر گاه مرد سلماتی عمدان سلماتی را یکسند محکوم به قصاص است سلیکن مایدولی رن سسل ارجای تا مل سمددنه مرد را سها و بپردارد" می - سسم که طفا سی اس "ماده" حقی که برای مرد وجود دارد و بر آسکاری است که برای رن می - سواد وجود داده است. با سعارب سبب در اسجایک مرد عاوی دوسرورن میبواند (نگرن + نگرن = نگ مرد) سببین جهت و سنی

لحظات توجه هر خواننده ای را که ما فرجه سگ با رگ سسی آسانی داده ما سجدت میکند. اول: نوع سرچوبه قائل و راه مفالند نام سله قائل در اصماع. دوم: عرضی که در همین مورد سس رن و مرد سسبب شنا حد شده است.

اول: ما رگ سسم - لسنیم ما سها مورد کده تا دیده ها سطور سسروط و هه جا سبه سرچورد گسسم ونگ دیده را ارجای مختلف مورد سررسی ترا در هیم و به سسین لحاظ هر گریک تا سسل را سمر تا سجام عمل مسحق مرگ می داند. سرای ما رگ سسم - لسنیم اسین مطرح است که سسرا ط عمسی و ذهنی ای گهای قائل در آن صورت گرفته است؟ سسرا ط مادی آنکه قائل و مشول در آن سرورس با سها اند چه بوده است؟ ما هیت و موضع ظفانی قائل و مشول ارجحه مقولده ای است؟... و اگر مشول و اصماع مورد سسم واضح شده است و تا مل سسما ر سسین داده شود ما رگ سسم - لسنیم سورا ارسر رخصین خون تا مل سینی دهد، بلکه در اسجا اس مسئله مطرح میشود که آیا قائل اصماع سدا سست؟ تا او میبواند ولونا گذارندن مرحله ای ارگسار سسینی و سولیدی به اصماع سرگردونه سار سدی و سسلسد در جهت مسامح رحمکنان در جا سسید سسرارد؟ تا او توانائی اسرا خواهد داشت که اس قائل را با ر سدی سسسن به دیگران در اسر ما رره و سها حد در جهت جا معده سوسا لسنی سسران کند؟ و سسوالهای دیگری اراس سسل و در همین رابطه ما می انگاناب سسینی را سرای اصماع حبسین امیرادی در جا معده سوسا لسنی ترا هم سسکند و سنی العموم موردی سرای گنسن تا سلیس (حردر موارد سسرا را سسما شی) و مسود نخواهد داشت.

ساراس، ما رگ سسم - لسنیم آسکارا حامی طینه کا رگر و دیگر رحمکنان است و سسبر سسادی جا معده در جهن آسرسین انسان سوسن در سمد سطر دارد. اما برده داران و فتوادلها و سرماه - داران بگونه دیگری سرچورد میکنند. اس هر سه طفتات استنما رگر و سسکار همدو سسبب است که سوانستی را هم که وضع میکنند به سفع طفا سبه خودمان تا سله و لی در عین حال اسها به سسها سسری گسها به سها سسینان سسبوا سدفکر کند و سطر داده سها سسببرگندن رسده های سها سها معه طفا سسم اسسدا سندان خاطر است که اسسها و سساعتنسان تا اگر سسینی کسه سسبب سسم و استنما راسسان سسببب کا طفا سسرا سس ولدا سسخوا همدومی سواد سها سها سجا معه طفا سی سار ره گمده سسببین جهت

اکنون بدوران دراری اسدکه دوران برده داری و فتوادلسم سسری شده است. دوره سرماه داری سسرا و اخر عمر خود را طای منگده، ما هم اکنون در عصر اسطانیهای رهائی سسین و اسطانیهای سوسا لسنی، فرار ارسما، اما ما اسین حال و با سوجه ما هیت سمدلطی و سسخط رز سسم جمهوری اسلامی اسداس سسینی سسرای سسرو سهای آگاه طفا سی حاصل سسبب و سسومی سها هده می کنند که رز سسم بر سورا سسما عوا میگویند ما سواسن سسما - های برده داری و فتوادلسم سسرا ارسر بر سله دان سار سس سسرون سسکند و سسرا رگران و رحمکنان طفا سی سسیرمان اسرا سسبب عوا سسین "عوا سسین سسرفی و سسرامسین الهی" سسحمل گمده. رز سسم جمهوری اسلامی ارهان آعا ر سق در سسبب سسندن کوشش فراوانی را سکار سسده است تا سسکا سسک سواسین ارجای اصماع رگ سسبب ارسده کند و با سها سسار رنند و آگاهی خوددهای طفا سی سسه جا گمده سسرد سسینی حوش سدا و م سسشنه در همین راستا است که ما تا مل عمما رنجا سی، "ولایت فقیه" در فاشون اساسی رز سسم مواجه سسوسم، و سها در همین طفا سکه سسلاش سسرای محصور سساحتن سسین سسبب سسبب و سسرسادن رمان سسکچ جا سها دیده مسود... و اکنون در داد مساس سسبب سسبب، ما تا لایحه سسبب سسادی سسرای عالی قضایی سس مجلس سسرای اسلامی روسوسوسم که خود جلوه دیگری از اسها سواسین دوره های برده داری و فتوادلسم است سرچورد سسای لایحه و سسدمعنا سسین آن ارجای مختلف، گار سسبب که در سسک مثالمان سسکان سسدر سسبب، ارا سسرو ما در سسها سسرا سسرای سسده سسری ارگاب محضوری اس لایحه می کنیم سها سار هم سسبب سسرا هیت ارجای - سسردمی و سسوده اسین رز سسم را طفا سسرم سسما سسرها و سسلسناس اسنا گسسم. اس لایحه سسما سسبب که گسسمه ارسوی سسرای عالی سسما سسبب سسای آس اللله سسومی سس مجلس سسبب سسها دنده و هر چه سسور سسما سسوسبب سسده ولی سسظر سسینی و عسلی سسینی اس سواد اس لایحه گمده و سسین اجرا سسبب (سار ره سسینی سسوده آن اجرای سسینی ارماده ۲۳ در سسورد سسینی سسما سسبب سسکوری است که طفا سی ادعای "داد گاد" سسها سسروا سسبب سسسان اها سس کرده سسود) و سسبب سسرا سسبب که چون اس لایحه اسلاطام اچد سسده که سسینی در مجلس سسرا (اگر هم سسخواهد) چر سبب آنرا خواهد یا سبب که ما سواسین اسلامی سسلافت گمده سسبب ما آس که طفا سی معمول عمل ارا را سس لایحه سس مجلس سسبب سسده آس اللله سسینی سسها سس جورده سساست.

حال سسواد ۵ و ۶ لایحه سسینی سسما گسسم: "ماده ۵ - هر گاه مرد سسلماتی عمیدان رن سسلماتی را سسکند محکوم به قصاص است سسبب لسنک مایدولی رن قائل ارجای سس قائل سسبب سسبب مرد را سها و سسبب دارد." "ماده ۶ - هر گاه رن سسلماتی عمدا سسرد سسلماتی را سس قائل و سسبب سسبب محکوم به قصاص است و سسها سس سسری سها ولونا سسبب سس - دارد." در اس دو "ماده" دو سسما سسبب سسبب و سساولسن

کمکهای مالی رسیده

شماره	نام	مبلغ
۱	ش - ج	۲۰۰۰
۲	ش - الف	۱۰۰۰
۳	ش - ج	۱۰۰۰
۴	ش - د	۵۰۰
۵	ش - ج	۱۱۵۰
۶	ش - د	۵۰۰
۷	ش - ج	۱۲۵۰
۸	ش - د	۲۲۰۰
۹	ش - ج	۱۰۰۰
۱۰	ش - د	۱۰۰۰
۱۱	ش - ج	۱۰۰۰
۱۲	ش - د	۱۰۰۰
۱۳	ش - ج	۱۰۰۰
۱۴	ش - د	۱۰۰۰
۱۵	ش - ج	۱۰۰۰
۱۶	ش - د	۱۰۰۰
۱۷	ش - ج	۱۰۰۰
۱۸	ش - د	۱۰۰۰
۱۹	ش - ج	۱۰۰۰
۲۰	ش - د	۱۰۰۰
۲۱	ش - ج	۱۰۰۰
۲۲	ش - د	۱۰۰۰
۲۳	ش - ج	۱۰۰۰
۲۴	ش - د	۱۰۰۰
۲۵	ش - ج	۱۰۰۰
۲۶	ش - د	۱۰۰۰
۲۷	ش - ج	۱۰۰۰
۲۸	ش - د	۱۰۰۰
۲۹	ش - ج	۱۰۰۰
۳۰	ش - د	۱۰۰۰
۳۱	ش - ج	۱۰۰۰
۳۲	ش - د	۱۰۰۰
۳۳	ش - ج	۱۰۰۰
۳۴	ش - د	۱۰۰۰
۳۵	ش - ج	۱۰۰۰
۳۶	ش - د	۱۰۰۰
۳۷	ش - ج	۱۰۰۰
۳۸	ش - د	۱۰۰۰
۳۹	ش - ج	۱۰۰۰
۴۰	ش - د	۱۰۰۰
۴۱	ش - ج	۱۰۰۰
۴۲	ش - د	۱۰۰۰
۴۳	ش - ج	۱۰۰۰
۴۴	ش - د	۱۰۰۰
۴۵	ش - ج	۱۰۰۰
۴۶	ش - د	۱۰۰۰
۴۷	ش - ج	۱۰۰۰
۴۸	ش - د	۱۰۰۰
۴۹	ش - ج	۱۰۰۰
۵۰	ش - د	۱۰۰۰
۵۱	ش - ج	۱۰۰۰
۵۲	ش - د	۱۰۰۰
۵۳	ش - ج	۱۰۰۰
۵۴	ش - د	۱۰۰۰
۵۵	ش - ج	۱۰۰۰
۵۶	ش - د	۱۰۰۰
۵۷	ش - ج	۱۰۰۰
۵۸	ش - د	۱۰۰۰
۵۹	ش - ج	۱۰۰۰
۶۰	ش - د	۱۰۰۰
۶۱	ش - ج	۱۰۰۰
۶۲	ش - د	۱۰۰۰
۶۳	ش - ج	۱۰۰۰
۶۴	ش - د	۱۰۰۰
۶۵	ش - ج	۱۰۰۰
۶۶	ش - د	۱۰۰۰
۶۷	ش - ج	۱۰۰۰
۶۸	ش - د	۱۰۰۰
۶۹	ش - ج	۱۰۰۰
۷۰	ش - د	۱۰۰۰
۷۱	ش - ج	۱۰۰۰
۷۲	ش - د	۱۰۰۰
۷۳	ش - ج	۱۰۰۰
۷۴	ش - د	۱۰۰۰
۷۵	ش - ج	۱۰۰۰
۷۶	ش - د	۱۰۰۰
۷۷	ش - ج	۱۰۰۰
۷۸	ش - د	۱۰۰۰
۷۹	ش - ج	۱۰۰۰
۸۰	ش - د	۱۰۰۰
۸۱	ش - ج	۱۰۰۰
۸۲	ش - د	۱۰۰۰
۸۳	ش - ج	۱۰۰۰
۸۴	ش - د	۱۰۰۰
۸۵	ش - ج	۱۰۰۰
۸۶	ش - د	۱۰۰۰
۸۷	ش - ج	۱۰۰۰
۸۸	ش - د	۱۰۰۰
۸۹	ش - ج	۱۰۰۰
۹۰	ش - د	۱۰۰۰
۹۱	ش - ج	۱۰۰۰
۹۲	ش - د	۱۰۰۰
۹۳	ش - ج	۱۰۰۰
۹۴	ش - د	۱۰۰۰
۹۵	ش - ج	۱۰۰۰
۹۶	ش - د	۱۰۰۰
۹۷	ش - ج	۱۰۰۰
۹۸	ش - د	۱۰۰۰
۹۹	ش - ج	۱۰۰۰
۱۰۰	ش - د	۱۰۰۰

"حزب توده" خیانتکار علیه تظاهرات انقلابی

"حزب توده" نوکر رژیم حاکم است و به همین خاطر در استان به خون آلوده مزدوران رژیم را پس از هرجا بستی می شویدا خلق آگاه نشود. در حقیقت حزب توده و درکنار آن "اکثریتی" هسا همکاران جلادان توده ها و انقلابیون میباشند. آنها همیشه جناحیتکاران جمهوری اسلامی را ضد کمونیستهای راستین و انقلابیون میبردازند

تا حکومت سرمایه داران برجا باشد، موضعگیری حزب توده درقبال تظاهرات انقلابی ۲۱ اردیبهشت یکبار دیگر ما هیت بلندایق دار و دسترا به نمایش گذاشت. بعد از آنجا رتا رنچک توسط با سداران رژیم، عوامل خا شن حزب توده و "چریکهای اکثریت" به محکوم کردن تظاهرات انقلابیون پرداخته و در همکاري با با سداران، رفقای کمونیست را شنا مائی کرده و سپس آنها را به با سداران نشان میداده. آمان در میان او با شان حزب اللهی به راهی مائی دست زده و شمار "مرگ بر پیگاری" میدادند. در سردای تظاهرات "حزب توده" در ورق باره خود نوشت: "فدا انقلابیون، ساواکی ها، رخصری هسا، پیگاری ها از هم رکننده در مقابل دانشگاه تهران اجتماع کرده". (مزم- ۶۰/۲/۲) با بدیه این خا شنین گفت آبا توده های آگاه خلق ما نمیدانند که فدا انقلابیون همان ها شی هستند که خلق و فرزندان را سرکوب میکنند، به استثما روحپا ول خلق مشغولند و مستحکم امیریا لیستها میباشند. آری خلق ماضیدانکه فدا انقلابیون جز رژیم حاکم، ساواکیها شی که در خدمت جمهوری اسلامی کار میکنند، فرماندهان مزدور حزب توده، و اکثریتی ها و رنجبری ها ... کسان دیگری نیستند. رفقای سازمان ما با ۱۴ سال مبارزه انقلابی نشان داده اند با روفاداران زحمتگشان و کارگران میباشند. حزب توده خا شن سازمان ما را درکنار فدا انقلابیون قرار میدهد تا چهره انقلابی سازمان ما را لوث کند، اما این اقدامات، کوششهای مرتجعانه ای بیش نیست. امروز هر صد انقلابیون و راهپیمایا و کپساکا سه جای نشاء و رو بر روی میباشند خروشی بسیار وفادار سرمایه داران و ارتجاع حاکم میباشند و همه دشمنان قسم خورده کمونیستها و تظاهرات سازمان یا فته توسط کمونیستها میباشند و پسر واضح است که آنها نه تنها در تظاهرات شرکت نداشته، بلکه همگی متعهد شده اند تا تظاهرات را سرکوب نمایند. سپس روزنا مه فدا انقلابی شده ای ها میزیسد: "... تا رنجکی که هنوز معلوم نیست توسط حسه کسی به میان جمعیت اندا حته شده منفجر شد ...". (هما تنجا - تا کیدا زما ست.) براسستی معلوم نیست تا رنجک توسط چه کسی به میان جمعیت تظا هرکننده اندا حته شد؟! بین تا رنجک توسط کسانیکه از هیترو موسولینی و شاه مسز دور آموخته اند، به میان جمعیت اندا حته شد. این تا رنجک توسط عمال جناحیتکار رژیم حاکم برتاب گردید تا توده ها را مرعوب کنند. آبا حزب توده نمیدانند که رژیم حاکم مسبب اصلی این جناحیت است؟! چرا میباشند، اما آگاهانه و عمدانه این جناحیت را می یوشانند تا یکبار دیگر به رژیم سرمایه داری اسلامی اشیا ت کنند که نوکری چون و چرایش میباشند و پیغملاوه کشتار کمونیستهای راستین برای حزب توده جناحیت نیست، بلکه "خدمتی" است قابل ستایش "حزب توده دشمن کمونیستها و تظاهرات انقلابی میباشند چرا که خود مدافع سرمایه داران و امیریا لیستهای روسی میباشند

نام	مبلغ
کتاب	۲۵۰۰
با عصبه	۲۰۰
مهر	۵۰۰
هواداران خام	۱۸۰۰
کا رکنان زن جوگنا	۵۰۰
هسته گرم خا دهبور	۲۱۰۰
رفقای دانش آموز	۵۰۰
بدینبار و رفیق مسافر کیمک	۱۵۰۰
ساز رسید	۵۰۰
اوروجه:	
الف - ز	۲۲۰۰
الف - د	۲۵۰۰
الف - ج	۵۰۰
با تا ر	۲۰۰۰
رفقای کارگر	۱۵۰۰
رفیق کارگر	۲۰۰۰
شرح	۲۴۰۰
شپس	۲۴۰۰
مجلات	۲۵۰۰
رفیق کارگر	۲۰۰۰
سربازان	۲۰۰۰
رفیق هوادار	۲۰۰۰
رفقای موبای برادوست	۱۱۵۰
رفیق	۱۰۰۰
رفقای کارمند	۱۰۰۰
آسل:	
الف - ن	۲۰۰۰
ب	۱۰۰۰
م	۱۰۰۰
الف کارگر	۱۰۰۰
م - ج کارگر	۱۰۰۰
م - د کارگر	۱۰۰۰
ج - بوا حنه	۱۵۰۰
ج - رسدای	۲۰۰۰
ت - ن خا گدا و روسای	۱۰۰۰
آخی حمله	۵۰۰
گروهی ارادستان خا داء مل	۱۰۰۰
هتدو کیمک	۱۰۰۰
اشعیا ن:	
ه - د	۸۵۰۰
ه سواد و آروشن	۸۰۰
جس ارنا هین شپور	۳۰۰۰
رفیق ارشد	۵۰۰
ر - مسعودا ما ن	۱۰۰۰
رفقای سا مان	۳۰۰۰
ر - مهدی سا مان	۳۰۰۰
رفقا D-F	۳۰۰۰
جرم آباد:	
ج - ج	۵۰۰
ع - ع	۱۲۰۰
فرشته با ساه	۵۰۰
قیام	۲۰۰۰
مهبس با ساه	۵۰۰
سکنا س:	
ط	۵۰۰
رفیق مادار	۲۰۰۰
هوادار	۵۰۰
سبا	۳۰۰
آذر	۲۰۰۰
هوادار	۱۲۰۰
رنت:	
ج	۲۲۰۰
رفیق	۱۰۰
ک - آ	۲۰۰۰
ک - کارگر	۸۰۰
کا رگر خا رنج	۱۰۰۰
سفری شو اولی	۱۰۰۰
سورج:	
م	۲۵۰۰
رادبولوی	۲۰۰۰
رهو خا خا داء	۱۰۰۰
ع - ماس	۲۰۰۰
م - ب هدیه ات رسید	۱۵۰۰
سیراز:	
رفیق دانش آموزان سباه	۲۰۰۰

رفیق شهید پیکارگر کمونیست ایرج ترابی ستاره سرخ دیگری در آسمان جنبش کمونیستی



آه چه درخشنی دارد
چه درخششی دارد
پیکر سوراخ - سوراخ یک رفیق
آرمیده در کفش سرخ
آنگاه کبهِ اهتزاز زده میاید

آنگاه که در زورفنای خاک میشود پنهان
تا دلحظه پیروزی
سرمه آرد برپام خانه ها
برد و بس کارخانه ها

برشانه های یاران

رزم جمهوری اسلامی که سرکوب، سربازان،
رندان و شکنجه و... مردوران سواستند در
اراده سوار راسی فرزندان کمونیست بوده های
خلق و در وفاداری آنان به آرمان رها شخص
طنجه کا رتکو چکری خلقی وارد آمد و در مدیحه
حال نمکدندان بد رفتن نه سوره های سرور سواد
و عمویت دادن به آن خواهد سواست سکا رسی
امان کمونیستها، و انقلابیون بکنگر استند
نماید. ایرجاع شهید حال منکدندان سربا
نم و با رنگ نمیان صوف و رمد بوده های
کمونیست و انقلابی خواهد سواست به اهداف
نوم خود دست یابد. کمونیست ها با اراده ای زلیل
- با تدبیر و آگاهی کامل به خطرات وحشی های
مبارزه، جان سرکوب در راه کت آزادی و استقلال و
برای رسیدن به یک زندگی سوس و حال سبی ار
استخا ر برای سوده های رجمکن ند در راه سرج
مبارزه گذارده اند و چون رفقای جوی، ایرج -
سراسی و آدرمه علیان ساگر اسان و وفاداری
آنان به راهی است که اسباب کرده اند.

سرتاب سارحک به صف نظرات ۲۱ اردیبهشت
۱۳۶۰ رفقای هوادار ما که در تحلیل ارمانا و مس
برشکوه اول اردیبهشت ۵۹ و یادشیدان آن
سرگرا رگردد، سادای ارجمور و سوسی ایرجاع
در مقابلنا حسن او چکری زده بوده ها سست و
سپادت دور رفیق کمونیست ما در اس سرور عربان

در قلب کشتزارها

و وحشا به مردوران ایرجاع، اراده ما را در آید
راه سرج آنان اسوار تر مسارد.
رفیق سکا رگر ایرج برای در حال ۱۳۳۸ در
یک جا سواد کا رگری در سراسر دنیا آمد. او ار
آخا که ما کمون و سوت خود سیم طنبا سبی
را حق منگرد، ما ساسرند سیری ارعاصر آگسا ه
و انقلابی اردوران دسترسان به مبارزه روی
آورد. بدر رفیق که کا رگر کا رخانه سمان دورود
بوده سست اعراض علیه کا ررما ی جو سخوار
ارکا رخانه ایرجاع ندوسیس برای امرار درما س
آواره سپرها کردند. آرآن سس رفیق اسسرج
مشول ساداره جا سواد در راه سجده گرت ۱۰ و در
همان زمان که به نحصل ادا به سداد و در عین حال
رحمون در ما ساسا سبانه کا رخانه ها معرفت، سک
لحظه مبارزه علیه رزم جاش سا در راها سگرد. در
نظرات مربوط به نهیهای ما همه سسما رگس
آبادان رفیق فعالا سرتک کرد و سس در روزهای
ما مورسکوسی رزم مسفور به لوی سا سا مورا
به مقابلت مباررایی خود ادا میداد.

سراسر ما، آخا که کا رگران و رجمکنان
به قدرت رسیده بودند و رزم جدا انقلابی جمهوری
اسلامی به مدافع خلق بلکه دشمن رجمکنان
بود، رفیق ایرج به مبارزه خود ادا میداد. او
برای سسرندک مبارزه مشکل مدی سا گروه
شخصی خلق "به همگاری سوادا ح و سس سراسی

یک سال... یک سال...

۱ سورا سگرد. "رفیق در ادا سسکا ران سرای
آسده آراد و سرور رجمکنان سسارمان سسسا
سوسب و در حرمان سوس سجدتا سس و ساداران
ایرجاع سسگرد سمان سهرمان سرور، سسوان
سسرکد سارمان سسکا ردر صوف جسس سفا و سب
خلق کرده سلا سرتک گرد.

رفیق سکا رتک کا ک سجمال دس سسجی، در
اولس سا غاب رور ۱۱ اردیبهشت ۵۹، اول ماه
مه، رورجهایی کا رگران، در ما مورسی ساسده که
برای کمک رسایی به سسرکده های سسسر در
سحر، سحاطر و چکریهای مردوران سملج رزم
جمهوری اسلامی، سا حارنا حرا عیای جا سوس
راسدگی سسگرد، سا اسوسیل رفقای ندانشی
سعاد رفیق سجمال دس همراه ما رفیق
سداشی رضا طسفه را ده سسهاد رسدند.

امروز، سسکال اسهادت سرج کمونیست
سسکا رگر، رفیق سسسرکده سجمال دس سسجی،
خلق سهرمان کرده همراه و هم آوانا سسرگمان
کمونیست و انقلابی، در راه سرج انقلاب، در
راه سجمال دس ها، سسادا و سسر سسیدان راه
رفا شی رجمکنان سسمان سسسر میروند.

زده سادس و جا و سدا آرمانس!

و جد ساسی - اسدلولوزیک خود ما سز سمان
سکا ردر راه آزادی طسغه کا رگر، آرادر ۵۸ در
ارسط سارمان ساسسوان و داسس آموران
سکا رر سراجر سرف. رفیق که سس کمونیست بود
در راه آرمان طسغه کا رگرمی سسکدا آرآن سس
نظور مشکل سسما رره انقلابی خود ادا میداد
رفیق مدی سسول سسرنکی ارساط ط آنادان
بود. سس سسرا ررف و اسر سدا ۵۹ س موصع
سکلاسی سسما سدر ارساط سارمان سسرا ر
گرت. وسالاحره رفیق کمونیست و سکا رگر سسا
سوط سس سکا ران سسا رزم جمهوری اسلامی
همراه رفیق آدرمه علیان سسجی رسدند.
جدی سس رفیق ایرج سس اسهادت رفیق
محمود صمدی سسکا سسگر مدکی سا سدا وادار "سگار"
سجوا سدی احسار سادای سسندک سس سسگرد و
سسا سب و روجه سسا و ما در سسرا و درودنی -
سرساد، سس سسگر سدا و اسس سسود، سسره وار
عرو و رفیق سدا آزادی طسغه کا رگر و رجمکنان
ما به سسرتک ۱۰ اسرای انقلاب سوده ها و سسرای
سوسا سسیمی سسکد و در اس راه سسروسط
رزم جمهوری اسلامی سسندک سس. سسهادت در راه
رفا شی رجمکنان و در راه سوسا سس سس سسرتکوه
اس آاس سسهادت اعلام سرتک رزم جا کم است!
سوکند سسجی رفقای سسند سکا رگر
کمونیست که سسای جان در راه آرمان سسجس
سبارزه خواهد سسود ساسا سسودی سسجس
سرحس و سسکمب رجمکنان اسرای سسوا هم
سست!

تدفین خاطره انگیز رفیق کمونیست آذر مهر علیان

روز دوم اردیبهشت حیدر رفیق شهید آذر مهر - علیان نویسنده خانواده ما زوجه می از مهرمان او از بزرگی قانونی تا بهشت زهرا حمل شد . آنچه در محط پیرامون شهید ما موج میزد شور انقلابی و کمونیستی بود ، بهمان برای ادامه راه بود ، کینه نیست به دشمنان کا رگران و زحمت کشان بود و نفرت از حنا سنگاران و ملاحصره عشق به آرمان کمونیسم و سوزگند برای مارتزه‌ها سرد آفرین و برپا شدن جمهوری دمکراتیک خلق و تحقق سوسیالیسم .

در سالن غسالخانه بسیاری از رفقا برای آخرین وداع و تحننه عهده دینار چهره رفیق میرفتند و با کشته‌های واقعه افشارگری علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی می سرداختند .

در ساعت ۱۱ صبح جسد خانوادگی خود را برداریم ، ما در قهرمان رفیق آذر مهر سکوی ایستاده و شروع به افشارگری نمود ، او با لحنی استوار و پر شور چنین گفت :

"مردم بیدار شوید فرزندان کمونیست بود ، این دولت جوانها را با خاک کمونیست بودن می‌کشد ، مگر دختر من چه میخواست ؟ و علیه سرما به داران بود ، او خواستار برپا شدن دینار و شکوه بود ، و همه دلیل او را گفتند ."

در این مراسم تدفین سخا طرحوا جنساق ، عده‌ای از رفقا در کنار خانوادگی شهید حضور داشتند ، حیدر و شرفقا تا قطعه مورد نظر حاصل شد ، مشتای گریه کرده و قفسای که از زنگنه سه جلادان و عشق به راه شهیدی نبود همراه با شاعرهای زیر حیدر رفیق را همراهی نمود :

"پا رسال معتمدی ، مو ، دن ، سال تراستی ، مهر علیان ، تراستی - مهر علیان شهید اردیبهشت ، راهت ادا می‌دارد ، پیکار رگبر شهید مرا هت ادا می‌دارد ، اول اردیبهشت لکه ننگ دیگر بردا من ارتجاع ، طبعه حیزب جمهوری ، علیه اسرائیلها ، زنده باد بیکارتوده - ها"

سپس حیدر رفیق آذر را به خاک سپردند و بدینال آن بیامازمان بیکار ، سام داش - جوان و دانش آموزان بیکار روپیا مگانون شهدا و زندانیان سیاسی خوانده شدند . ما در قهرمان رفیق شهید سخنان همان - انگیزی گفت که حاضران و گروهی از مدعیان راکه در بهشت زهرا بودند تحت تاثیر شوق را داد ، او گفت : "مردم ، من از زحمت و خون حکمرانان بجهه را بزرگ کردم ، بدترش ۱۲ سال مریض بود و نمایی - توانست کار کند ، من حور شما ما بیجا را گنیدم تا به ۱۸ سالگی رسیده ام ، امروز اگر من بسک دخترت زادت داده ام هزاران فرزندان دیگر دارم ."

کمونیستی کرد ، عهدی که تا ای جان همه ما ان بدان و وفا دار خواهم ماند ، در بیان مراسم وطنی دستخمش سرود شهیدان و سپس سرود استرا سوال حالنی سر سوره ها خوان بخشید ، ما شما شاعر و مرگ سر آمریکا ، مرگ سر ارتجاعی ان گرفت ، در طول مراسم همدردی بوده های مردمی که از بیسی در بهشت زهرا بودند ما توانا در رفیق شهید و رفقای او خوشی جشن گرفتیم ، یک بردگه بعدا معلوم ندید ، ما داراست روزه حمت کرد و گفت : "اسها خودشان با ریحک میخواستند روی سر مردم بیاید ، از آن سحر با و ه مورد اعتراض حاضران واقع شد و شعارهای "مرگ سر آمریکا و مرگ سر ارتجاع" ، او را ساکت کرد رفیق که در مراسم حضور داشتند در راه ما در قهرمان رفیق از حسن افاضه کرده است :

مادری قهرمان و نمونه

روحیه رفیق مادر و صفا نادر بود و سنجیده همه را فوت قلب می‌ساختند ، ما یک قطره اشک ندیدیم از دیده او جاری نبود ، او با شعارهای خود ادامه راه فریادش را از رفقای میخواست ، یکی از همکاران رفیق شهید در جلوی بزرگی قانونی آمد و به نمایش گذاشت از همکاران و مدرسه رفیق ، به مادرش تسلیمت گفت ولی ما در آذر گلستان میزبان داد :

"من استوار شده ام که به من تسلیمت بگوشت با سده من شریک بگوشت که در احترام در راه های خلق و طبقه اش جان خود را اردت داد ."

و در بهشت زهرا سنگت :

"آذر در حالی شهید شده که برچرخ بدست داشته ، خودم برچرخ او را بلند خواهم کرد و تا آخرین قطره خونم برای او برافراشته بگردد ، آنگاه آن خواهم گویند ، برای من رفیق آذر مهم نیست ، ادا می‌دارم او را و براسم می‌باید ."

و در جای دیگر سنگت :

"بچه من کمونیست بود و برای رفقا شیبی طبقه اش مارتزه می‌کرد ، او فرزند کا و کوسود ، من با آن کارگری و زحمت او را به سن ۱۸ سالگی رسانیده ام ، او همه میخواست که راه آذر و آذرها را ادا بدهد ، او همه ما در راهی ما رزمیم ، فرستاد که همراه ما بچه های خود علیه رژیم جمهوری اسلامی مبارزه کنند ."

درد و به رفیق مادر آذر و دیگر ما دران قهرمان ما !

تمامی رفقای آذر بچه های من هستند ، با سده ما دران روحه خودشان را حفظ کنند تا نفسهای خون جوانها نشان را از این رژیم و سرما بسد - داران بگیرند ، من تا آخرین قطره خون خودم راه در احترام ما زمان او تا نخواهم کرد ، و برچرخ سرحتی را در دست خواهم گرفت ،" و پدر زحمتکش رفیق آذر گفت :

"من یک کارگرم ، ما از یک خانواده طبقه ۳ هستیم ، این رژیم فرزندان را کشت ، چون آزادی کس را کس را نمی خواست ، مردم بیدار شوید دولت شما را فریب مدهد ."

آنگاه در میان اوچ احیاءات انقلابی و کمونیستی که جمع را احاطه کرده بود یک رفیق کا رگر که خود را به بهشت زهرا رسانده بود گفت :

"مردم ما رزق می‌بیدیم الان ارکا را خائسه می‌بایم ، هنوز لیا بن کارم در دستم هست ، مرا امروز اخراج کردند به حرم هواداری ار کمونیستها ."

مگر کمونیستها چه می‌گویند ؟ بیجا برای آزادی من و برای آزادی طبقه کارگر بیکار می‌کنند ، من هنوز به خانه برنگشتم ، وقتی شهید ما جنازه مرا برد است ، بیکره آمدم اینجا تا اینجا راه شهید ما بگویم و در مراسم رفیق شرکت کرده ام ،"

هنگامی که حیدر رفیق در آرا مگاه و فرا رگرفت و مراسم مدعی "لغتن" سخا شدند نسبت به او اجرا کنند و رفیق حطاب به حیدر رفیق شهید آذر سخنانی بسیار پر شور گفت و با او تحننه عهده شدی



ناتان ، مسکن ، آزادی
طرحی از رفیق دانش آموز کمونیست بیکارگر " تن"
که از زندان جمهوری اسلامی برای بیکار فرستاده است .

زنده باد سوسیالیسم!

بزرگداشت رفیق کمونیست پیکارگر ایرج تراپی در شیراز

در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۳ مراسم باشکوهی از طرف تشکلات شیراز با زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به مناسبت سوم شهید کمونیست رفیق ایرج تراپی برگزار گردید. مراسم عده زیادی از هواداران سازمان، خانواده رفیق و مردمیکه در گورستان حضور داشتند شرکت نمودند. دستگل های سزرگی که از طرف تشکلات شیراز و هواداران و آوارگان هوادار با زمان بر مزار رفیق گزارده شده بود به چشم میخورد.

در آغاز به مناسبت شهادت پیکارگر قهرمان جمعیت بحالت ایستاده با مشت های گره کرده یک دقیقه سکوت نمودند. پس از آن پیام سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر قرائت شد. بعد سرود شهیدان توسط رفقا خوانده شد که با استقبال حاضرین مواج گردید. آنگاه پیام سازمان دانشجویان و دانش آموزان پیکارگر - شیراز توسط یکی از رفقا خوانده شد و سپس پیام آوارگان جنگ هواداران بر زمان در شیراز و قطعه نغری که مناسبت شهادت رفیق توسط یکی از هواداران سروده شده بود، خوانده شد. حاضرین در فاصله پیام ها با مشت های گره کرده و مصمم شاعر می دادند: "ایرج شهیدم قسم به خون پاکت راهت ادا می دارم". بسیاری از حاضرین در گورستان که سر مزار رفیق حضور یافته بودند با آواز شغرا و رژیم جمهوری اسلامی با خانواده رفیق همدردی نمودند.

جمعیت حاضرین - فریاد میزدند "مری برخلادان خلق".

بدر رفیق شهید ضمن سپاسگزاری و تشکر از همه رفقا و کسانیکه با خانواده شهید ایرج همدردی نموده بودند طی یک سخنرانی اظهار داشت من یک کارگر کمونیست که بر اثر چهل سال کار در پالایشگاهها، مناطق نفتی و گازها سیاست برق و آب مریب شده ام و در زندگی هیچ مدارم جز دستهای زحمت کشم، من چهل سال است که در هیچ میز و موز و رژیم بخلافی این چهل سال نغمش فرزندم را تحویل من داده است. پدر شهید چندین بار سؤال کرد آیا کسی هست که بگیرد جرم فرزند من چه بوده که رژیم او را کشته؟ یکی از حاضرین از میان جمعیت فریاد سرد آورد حرم فرزند تو این بوده که او را زحمت کشان بود پدر شهید ادا می داد که آیا تا قیام کردیم که امروز تا حد این کشتارها شیم سخنرانی مهیج پدر شهید جمعیت را تحت تاثیر قرار داده جمعیت با شعار "درود بر تو ای کارگر مبارز" زوی استقبال کردند. آنگاه ما در شهید طی سخنانی ضمن دفاع از فرزندش گفت از این سلسله های من بایست راه او را ادا می دهی. جمعیت با شعار "درود بر شوای مادر مبارز" به سوی پاسخ دادند.

جمعیت مرتباً شعار میدادند "ایرج شهیدم قسم بخون سرخت راهت ادا می دارم".

در بین جمعیت فقط سه یا چهار نفر فانی لانس وجود داشتند که سعی داشتند نظم مراسم را بهم بزنند ولی با برخورد انقلابی رفقا و هواداران، افشا شدند مراسم از ساعت ۳ الی ۴/۳۰ ادا شد. داشت و با خواندن سرود شهیدان "با بیان یافت. پس از ترک مراسم و غار ج شدن جمعیت از گورستان بگفته یکی از حاضرین دو ما شیم - استیشن سیاه با داران سرما به که قلمه دستگیری رفقا را داشته اند به گورستان آمده بودند که دستخالی برگشتند. یکی از فانی لانس های عامل سیاه روی مزار رفیق رفته و پلاکاردهای سازمان را با راه کرده و قلمه داشت دست گلها را دور بریزد که با مخالفت مردم عزادار مواج شده و افشا میشود. آنها قلمه داشتند بگفتند که به آنها اعتراض میکرده دستگیر می شد که موفق نمی شوند و بر اثر اعتراض مردم آنجا را ترک میکنند ولی قبل از ترک محل تهدید کرده اند که چون این جوان پیکاری و کمونیست بوده ما شب سر میگردیم و قبرش را بهم می زنیم و اجازه نمی - دهیم او را در گورستان مسلمان خاک کنند! تنگ و نفرت برخلادان و مرتجعین جمهوری اسلامی

هم آوازی لیبرالهای خیانت پیشه با حزبهای جلاد در سرکوب تظاهرات انقلابی

مانهارا گفته و نوشته ام که لیبرالهای خاشن و حزبیهای جلاد در سرکوب انقلاب با هم متحد و برادرند. لیبرال ها با عوام فریبی سعی میکنند خود را طرفدار حقوق و آزادیهای مردم جا بزنند ولی در مقابل هر حرکت انقلابی به وحشیست افتاده و محصور میشوند تا یک عوام فریبی را کنار بدهد و چهره کوبه صد میومی خود را بنمایش بگذارند. سنی مدروور و زنا میا و راه با خرده گیری حیوانانه از تعطیلی دانشگاهها سعی کرده اند خود را از شیوه های فاشیستی حزب جمهوری اسلامی مبرا کنند و با فریب توده ها حمایت آنها را بسط خود جلب نمایند. ولی هر با رگه کمونیست ها، این بیگمترین مسازران راه دمکراسی با تظاهرات مسالمت آمیز خود - افشا جنابت رژیم بردار خه و از آن به منظور سرن شاعرهای انقلابی بمیان بوده ها استفاده کردند. سرمایه داران لیبرال دعوی خود را

سرما به داران حزبی را از با سرده وهم آوا سا آنها به زوزه کشی بر علیه انقلاب بردا خنند. همه میدانند که در روز ۳۱ فروردین ما چگونه ما شیبتهای جنابتکار تظاهرات مسالمت آمیز هواداران سازمان را که به مناسبت سالگرد حمله و خشونت مزدوران جمهوری اسلامی - دانشگاه و قتل عام دانشجویان مبارز برپا شده بود، با پرتاب نارنجک مدنفرقوی سخن کشیده و با اس عمل جنابتکار راه را لحاظ درنده خوئی روی فاشیستهای هیتلری را سفید کردند. ولی بیست و روزنا ما انقلاب اسلامی که یکی از ارکان های سرمایه داران لیبرال است، خرابین جنابت را چگونه منعکس میکند، بیسن روزنا ما در شماره ۲ اردیبهشت خود مینویسد: "اس حوادث بدسال جمع حدود ۲۰۰ تن (!) از هواداران گروه پیکار در مقابل درب ورودی دانشگاه تهران سوخته به مناسبت سالگرد

تعطیلی دانشگاه و خواهان سازگاری آن بودند این گروه که شاعرهای تند ر علیه نظام جمهوری اسلامی میدادند با مردم خرد رگیر شدند. در هنگام مدرگیری نارنجکی منفجر شد که باعث کشته شدن یک دختر ۲۲ ساله گردید " و در چند سطر بعد در باره تجمع منشی عناصر مزدور و اروپا جا هل و فریب خورده در مقابل دانشگاه در روز سه شنبه مینویسد: "عده ای از مردم به منظور خنثی کردن این اعمال در مقابل دانشگاه حضور داشتند. " (همه تا کیدات از ما ست) می بینید که چگونه لیبرال های برادری و اتحاد خود را جلادان حزب جمهوری اسلامی را آشکار کرده و چهره کوبه خود را می نقاب به نمایش میگذازند. بگذار این دلقکان لیبرال و اتمیتی را که در مقابل چشم مردم سقوط بیوسته مغرورانه تعریف کنند ولی با گذشتن دو سال از عمر تنگین شعبه از صفحه ۱۰

